

سازمان عفو بین المللی

افغانستان – ادیای مجدد حاکمیت قانون



فهرست مندرجات

1- معرفی	1.....
2- پس منظر	2.....
3- سازمان عفو بین المللی در افغانستان	5.....
4- اصلاحات عدلی و بازسازی	6.....
4.1 - محاکم افغانستان	6.....
4.2 - تاخیرات در ایجاد استراتژی مساعدت های قضایی	8.....
4.3
پیشنهادات	11.....
5- قضاء در افغانستان	12.....
5.1 - تفری در عدلیه	12.....
5.2 - آموزش قضایی
5.3 - قضاء تحت نماینده گی زنان	13.....
5.4 - پیشنهادت	14.....
6- استقلالیت	15.....
6.1 - تهدید ها بخاطر استقلال قوه قضائیه	16.....
6.2 - فساد اداری در قوه قضائیه	17.....
6.3 - منابع قضایی	19.....
6.4 - ناکافی بودن نظارت قضایی	20.....
6.5 - پیشنهادت	21.....
7- تخطی از حق داشتن محاکمه منصفانه	22.....
7.1 - تخطی از حق محاکمه منصفانه قبل از محاکمه	23.....
7.2 - تخطی از حق محاکمه منصفانه در جریان تجدید نظر حکم و محاکمه	27.....
7.3 - ضروریات عاجل برای ایجاد صلاحیت حقوقدان های مستقل	31.....
7.4 - نیازمندیهای عاجل برای اصلاحات قانونی، بخاطر تحفظ حقوق بشر توقیف شده گان	33.....
7.5 - پیشنهادت	34.....

8-	عدم	موفقیت	در	تحفظ	حقوق	انسانی	زنان	38.....
8.1-	دسترسی	نداشتن	زنان	به	عدالت			39.....
8.2-	مواخذه	قانونی	دختران	و	زنان	بخاطر	جرم	زنا
8.3-	پیشنهادات							40.....
9-	سیستم	عدلیه	غیر	رسمی				43.....
9.1 -	تخلفات	حقوق	بشر	در	نتیجه	میگانیزم	عدالت	غیر
								رسمی
9.2-	پیشنهادات							46.....
10-	تاخیر	برای	پایان	دادن	به	عفو	نمودن	ها
								47.....
10.1 -	پیشنهادات							
11-	نظارت	مستقل	بر	سیستم	عدلی	جنایی	از	دیدگاه
								قانون
								حقوق
								بشر
								53.....
11.1-	پیشنهادات							
12-	ختم							
13-	پیشنهادات							

افغانستان

ادعای مجدد حاکمیت قانون

1. معرفی

ادعای مجدد حاکمیت قانون به شمول خاتمه دادن به معافیت ها، یک اصل مهم برای ادعای مجدد صلح و ثبات در افغانستان می‌باشد. با درک این مطلب جامعه بین المللی مصمم گردید تا افغانستان را در بازسازی و اصلاحات سیستم عدلیه مساعدت نماید. چنانچه ادعای مجدد یک سیستم عدلی که در جریان 23 سال منازعه مسلحانه متضرر گردیده باشد کار بس مشکلی خواهد بود. عدم موجودیت کنترول موثر دولت مرکزی در خارج از کابل، ادامه جنگ ها در اطراف و قوانین ناقص ای که توسط قوماندانان محلی و گروپ های مسلح در بعضی از مناطق افغانستان، باعث آن گردید تا قانونیت را از بین برده و یا آنرا تضعیف نماید. عدم موجودیت اعتماد عامه به سیستم محاکم باعث آن گردیده است که می‌کانونیزم عدلیه غیر رسمی (جرگه ها و شوراه) در افغانستان در طول تاریخ بوجود آید.

در پهلوی مشکلات امنیتی و سیاسی که قانونیت را از بین برده، محاکم در بعضی مراکز شهری در افغانستان فعالیت می نمایند، البته با محدودیت های وضع شده به آن. بهر حال، در مناطق دور افتاده سیستم عدلیه به مشکل فعالیت می‌نماید. در جائی که محاکم ایجاد شده اند، خیلی آسیب پذیر بوده و به مشکلات کمبود تسهیلات ابتدایی مواجه اند که برای اداره عدلی ضروری است. جامعه بین المللی تعهد نمود تا عدلیه را در مسیر کمبود استراتژی مساعدت نماید با تأسف که در تعهدات شان خیلی تاخیر نموده اند. در نتیجه محاکم افغانستان تابحال به کمبود و نداشتن تسهیلات چون، جای دفتر، لوازم دفتر چون فرنیچر (میز و چوکی) دفتر و کتاب های حقوق و قانون دچار اند.

عدلیه تابحال حمایت ضروری را بدست نیاورده تا بتواند که در مقابل فشارها مقاومت نماید. جامعه بین المللی در بوجود آوردن صلح موثر و کنترول در آوردن گروپ های مسلح ناکام مانده اند. و این گروپها عدلیه را به حد کافی ناتوان ساخته است.

بر علاوه، در حال حاضر اقدام بخاطر تحفظ محاکم، افسران عدلی، شواهد و قربانیان وجود ندارد، بدین لحاظ صلاحیت عدلیه را برای حفظ استقلال اش تضعیف می‌نماید. در نتیجه، بعضی افراد مشخص همیشه بخاطر جایگاه شان در اجتماع مافوق قانون قرار می‌گیرند، زیرا آنها قادر اند که از تهدید، رعب و دی‌گر اشکال فشار استفاده نمایند و عدلیه را بر وفق مراد شان اجرا کنند. بر علاوه، تاثیرات اقتصادی مشکلات گسترده ای را در قسمت رشوه خواری بوجود آورده است.

حقوق مدافعین در حال حاضر توسط سیستم عدلی جنایی رعایت نمی گردد. مدافعین به شمول اطفال از داشتن محاکمه منصفانه محروم می‌باشند. همچنان در اینجا مشکلات گسترده برای توقیف های خودسرانه وجود دارد. بسیاری از قضات و حارنوالان آموزش یا آگاهی های لازم مسلکی را ندارند، اینها نیازمند آموزش اند تا قوانین ملی را با مطابقت به قوانین بین المللی در مورد اجراء قرار دهند. بر علاوه، اصلاحات قانونی متقاضی آنست که تمام قوانین ملی باید مطابق با قوانین بین المللی باشند. به شمول کنوانسیون بین المللی در مورد حقوق سیاسی و مدنی (ICCPR) و قانون روم در مورد محکمه بین المللی جنایی (قانون روم).

موجودیت تبعیض فاحش در مقابل زنان در افغانستان در سیستم عدلی جنایی نیز انعکاس یافته است. زنان قربانی و مدافع از دسترسی داشتن به عدالت محروم می‌باشند و این تبعیض در سیستم عدلی رسمی و غیر رسمی به مشاهده می‌رسد.

مداخله نظامی بین المللی در افغانستان که به رهبری ایالات متحده که به سقوط حکومت طالبان انجامید. طالبان مسوول تخطی های شدیدی و گسترده حقوق بشر بوده اند. این مداخله نظامی توأم با تعهداتی سیاسی و مالی بخاطر بازسازی اصلاحات قانونی و حقوق بشر بود. در اکتوبر 2001 آقای جک استرا وزیر خارجه انگلستان، در یک بیانیه چنین اظهار نموده که، "ضروریات جهت انکشاف افغانستان خیلی بزرگ خواهد بود.

بازسازی کشور بوسنیا 5 ملیارد دالر تخمین زده شد. افغانستان چهار برابر بوسنیا نفوس دارد... اما ما مجبوریم که این هزینه را مستقیماً شویم. اگر ما این کار نکنیم، جبران آن به مراتب سنگین تر خواهد بود." رهبران دی‌گر کشورها نیز تعهدات مشابهی را نموده بودند. بهر حال در کنفرانس بین‌المللی توکیو در مورد مساعدت، بازسازی افغانستان آنچه توسط جامعه بین‌المللی در نظر گرفته شد نیم ملیارد دالر کمتر از آنچه بود که به بوسنیا پرداخت شده بود. بر علاوه، در سال جاری مالی حدود پانزده ملیون دالر تخصیص مربوط به پروژه ایجاد حاکمیت قانون در افغانستان بود، کسر گردید.

قسمی که جامعه بین‌المللی توجه اش را به بازسازی کشور جنگ‌زده عراق جلب نموده، این ظالمانه خواهد بود که وعده‌های داده شده، به مردم افغانستان جامه عمل نپوشد. افغانستان خواهان حمایت اساسی و دراز مدت بوده تا بتواند سیستم عدالت جنایی را انکشاف دهد که بر مبنای قانونی و احترام به قانون استوار بوده و قسمی فعالیت نماید که مطابق معیارهای قبول شده حقوق بین‌المللی بشر باشد.

2. پس منظر

در نوامبر 2001، مداخله نظامی امریکا در افغانستان که به سرنگونی حکومت طالبان انجامید. در 5 دسامبر 2001، مذاکرات توسط ملل متحد بوقوع پیوست که در نتیجه آن روی مواد تدارکاتی برای افغانستان توافق صورت گرفت و ایجاد مجدد اداره دایم حکومت را طرح ریزی نمودند (توافقات بن). توافقات بن اداره موقت را برای شش ماه اساس گذاری نمود. اداره موقت در ابتدا یک اداره گسترده متشکل از اقوام مختلف، بدون تبعیض جنسیتی و یک حکومت کاملاً مردمی بوده و تقاضا می‌رفت تا قانون بین‌المللی حقوق بشر را احترام گذارد. اداره موقت بخاطر دایر نمودن لویه جرگه اضطراری که به تعقیب آن لویه جرگه قانون اساسی راباید دایر می‌نمود مورد اعتماد همگان قرار گرفت.

تحت قرارداد بن، لویه جرگه اضطراری برای آن دایر شد تا رئیس دولت انتقالی افغانستان را انتخاب نماید. و پیشنهاداتی را بخاطر تشکیک اداره و پست‌های کلیدی را در اداره انتقالی مورد تثبیت قرار دهد. "لویه جرگه اضطراری در ماه جون 2002 دایر گردیده و طی آن اداره انتقالی افغانستان به ریاست آقای کرزی روی کار آمد.

در ماه دسامبر 2001 شورای امنیت ملل متحد موضوع نیروهای امنیتی کمک رسانی بین‌المللی (ISAF) را در کابل و اطراف آن تصویب نمود. 2 آیساف در حال حاضر توسط قوای ناتو رهبری می‌گردد و در تامین صلح در کابل نقش داشته اند. بهر صورت بقیه نقاط کشور هنوز هم دچار جنگهای تنظیمی می‌باشد که میان گروههای مختلف مسلح وجود دارد.

دولت اسلامی انتقالی افغانستان تابحال قادر نبوده تا در خارج از شهر کابل قدرت را کنترل نماید، جایی که قوماندانان محلی قدرت شانرا با داشتن نیروهای مسلح شخصی اداره می‌کنند. بعضی از این قوماندانان با دولت انتقالی افغانستان در همکاری می‌باشند و در پست‌های کلیدی حمایت کننده گان شانرا که شامل پولیس و حکومت‌های محلی می‌باشند دارند. قوماندانان با خودسری‌های فاحش شان وفاداری کمتری به حکومت کرزی نشان می‌دهند.

عدم موجودیت امنیت و کنترل حکومت مرکزی در خارج از کابل بطور گسترده وجود دارد که بحیث یک فالکتور اصلی دستیابی به یک پروسه ای که بر مبنای قانونی استوار باشد پایه‌های دولت مرکزی را متزلزل می‌سازد. دولت انتقالی و سر منشی ملل متحد و جامعه بین‌المللی و ملی و سازمان‌های غیر دولتی بارها تقاضای توسعه قوای آیساف را در خارج از پایتخت نموده اند. شورای امنیت و کشور‌های اشتراک کننده در قوای آیساف تمایلی برای توسعه این قوا در خارج از کابل نشان نداده اند. 3

پاورقی

1- لویه جرگه (مجمع عمومی) یک مجمع عنعنوی افغانها می‌باشد که از قرن 18 قدامت تاریخی دارد. این مجمع، اکثر بخاطر تعیین رهبری جدید دایر می‌گردد، تعیین کننده سیاست داخلی و یا تسوید قانون اساسی می‌باشد که برای آخرین بار در سال 1977 دایر گردید.

در مارچ 2002 شورای امنیت ملل متحد ماموریت مساعدت به افغانستان (UNAMA) 4, را بنیان گذاشت. یوناما بدین منظور ایجاد شد تا دولت انتقالی افغانستان را بخاطر تحقق بخشیدن به توافقات بن مساعدت نماید. یوناما به سرپرستی فرستاده خاص ملل متحد لخصر ابراهیمی ایجاد شد که در دوحش کار می‌کند، بخش اول آن مسوول امور سیاسی می‌باشد و بخش دوم وظیفه هماهنگی رفاه انسانی و در بر گیرنده کار بازسازی می‌باشد.

درین گزارش شورای امنیت سیاسی کاری و تشکیل را برای این ماموریت بنیاد نهاد، سرمنشی عمومی بیانیه داد که یک حقوق ای که بر مبنای جنسیت استوار باشد در فعالیت های ملل متحد در افغانستان بطور کامل تحقق خواهد یافت. 5. تعدادی از افسران امور سیاسی آنها در بخش اول تقرر یافتند با ارتباط اینکه حقوق بشر را نیز ارتقا دهند. بر علاوه، پست یک مشاور ارشد در حقوق بشر و یک مشاور ارشد برای ایجاد حاکمیت قانون که شامل دفتر SRSR می‌باشد ایجاد گردید. نظریه نداشتن کارمندان این دو پست تا بحال خالی باقی مانده است.

یوناما بخاطر ناکامی اش در قسمت تحکیم بخشیدن فعالیت های حقوق بشر مورد انتقاد قرار گرفته است. 6. بخصوص که این ماموریت یوناما از طرف افغانها حمایت نشد زیرا آنها موارد تخطی های گذشته را مورد بخشودگی قرار دادند. بر علاوه، ترکیب حقوق بشر یوناما که نمونه ای از عدم موجودیت مسیر استراتژی بوده و در زمره فعالیت هایش نتوانسته است که حقوق بشر را تمامیت بخشد. بر علاوه، فعالیت های قانونی سازی از جمله مسوولیت های مشاور ارشد آن در امور حاکمیت قانون می‌باشد. زیرا حاکمیت قانون از ترکیبات حقوق بشر یوناما بود. در نتیجه این تکه های مصنوعی بنام حقوق و قانونیت سازی، یوناما در فعالیت های مربوط به اینها ناکام ماند تا از حقوق بشر در سیستم عدلی قضایی حمایت نماید. بر علاوه، یوناما در مورد موفقیت اش در حمایت از اجراءات توافقات بن در مغالطه می‌باشد بخصوص در حمایت از پروسه اصلاحات عدلی و قضایی.

توافقات بن در مورد ایجاد سه کمیسیون، کمیسیون عدلی قضایی، کمیسیون قانون اساسی و کمیسیون مستقل حقوق بشر که هر یک ازین ها جزء از پلان نظارتی در مورد اجراءات بخش های مختلف توافقات بن است. کمیسیون قانون اساسی در ماه اپریل 2003 ایجاد گردید به این منظور تا یک قانون اساسی جدید را تسوید نماید که به تعویب آن لویه جرگه قانون اساسی دایر گردد. کمیسیون عقیده دارد که کار مقدماتی مسوده قانون اساسی را ترتیب داده است. این ها یک نظر سنجی را براه انداختند که با مردم مشوره نموده و هدف آنها جمع آوری نظریات از اکثریت افغانها بوده، ولی اینکار بدون دادن مسوده قانون اساسی صورت گرفته است. آخرین مسوده قانون اساسی توقع می‌رود که الی شروع لویه جرگه قانون اساسی که قرار است در ماه دسامبر 2003 دایر شود تکمیل گردد.

کمیسیون قانون اساسی به طور گسترده یی مورد انتقاد قرار گرفت، زیرا در اجرای پلان طرح شده ناکام مانده و نتوانست شفافیت را حفظ کند، زیرا رهبران احزاب درین کمیسیون نفوذ دارند. همچنان در اجرای نظر سنجی عامه و پر مفهوم که با یک جدول معمایی گسترده نفوس، به شمول اعضای جامعه مدنی و مدافعین حقوق بشر ناکام ماند.

پاورقی

3- تیم بازسازی ولایتی (PRTs)، که شامل 100-50 نفر از افراد ملکی و مقامات نظامی می‌باشد که درین اواخر روی کار آمده است و به بعضی ولایت به منظور فعالیت های انسان دوستانه ملکی- نظامی مصروف اند. PRTs ها حق مداخله در جنگ را ندارند که میان احزاب بوقوع بپیوندند و یا افراد غیر نظامی را حمایت کنند. PRTs ها در فعالیت های سهم دارند که شامل تعمیر مکاتب، تنفاخانه ها و پل ها شده و پولیس را آموزش می‌دهند. در اینجا مذاکرات در حال جریان است که آیا PRT ها به منظور تامین امنیت سراسری اند.

4- راه حل شورای امنیت ملل متحد 1401، 28 مارچ 2002.
5- گزارش از سرمنشی عمومی در "اوضاع در افغانستان و تأثیرات آن بالای صلح و امنیت جهانی"، 18 مارچ 2002.
6- بطور مثال، جنگ امنیتی و انکشاف گروپها، یک بازنگری در مورد عملیات های صلح - یک قضیه برای تغیر، افغانستان، مارچ 2003.

کمیسیون مستقل حقوق بشر (AIHRC) در ماه جون 2002 ایجاد گردید. کمیسیون حقوق بشر به منظور تحقیق و نظارت بر تخطی های حقوق بشر ایجاد شده تا یک پروگرام آموزشی حقوق بشر را ایجاد کند. کمیسیون مستقل حقوق بشر، دفاتر ساحوی اشتر گشایش داده تا بطور فعال در مورد اتهامات تخطی های حقوق بشر تحقیق نماید. کمیسیون مستقل حقوق بشر بخشهای دارد که مربوط حقوق زنان، اطفال و عدالت انتقالی میباشد. کمیسیون مستقل حقوق بشر بخش تحقیق نیز دارد که شروع نموده به نظارت سیستم محابس تحت یک دورنمای حقوق بین المللی بشر. بهر حال، کمیسیون حقوق بشر در حال حاضر به عدم صلاحیت روبروست تا بتواند در تمام پروگرام های مربوط قضایی نظارت نماید، به شمول نظارت بر محاکم. کمیسیون حقوق بشر کارمندان با صلاحیتی دارد که تا بحال یک تعداد کارهای بخصوصی را انجام داده اند. انکشافات در پهلوی تاخیرات طولانی در بخش دفتر کمیشنری حقوق بشر (OHCHR) صورت گرفت البته با اینکه تعهد با کمیسیون مستقل حقوق بشر در فراهم آوری کمک های تخریکی مساعدت نماید.

کمیسیون عدلی قضایی (JRC) در نومبر سال 2002 ایجاد گردید که مشتمل بر 12 افغان ای که متخصص حقوق اند میباشدند. کمیسیون اصلاحات قضایی پلان دارد که سیستم قضایی داخلی را مطابق با اصول اسلامی، معیارهای بین المللی، ایجاد قانونیت و عنعنات قانونی افغان ها عیار سازد، مندیث یک عنصر بوجود آمده توسط توافقات بن، کمیسیون اصلاحات قضایی در دستگاه عدلی کدام نقش رسمی ندارد. نقش کمیسیون اصلاحات قضایی ارایه پیشنهادات استراتژیکی، جلب نمودن مساعدت های بین المللی محدود میباشد. بدین لحاظ، موفقیت کمیسیون اصلاحات قضایی بستگی به تمایلات دستگاه رسمی قضایی چون: ستره محکم، وزارت عدلیه و دفتر لوی حارنوالی دارد که میتواند پیشنهادات ارایه شده را مورد استفاده قرار دهد. کمیسیون عدلی قضایی بخاطر سهل سازی اجراءات قضایی و استراتژی اصلاح قضایی مبارزه میکند.

بهر صورت، کمیسیون اصلاحات قضایی در گرد آوری قوانین قابل اجرا نیز تسهیل فراهم میکند که گروپ های کاری آنها در حال حاضر مقررهای را تسوید نموده اند که شامل قانون جنایی برای اهدا به دولت انتقالی اسلامی افغانستان میباشد. کمیسیون اصلاحات قضایی نیز موفقانه مرکز تعلیمات قانونی و سروی سیستم قضایی را انجام داده است.

قانون قابل تطبیق چیزی است که در توافقات بن بحث شده بود مانند، قانون اساسی 1964، قوانین و مقررات موجود که با قرارداد بن و دیگر مکلفیت های بین المللی و قانونی در تناقص قرار نگیرد، البته آنده کنوانسیون های که افغانستان جز آنهاست و یا مواد قابل اجرای که در قانون اساسی 1964، به مقام موقت صلاحیت را فراهم می نماید که قدرت لغو و یا اصلاح این مقررات را داشته باشند. "در حال حاضر افراد مسلکی در اجرای قانون با یک نوع سر درگمی مواجه اند." در نتیجه، در یک گوشه از تاریخ اخیر نشان میدهد که به قوانین ساخته شده زیاد اعتماد نکرده اند و نیز در تالیف و پخش قوانین قابل اجرا نیز تاخیر نمودند. بر علاوه، در حال حاضر در میان بسیاری از افراد مسلکی بخش حقوق عدم وضاحت در مورد تحلی و اثرات دوجانبه میان منابع مختلف قانون قابل اجراء در افغانستان وجود دارد.

3. سازمان عفو بین المللی در افغانستان

این گزارش از جمله چهار گزارش منتشره توسط سازمان عفو بین الملل، گزارش سوم میباشد در مورد سیستم عدلی جنایی در افغانستان. 9 سازمان عفو بین المللی یک نماینده گی را در افغانستان در ماه جون سال 2002

ایجاد نمود. هدف از ایجاد این نماینده گی چنین بود که گزارش دهی و کمپاین حقوق بشر را در اینجا تسهیل بخشد.

تحقیق های آماده گی برای این گزارش در ماه مارچ 2003 توسط مشاور حقوقی مرکز سازمان عفو بین المللی آغاز گردید. بعداً یک متخصص در امور دستگاه عدلی از افغانستان از تاریخ 15 اپریل الی 30 می 2003 دیدار نموده و معلوماتی را برای این گزارش فراهم نمود.

پاورقی

7- گروپ بحران بین المللی " افغانستان و پروسه پیما قانون اساسی", جون 2003.

سازمان عفو بین المللی با یکتعداد کثیری از افغانهای مسلکی در رشته حقوق ملاقات نموده به شمول قاضی ها، حارنوالان، حقوقدانان مستقل و اعضای کمیسیون اصلاحات قضایی. سازمان عفو بین الملل هم چنان با مقامات حکومت انتقالی افغانستان، کمیسیون مستقل حقوق بشر، یوناما، یونیسف، UNDP و UNHCR, و کشورهای کمک کننده و سازمان های ملی و بین المللی حکومتی و غیر حکومتی را دیدار نمودند.

سازمان عفو بین الملل مخصوصاً از ستره محکمه افغانستان، وزارت امور داخله و وزارت امور عدلیه اظهار سپاس و شکران مینماید که زمینه ملاقات را برای این سازمان از محاکم و محلات سلب آزادی فراهم نموده بودند. سازمان عفو بین الملل هم چنان از توقیف شده گان و محبوسین نیز اظهار شکران مینماید که داستان های شانرا با ما یکجا شریک ساختند.

سازمان عفو بین الملل آرزو دارد که تحلیلی، ملاحظاتی و پیشنهاداتی را که درین گزارش گنجایده است، بتواند یک سهم سازنده انی را در راه تحفظ حقوق بشر در افغانستان انجام دهد، تاباشد که به عفو نمودن ها پایان دهد.

4. اصلاحات قضایی و بازسازی

4.1. محاکم افغانستان

محاکم افغانستان که در چوکات تشکیلات قانون اساسی 1964 (1343) ه.ش. همراه با دیگر قوانین جاری ایجاد گردید. 10 بلند ترین محکمه در افغانستان، ستره محکمه میباشد که در کابل موقعیت داشته و توسط قاضی القضاة ریاست میگردد. ستره محکمه بطور قانونی مسوول اداری و تاسیسات محاکم پاینتر میباشد، به شمول نظارت بر سیستم قضایی. ستره محکمه همچنان مسوول نامزد نمودن کاندیدان برای رتبه های قضایی میباشد که توسط رئیس دولت تقرر مییابند. در ستره محکمه یک محکمه دیگری وجود دارد بدیث یک محکمه اداری برای تجدید نظر.

محکمه تمیز نیز محکمه ای برای تجدید نظر است که تحت تاثیر ستره محکمه فعالیت مینماید. محکمه تمیز در کابل واقع بوده و صلاحیت تام دارد تا روی تصامیم دیگر محاکم ولایات تجدید نظر نماید. هر اداره ولایات در افغانستان یک محکمه ولایتی دارد که این محکمه ولایتی صلاحیت تجدید نظر بر محاکم پائینتر چون محاکم ابتدایی را دارد. " طبق قانون افغانستان قاضی القضاة مسوولیت تعیین تعداد محاکم ابتدایی را در ولایات دارد. در حال حاضر 2006 قاضی و حدوداً 3000 حارنوال به محاکم افغانستان کار مینمایند. این نیز گزارش گردیده که این تعداد باید با بیش از 5310 قضیه جنایی را فقط از اپریل 2002 - اپریل 2003 کار نمایند. 12

در خارج از کابل، محاکم ولایتی در بعضی مراکز ولایات فعالیت مینمایند. بطور مثال، محاکم ولایتی کارشانرا در مراکز ولایات کندهار، کندز، هرات، ننگرهار، کابل، بلخ، پروان، بدخشان، پکتیا، فراه، لوگر، بادغیس، و ولایت وردک آغاز بکار نمودند. بهرحال، در بسیاری ازین ولایات، محاکم ابتدایی هنوز ایجاد نشده اند. بطور مثال، در مزارشریف، جلال آباد و هرات فقط تعداد محدودی محاکم ابتدایی فعالیت مینمایند.

بلانته‌ی‌جه، این محاکم ابتدایی و محاکم ولایتی با قضایای‌ای که در محکمه ابتدایی با آن معامله می‌نمایند، عمل می‌کنند.

پاورقی

قانون اساسی 1964 و قانون 1968 در مورد صلاحیت و اداره محاکم و قانون 1956، (1335) ه.ش. در مورد دستگاه محاکم عدلیه که طبق تشکیلات محاکم افغانستان بوجود آمده است، بخاطر یک تحلیل مشروح لفظاً: کمیسیون بین المللی هنیات نظارتی "سیستم قانونی افغانستان در مغایرت با معیار های بین المللی حقوق بشر"، فروری 2003.

8- کمیسیون بین المللی ناظرین "سیستم حقوقی افغانستان صغایر تمام معیارهای بین المللی" فروری 2003.
9- اولین راپور سازمان عفو بین الملل "احیای مجدد پولیس برای حفظ حقوق بشر ضروریست (AI Index:ASA 11/003/2003). دومین راپور این سازمان بنام سیستم فروپاشیده محابس مایوسانه در انتظار ترمیم (AI Index:ASA 11/017/2003). راپور چهارم در مورد دسترسی زنان و طرز برخورد با آنها در سیستم عدلی به زودی به نشر خواهد رسید.

در بعضی ولسوالی ها، مانند بامیان و خوست، نه محاکم ابتدایی وجود دارد و نه هم ولایتی. بر علاوه، خارج از مراکز شهرها، محاکم ایجاد نشده اند. بر علاوه، موانع لوژستیکی و منابع، تلاش ها را بخاطر گسترش فعالیتهای محاکم ولایتی و ابتدایی ای که در مناطق شهری و دهنشین خنثی مسیازد. در نتیجه، پولیس و محاکم به کمبود قانونیت و صلاحیت دچار اند تا بتوانند از صلاحیت های قانونی شان در مناطق دور افتاده استفاده کنند. درین مناطق دور افتاده یک اعتماد قوی بالای می‌کادیزم عدلی غیر رسمی وجود دارد.

بر علاوه، در محاکم عمومی، قانون افغانستان اجازه ایجاد محاکم اختصاصی را نیز می‌دهد. بهرحال، در بعضی محاکم اختصاصی، چیز قابل یادداشت محاکم اختصاصی اطفال و نوجوانان و محاکم خانواده گی می‌باشد که هنوز در خارج از کابل ایجاد نگردیده اند. در غیاب محاکم اختصاصی نوجوانان، قضایای مربوط به این دسته باید همان پروسه اثیری طی کند که از بزرگسالان طی مراحل می‌کند. در حال حاضر محاکم ابتدایی ولایات با یک تعداد محدود قضایای خانواده گی مواجه می‌گردند، و ناگفته نماند که این محاکم به کمبود افراد مسلکی و متخصص درین عرصه روبه رو اند تا بتوانند با این نوع قضایا بشکل عادلانه و موثر برخورد کنند.

سازمان عفو بین المللی می‌داند که مشکلات لوژستیکی و مالی می‌تواند برای ایجاد محاکم اختصاصی موجود باشد. بهر صورت، در مناطق که سازمان ما از آن دیدار به عمل آورد، بدون محاکم خانواده گی و اطفال، دیگر محاکم اختصاصی به شمول امنیت عامه و محاکم تجارتي ایجاد گردیده بود. سازمان عفو بین المللی نگران است که عدم موفقیت در ایجاد محاکم اختصاصی اطفال و خانواده شاید از بی میلی در ایجاد اینها نشعت کرده باشد، باید ستره محکمه، قاضی های ارشد و جامعه جهانی کار کردن در ایجاد چنین محاکم را در اولویت قرار دهند. عدم موفقیت در ایجاد محاکم خانواده گی و اطفال چنین انعکاس خواهد داشت که در جامعه افغانی توجه کمتری به گروپهای آسیب پذیر بخصوص زنان مبذول می‌گردد.

در اینجا چیز دیگری به نام کمبود محوطه و تسهیلات برای محاکم وجود دارد که باعث می‌گردد تا فعالیت نمایند. پرسونل قضایی در بسیاری مناطق در عماراتی کار می‌کنند که برق - آب و سیستم گرم کننده وجود ندارد.

بر علاوه، بسیاری محاکمی که توسط سازمان عفو بین الملل دیده شد، حتی سقف کلکین دروازه، فرنیچر دفتر به شمول میز، الماری اسناد برای نگهداری اسناد وجود نداشت تا اسنادها را حفاظت نمایند.

تمام محاکمی که توسط سازمان عفو بین الملل مشاهده شد به کمبود مواد خیلی ابتدایی چون قرطاسی، باب، دوسیه، قلم، کاغذ و کتاب رجیستر مواجه اند، حالانکه این چیزها برای فعالیت یک نظام درست محکمه ضروری و حتمی است.

بر علاوه، محاکم در حال حاضر در یک وضعیت کاملاً مزدحم قرار دارد. در بسیاری مناطق چهار محاکمه در یک اتاق کار می‌کنند و کارمندان ایشان همانجا با هم کار می‌کنند. بطور مثال، در شهر کابل سه محکمه ابتدایی در یک اتاق ای که خیلی از لحاظ تسهیلات و تجهیزات مشکل دارد یکجا می‌باشند، در مزارشریف دفتر حارنوالی حدود 40 کارمند از یک دفتر استفاده می‌کنند.

وضعیت فیزیکی محاکمی که توسط سازمان عفو بین الملل دیدار بعمل آمد خیلی بد بوده و چنین معلوم می شود که دستگاه عدلی به حال خودش واگذار گردیده است. سازمان عفو بین الملل می داند که موانع لوژستیکی و امنیتی پیرویه کمک به محاکم افغانستان را مختل و پیچیده ساخته است.

بهرصورت این سازمان بوضاحت اینرا درک نمود که جامعه بین المللی در تعهدات اش بخاطر پروگرام کمک به عدلیه بطی عمل نموده است. این بدین معناست که محاکم در حال حاضر بدون داشتن کوچکترین امکانات فعالیت می کنند. در حالی که این گزارش نوشته می شود، هیچ کمک عاجلی به محاکم خارج از کابل در نظر گرفته نشده است.

پاورقی

- 11- افغانستان به 32 ولایت تقسیم گردیده که هر ولایت نیز تقسیمات اداری فرعی را بنام ولسولی دارد.
- 12- ارقام توسط ستره محکمه و دفتر لوی حارنوالی تدارک گردیده است، می 2003.

4.2. تاخیرات در اجرای یک استراتژی بخاطر کمک به عدلیه

"انکشاف یک سیستم قضایی عادلانه و موثر در افغانستان یکی از ضرورت های مبرمی است که مردم افغانستان بخاطر حفظ حقوق انسانی شان به آن نیاز دارند. مخصوصاً توجه به طبقات کاملاً آسیب پذیر جامعه برای ایجاد یک راه حل صلح آمیز به منازعه و ارتقا خوب حکومت می باشد.

یک سیستم عدلیه موثر نه تنها بخاطر انکشافات موفقیت آمیز مردم افغانستان می باشد، بلکه پیامد های را نیز بخاطر صلح و امنیت در افغانستان در پی داشته است." بیانیه اخیر در کنفرانس روم در مورد عدالت در افغانستان، دسامبر 2002.

در کنفرانس روم بخاطر عدالت در افغانستان حکومت، مقامات ملل متحد و جامعه بین المللی بخاطر حمایت و احیای مجدد حاکمیت قانون و اصلاح سیستم عدلی قضایی افغانستان تعهد نمودند. حکومت ای تالیها مسوولیت هماهنگی کمک های جامعه بین المللی را بخاطر مسایل عدلی عهده دار شده است. و در نقش رهبر کمک کننده گان، حکومت ای تالیها ریاست ملاقات های هماهنگی دونه ها را در کابل بعهده داشت، یک تعداد متخصصین حقوق را به افغانستان تا کمیسیون عدلی قضایی JRC را مساعدت نموده و مقدار قابل ملاحظه ای از مساعدت های مالی را به پروژه اصلاحات قضایی نموده است. حکومت های اطریش، کانادا، هند، ترکیه، انگلستان و امریکان نیز مساعدت های لازم را برای بزرگساز و اصلاح سیستم قضایی نموده اند.

کابینه افغانستان 27 ملیون دالر امریکایی را بخاطر بخش عدلیه و بودیجه انکشافی برای سال مالی جاری الی مارچ 2004 در نظر گرفت. 27 ملیون دالر امریکایی، مجموع تمام کمک های می باشد که برای دستگاه عدلیه در مجموع در نظر گرفته شده است و باید از مجامع کمک کننده اخذ گردد.

بهرصورت، در زمان تهیه این گزارش، فقط تعهد 12 ملیون دالری بوجود آمده که در سال جاری مالی حدود 15 ملیون دالر کاهش در بودجه پروژه ایجاد حاکمیت قانون در افغانستان بوجود آمد.

تأخیرات در مطمئن ساختن و تقسیم کمک های بین المللی و از لحاظ ناکامی جامعه بین المللی در حفظ تعهدات شان بخاطر فراهم آوردن کمکهای مالی ضروری که افغانها می توانستند بر پروگرام اصلاحات اساسی قضایی نایل آیند. این موضوع توأم با تأخیراتی بود که کشور های دونه در بعضی جاها بخاطر دادن کمک های مالی شان برای اجرای پروژه های عاجل و ضروری در نظر گرفته اند. بر علاوه، به دلیل عدم موجودیت هماهنگی میان کشور های دونه ملاقات های ویرا در ماه های جولای و اگست 2003 داشت، که تأخیر دیگری بر کمک ها بود.

در اینجا هم چنان تأخیراتی در توزیع بعضی از کمک های وجود داشت که قبلاً پاس شده بود. در حال حاضر کمک های بین المللی در بخش عدلیه از طریق کمیسیون عدلی قضایی صورت می گیرد، بجای آنکه این کمک ها مستقیماً از طریق اداره قضایی صورت گیرد. فند های انکشافی برای کمک به پروژه قضایی

جایگزین "فند عدلیه" توسط اداره UNDP گردید. "فند عدلیه" حوض از پول را برای اجرای این پروژه که توسط کمیسیون عدلی قضایی شناسایی گردیده فراهم خواهد شد. در حال حاضر، 7 ملیون دالر که توسط کشورهای کمک کننده مساعدت شده بود در "فند عدلیه" دست نخورده باقی مانده است. مقامات یوناما و نماینده گان کشورهای کمک کننده، ابراز نمودند که همه تاخیرات توسط UNDP بوجود آمد و باعث ناکامی اجرای سریع پروژه ای گردید که توسط کمیسیون عدلی قضایی شناسایی گردیده بود. بهر حال، UNDP کمیسیون عدلی قضایی را متهم می کند که این کمیسیون نتوانست برای UNDP پروژه های اشرا طبقه بندی واضح نماید و فند بخواهد.

از زمانی که این سازمان ایجاد گردیده است، کمیسیون عدلی قضایی که طبق قرار داد بن ایجاد شد، تا سیستم قضایی، کشور را احیای مجدد نماید "یک تعداد پروژه ها را پیشنهاد نموده است. بطور مثال، کمیسیون عدلی قضایی تسهیلات تکمیل نمودن قوانین قابل اجرا را دارد و گروپ های کاری روی دست دارد که در حال حاضر قوانین را تسوید نموده و به اداره انتقالی افغانستان ارایه می کنند.

کمیسیون عدلی قضایی نقش بسیار مهمی را در ایجاد مرکز تعلیمات حقوقی بازی نمود. مگر، کمیسیون عدلی قضایی بخاطر دیگراثرات عاجل و درازمدت پروژه اصلاحات قضایی فورمول بندی و مبارزه نمود و برای جامعه کمک کننده بین المللی ارایه نموده و تمام استراتژی ها عدلی را بر شمرده است.

ناکامی کمیسیون عدلی قضایی به دلیل ایجاد استراتژی کهنه برای عدلیه میباشد، در بخشی نیز تاخیرات دیگراثرات در قسمت اجرا یک ارزیابی اساسی بخاطر ضرورت های عاجل بخش عدلیه میباشد. در اثر عدم موجودیت ارزیابی دقیقی کمیسیون عدلی قضایی قادر نبوده است تا ضروریات اولویتی را شناسایی کند. بطور مثال، لیست پروژه های که توسط کمیسیون عدلی قضایی درین اواخر پیشنهاد گردیده شامل 29 پروژه میباشد که به تقصیل توضیح داده نشده و پروژه های عاجل و غیر عاجل و اهمیت بخاطر تاریخ اجرا آن ذکر نیست. قسمی که یک تن از مقامات ارشد دولت گفت: "اولویتی های کمیسیون عدلی قضایی اشتباه بود، بخاطر فورمول بندی نمودن پلان های کاری مستحکم برای آنچه که آنها خود آنرا انجام دادن می توانند، با یک لیست پر از همه چیز آمدند که ضرورت در مجموع احیای همه سیستم عدلیه را در بر می گرفت." در گفتگو با سازمان عفو بین الملل کمیسیون عدلی قضایی عدم موجودیت استراتژی را کاملاً رد نمود.

یوناما نیز که تحت قرار داد بن بوجود آمد، باید کمیسیون عدلی قضایی را در اجرای کارهای شان کمک می نمود، که در حمایت به کمیسیون عدلی قضایی ناکام ماند تا به آنها کمک های ضروری تخذیکی را برای تأمین صلاحیت های شان نماید تا یک استراتژی واضح را در قسمت عدلیه در نظر گیرند. یوناما برای انجام حاکمیت قانون، در حال حاضر کارمندان تازه کار ملل متحد را در اختیار دارد. عدم موجودیت منابع و صلاحیت بخاطر ایجاد مساعدت های تخذیکی به کمیسیون عدلی قضایی مواجه است. بهر حال، حکومت ای تالی ها یک تعداد متخصصین حقوق را به افغانستان آورد. و این موضوع که متخصصین تخذیکی را نیز به کمیسیون عدلی قضایی بیاورند به ناکامی منجر گردید، تا پیشنهادات دقیقی را برای پروژه های شان به کشورهای کمک دهنده ارایه دهند.

پلان های استراتژی یکی در بخش عدلیه به دلیل عدم موجودیت هماهنگی میان ادارات افغانستان - وزارت عدلیه و ستره محکمه و حارنوالی به تاخیر مواجه شده اند. یک مقام اداره انتقالی افغانستان رابطه میان این سه دستگاه عدلی را چنین تعریف کرد که "این سه دستگاه مملو از رقابت ها و تضادهاست". روابط ستره محکمه با وزارت عدلیه و حارنوالی کاملاً ضعیف میباشد. بر علاوه، روابط میان وزارت عدلیه و حارنوالی در نتیجه یک سلسله اختلافات از میان رفته است زیرا قرار است که حارنوالی تحت اداره وزارت عدلیه بیاید، ولی حارنوالی می خواهد که مستقل عمل کند.

هم چشمی ها و عدم موجودیت ارتباط میان این سه دستگاه عدلی، کار کمیسیون عدلی قضایی را بسیار دشوار ساخته است. بحیث اداره ای که تحت قرارداد بن ایجاد گردیده است هیچ قدرتی ندارد که هیچ یک از اصلاحات پیشنهادی اشرا به مرحله اجرا بگذارد. وقتی که ارتباطات کافی موجود نباشد میان این سه اداره،

کمیسیون عدلی قضایی قادر نخواهد بود تا اجراءات موثری را در قسمت استراتژی اصلاحات قضایی پیشنهاد نماید.

قسمی که دیده شده این مشکلات از عدم موجودیت ارتباط میان بخش های عدلی بوجود آمده است. یک نماینده وزارت مالیه گفت " تا زمانی در افغانستان قانون حاکم نمی گردد که ادارات قضایی جامعه بین المللی با ما مشترکاً کار کنند و پروژه های بنیادی را به کشور های کمک کننده برای جلب مساعدت ارایه دهند. کمیسیون عدلی قضایی بخاطر ارزیابی ضروریات محاکم افغانستان به تعین که به ناکامی برخورد کرده است. از ماه مارچ الی می 2003، کمیسیون عدلی قضایی به کمک UNDP و UNAMA، حکومت ایالتی و امریکا، سروی را در 11 مرکز اداره های شان انجام دادند. این سروی تمرکز بالای ضروریات فیزیکی محاکم داشته و کدام ارزیابی بخاطر مشکلات سیستماتیک محاکم و از میان برداشتن آن انجام نداده اند. اجرا پروژه مساعدت های قضایی برای بعد از تکمیل شدن سروی موکل گردیده است.

سازمان عفو بین المللی تکمیل شدن این سروی را خیر مقدم می گوید. بهر حال، این سازمان اینرا نیز در نظر گرفت که ارایه یافته های آنها به جامعه بین المللی در ماه جون 2003 به تاخیر افتاد. برای آنکه سروی نمودن یک عمل موثر می باشد. کمیسیون عدلی قضایی، به کمک کشور ایالتی باید فوراً معلوماتی را که جمع آوری نموده تحت یک استراتژی شفاف برای عدلیه ارایه کند، زیرا اینکار بطور قطع تاثیرات عاجل اولویتی و پروژه های دراز مدت را برای محاکم افغانستان تعریف خواهد نمود، حتی محاکمی که خارج از محدوده کابل می باشند. هرگاه کمیسیون عدلی قضایی یک فهرست واضحی را بخاطر تاثیرات عاجل و پروژه های درازمدت ارایه دهد، و فوراً آنها را به جامعه دونر ارایه دهد.

4.3. پیشنهادات

- **استراتژی برای عدالت:** اداره قضایی و کمیسیون اصلاحات قضایی افغانستان به کمک جامعه بین المللی باید نتایج سروی قضایی را فوراً بنویسد و شرح دهد و این پیشنهادات واضح گردد که کدام پروژه ها عاجل و کدام آنها مساعدت های دراز مدت می خواهد. این پروژه ها باید بطور واضح ترتیب شده و شکل همه جانبه در استراتژی عدلی داشته باشد، که شامل اولویتی های درازمدت و کوتاه مدت گردد. یک استراتژی برای عدلیه باید فوراً ارایه گردد تا جامعه دونر به آن فند تهیه نمایند.
- **ضرورت مبرم برای ایجاد محاکم اختصاصی برای نوجوانان و خانواده:** ایجاد محاکم فعال خانواده و نوجوانان بدین معناست که حقوق گروپ های آسیب پذیر نیز رعایت می گردد. ستره محکمه و کمیسیون عدلی قضایی به کمک جامعه بین المللی باید بطور فوری محاکم فامیلی و اطفال (نوجوانان) را در کابل و خارج از آن تشکیل دهد.
- **انسجام میان کمک دهندگان تحت رهبری استراتژی کی حکومت ایالتی:** جامعه بین المللی باید تلاشهای شانرا بخاطر کمک به قضا هماهنگ سازند. حکومت ایالتی باید معلومات منظمی را در پروسه اصلاحات قضایی که برای جامعه کمک دهنده معلوم نمی باشد بخاطر هماهنگی های منظم ارایه داده و ملاقات های را در شهر کابل دایر نمایند.
- **مساعدت های درازمدت برای اصلاحات قضایی و بازسازی:** جامعه بین المللی حمایت شانرا از بازسازی سیستم قضایی اعلام نموده اند، بدین معنا که صلح و امنیت را در افغانستان تسهیل نمایند. جامعه بین المللی باید مساعدت های درازمدت مالی شانرا بخاطر تامین و ادیای مجدد حاکمیت قانون در افغانستان فراهم نمایند. حکومت های دونر ای که متعهد به دادن کمک ها استند باید این کمک ها را به طور عاجل در دسترس قرار دهند.
- **روابط میان ادارات قضایی افغانستان:** قطع ارتباطات میان دستگاه های قضایی افغانستان یک موضوع کاملاً جدی است. همکاری های موثر میان ستره محکمه، وزارت عدلیه و دفتر حارنوالی یک شرط لازم برای اصلاحات قضایی می باشد. دولت اسلامی انتقالی افغانستان باید بطور عاجل اقداماتی را روی دست گیرد تا روابط بسیار خوب و کاری را میان این سه دستگاه کلیدی قضایی ایجاد کند.

• **تقویت بخشی‌دن په نقش یونی‌ما:** یونی‌ما تحت قرارداد بن بوجود آمد تا مساعدت‌های‌یرا بخاطر حمایت از اصلاحات قضایی فراهم کند. حاکمیت قانون در صلاحیت یونی‌ما باید تقویت شود و تعداد کارمندان آنها بخاطر ضمانت از اجرای موثر کار از دی‌اد گردد. بر علاوه، دی‌گر نباید برای تقرر یک متخصص قانون حقوق بشر بین المللی را تحت نظر مشاور ارشد حاکمیت قانون تحت غور قرار دهد تا بتواند حقوق بشر و فعالیت‌های حاکمیت قانون را تقویت بخشد. تمام فعالیت‌های یونی‌ما بخاطر حاکمیت قانون باید بطور منظم به هماهنگی با مامورین با صلاحیت حقوق بشر صورت گیرد.

5. قضا در افغانستان

5.1. تقرر در قضا

قضات افغان بر اساس پیشنهاد قاضی القضاة، توسط رئیس جمهور تقرر می‌یابند. قانون اساسی 1964 و قانون صلاحیت و ساختار محاکم 1967، در مورد معیارهای تحصیلی ای‌که برای تقرر در سیستم قضایی ضروری است توضیح داده است. طبق این قانون، هرگاه کسی بخواهد بدیث قاضی تقرر یابد باید: لی‌سانس فاکولته حقوق و یا شریعت باشد. بر علاوه، شخص مذکور باید دروه آموزشی ی‌کساله را بخاطر آموزش‌های حقوقی مسلکی بگذراند و سن وی میان 20-60 باشد. 13 باوجودی‌که قانون بطور واضح در مورد تقرر در بخش قضایی را تصریح نموده، شواهدی در دست است که بسیاری از قضات در حال حاضر دارای مشخصات درج شده در قانون نبوده و نه هم همان حدود سنی در نظر گرفته شده است. 14

در اینجا اظهارات قوی وجود داد که تقررهای قضایی بر اساس گرایش‌های سیاسی صورت می‌گیرد به شمول فشار از طرف گروه‌های مسلح. در مصاحبه‌های ی‌که توسط سازمان عفو بین المللی انجام شد، یک تعداد از قاضی‌ها نگرانی‌های‌شانرا در مورد کمبود داشتن قاضی‌های مسلکی و کار آزموده در محاکم ابراز نموده و گفتند که مشکل اساسی در حال حاضر همین موضوع می‌باشد که اداره عدلیه را به رکود مواجه ساخته است. در حالی‌که مشکل اساسی و کامل شناسایی نشده است، در یک منطقه ولایتی یک منبع ادعا نمود که 20 فی‌صد از قضات شان مسلکی می‌باشد. ولی بی‌شترین قضاتی که توسط سازمان عفو بین المللی مصاحبه گردیدند گفتند که بی‌شترین قاضی‌های غیر مسلکی نظر به گرایش‌های سیاسی شان توسط ستره محکمه تقرر می‌یابند. 128 قاضی دی‌گر باید تحت صلاحیت ستره محکمه و قانون مربوطه تقرر یابند. 15

سازمان عفو بین المللی عقیده دارد که رئیس جمهور درین معضله نیز مسوولیت دارد، زیرا وی صلاحیت نامحدود در قسمت تقرر قضات دارد. وقتی‌که دفتر رئیس جمهور از مشکل آگاهی دارد، بدین معناست که آنها تمایلی به بر طرفی کارمندان غیر مسلکی نداشته و بجای حل این معضله همه اتهامات را به ستره محکمه نسبت می‌دهند.

یک کارمند ارشد در دفتر ریاست دولت به سازمان عفو بین المللی چنین گفت: "ما میدانیم که سیستم قضایی سیاسی شده است و تعداد زیادی از قضات غیر مسلکی را استخدام نموده است"، اما وی هی‌چگونه اظهاری نداشت تا بگوید که آیا کدام اقدامی بخاطر حل این معضله روی‌دست است یا خیر؟

کمیسیون عدلی و قضایی از مشکلات در مورد تقرر قضات غیر مسلکی آگاه بوده و اظهار می‌دارند که این مشکلات زمانی حل می‌گردد که برای قضات موجود آموزش فراهم گردد.

بلا‌تعجب، ستره محکمه نیز تمایل چندانی ندارد تا مشکل قضات غیر مسلکی را حل نماید. قاضی القضاة آگاه بوده و می‌گوید که "بعضی مشکلات با قاضی‌های غیر مسلکی داریم". بهر صورت وی گفت که او بخاطر حل مشکل راه حلی را پیشنهاد نموده تا با قاضی‌های غیر مسلکی صحبت کند.

یکی از اساسات داشتن سیستم عدلیه موثر داشتن افراد مسلکی و مجرب در سیستم قضایی می‌باشد. سازمان عفو بین المللی از ناکامی ستره محکمه و رئیس دولت افغانستان نگران بوده و پیشنهاد می‌نماید که فقط افراد با آموزش‌های مسلکی لازم برای عدلیه تقرر گردند. بر علاوه، سازمان ما عقیده دارد که باید پلان‌های

رویدست گرفته شود تا آموزش های کوتاه مدت را برای قضات غیر مسلکی که از قبل مقرر شده اند در نظر گیرند. گر چه این یک جاگزینی ضعیف برای عدلیه میباشد که شامل اعضای مسلکی و مجرب در قضا میشود.

5.2. آموزش قضات

کمیسیون عدلی قضایی و جامعه بین المللی آموزش های عدلی را بحیث یک اصل کلیدی در اصلاحات عدلیه ذکر نموده اند. و پروگرام آموزشی تا بحال انجام شده است. اولین کورس آموزشی در ماه می 2003 انجام شده که برای یکسال جهت آموزش حقوق برای افراد جوان و مسلکی میباشد. این کورس توسط مرکز تعلیمات حقوقی (LEC) که تازه بنیاد شده تدارک گردیده است، البته این مرکز فقط در کابل بوده و هدف آن فراهم آوری حمایت برای آموزش مسلکی حقوق میباشد که در حال حاضر موجود نمیشود، ولی برای تفرری های قضایی یک عنصر ضروری به شمار میرود. در حال حاضر 150 حقوقدان جوان و تمام کارمندان وزارت عدلیه، ستره محکمه و لوی حارنوالی در آن اشتراک داشته اند که فقط 20 نفر از این اشتراک کننده گان خانم میباشند.

پاروقی

- 13- ماده 105 قانون اساسی 1964 و ماده های 79-74 قانون 1346 در مورد صلاحیت تشکیل عدلیه.
- 14- در اینجا مشاجره های زیادی در مورد قاضی القضاة فضل الحق شینواری وجود دارد و افواهای وجود دارد که وی تخصص مسلکی لازم را که در ماده 105 قانون اساسی درج است و حدود سنی که در آن ماده تعیین شده در نظر نگرفته اند که 60 سالگی میباشد به گزارش " قاضی القضاة تحت امنیت" که توسط انستیتوت جنگ و صلح ترتیب شده 02/02/2003 توجه کنید.
- 15- ماده 105 قانون اساسی 1964

سازمان عفو بین المللی پروگرام مرکز تعلیمات حقوقی را خیر مقدم گفته زیرا حقوقدان های جوان و با ابتکار کمیسیون عدلی و قضایی برای احیای یک توافق با ستره محکمه و وزارت عدلیه که تمام حقوقدانان جوان را که آرزوی تقرر در قضا را دارند باید موفقانه دوره آموزش این مرکز را به پایان برسانند. سازمان ما عقیده دارد که این تدارکات باید در قانون تاسیاتی فورمول بندی گردد تا بتواند که ضمانتی باشد برای شناخت افراد مسلکی جهت تقرر در قضای افغانستان.

دومین پروگرام آموزشی برای قاضی ها و حارنوالان در نظر گرفته شده است. سازمان عفو بین المللی انکشاف قانون (IDLO) مسوولیت این آموزش را به عهده گرفته و کورس های سه ماهه بعد از وقت آموزشی را برای کارمندان داخل خدمت عدلیه در نظر گرفته اند.

IDLO اولین دور آموزشی را برای 250 قاضی و حارنوال در اول جون 2003 آغاز نمود. یک تعداد مشکلات به شمول عدم موجودیت پلان های اولویتی، شناخت، و طرح تعهدات درست برای این پروگرام میباشد که در اگست 2003 آغاز بکار نمود. پروگرام IDLO تعلیماتی را برای قضات و حارنوالان فراهم میکند. اولین دور کوتاه بعد از وقت این کورسها، باعث بروز سوالات گردید که آیا این افراد مجهز به مسلک و با داشتن مهارت های مختلف حقوقی میتوانند وظایف شانرا بسر برسانند؟ در اینجا نیز شواهدی مبنی بر عدم موجودیت ارتباطات میان IDLO و LEC موجود است. عدم موجودیت هماهنگی میان IDLO و کمیسیون عدلی قضایی در ملاقات ها نمایان گردید.

نماینده IDLO گفت که آنها بیشتر مسوولیت آموزش حقوقی افراد جوان را به عهده دارند و آنها را از LEC کناره مینمایند. در حالی که کمیسیون عدلی قضایی به هدیت سازمان عفو بین المللی گفت که آنها از این پلان هیچ آگاهی ندارند و چنین حرکتی را هیچ گاه حمایت نخواهد کرد. ناکامی IDLO بخاطر واگذاری یک پروگرام آموزشی برای حقوقدانان جوان یک نگرانی قابل ملاحظه میباشد.

سازمان عفو بدون المللی جدا نگران است زیرا IDLO تصمیم گرفته تا در آموزش حقوق بشر زنان و جنس حساس در جریان آموزش دهد. IDLO به هئیت سازمان عفو بین الملل اطلاع داد که آموزش در مورد حقوق بشری زنان شاید شامل این آموزش نباشد زیرا " برای افغانها خیلی حساس است". به صورت، این نظریه با نظریات بسیاری از افغانها که قاضی و عا استاد حقوق هستند در تضاد است، زیرا این افغانها به این سازمان گفتند که آنها علاقه‌مند فرآگیری آموزش های حقوق بشر به شمول حقوق زنان میباشند. این موضوع قابل تأسف است که نه IDLO و نه هم IEC کدام پروگرام آموزشی برای خارج از شهر کابل ندارد. اینترنک کننده گان ای که خارج از شهر کابل به پروگرام آموزشی IEC آمده اند به مشکلات اقتصادی و محل اقامت مواجه اند. بر علاوه، مصاحبه هاییکه توسط این سازمان انجام شد در خارج از محدوده کابل، چنین معلوم شد که بنابه مشکلات خانواده گی، اقتصادی و امنیتی تعداد زیادی از قاضی ها و حارنوالان نمی توانند که کورس های آموزشی را در شهر کابل تعقیب کنند. با وجود عدم موجودیت آموزش در خارج از ساحه کابل، UNHCR پروگرام آموزشی چهار روزه را برای قاضی ها در ننگرهار تدارک دید. سازمان عفو بین المللی عقیده دارد که ضرورت بسیار مبرم بخاطر پروگرام های آموزشی در خارج از کابل احساس می‌شود.

5.3. حضور کم زنان در قضای

عدم توازن از لحاظ جنسی در افغانستان موجود بوده بخصوص در قوه قضاییه زنان کملا کم حضور دارند. حالانکه، در زمانی که این گزارش تهیه میگرد، کدام احصائیه دقیقی از تعداد خانم هاییکه قاضی هستند موجود نبود. یک نماینده ستره محکمه به این سازمان گفت: " مجموعا ما 2006 قاضی داریم که 27 تن ایشان طبقه هاستند. 16 به استینا رئیسی محکمه اطفال و خانواده، زنان از داشتن نقش کلیدی در سیستم قضای محروم اند. بر علاوه، جاییکه زنان بجهت قاضی ایغای وظیفه می‌کنند، آنها نمی توانند همانند همکاران مرد نقش کلیدی ایفا کنند، قضات انانیه بلعموم بجهت کاتب ها (مأمورین محرر) کار نموده و ندرتا در قضایا به آنها صلاحیت داده می‌شود. حدود 17 محاکمه اییکه توسط سازمان عفو بین المللی تعقیب گردیده هیچ زنی بجهت قاضی حضور نداشت. در مصاحبه هاییکه این سازمان انجام داد، تعداد از قاضی های سابقه دار عدم ارتباط شانرا حتی برای استقامت نمودن برای دخیل ساختن زنان در قضا ابراز داشتند. عدم ارتباط با حضور کم رنگ زنان نشان دهنده این امر است که نه ستره محکمه و نه هم وزارت عدلیه و عا حارنوالی احصائیه دقیقی را از تعداد خانم هاییکه قاضی و عا حارنوال اند در دست ندارند. بر علاوه، در یک مصاحبه اییکه هئیت سازمان عفو بین المللی انجام داد، بسیاری از قضات سابقه دار بطور واضح مخالفت شانرا به از دید نمودن تعداد زنان قاضی ابراز نمودند. دیگر قاضی ها گفتند که اگر قرار است تعداد قاضی های زن افزایش یابد آنها باید بجهت اولویت در محاکم خنل داده و اطفال ایغای وظیفه نمایند. زمانییکه هئیت سازمان عفو بین الملل با قاضی القضات مصاحبه نموده و پرسید که آیا پلان دارد تعداد زنان قاضی را در آینده افزایش دهد وی گفت: " ما همین حالا تعداد زیاد مردان بویکار داریم که بجهت اولویت باید کار به مردان داده شود، باید از بابت بویکاری مردان خیال ما جمع شود بعدا به تقرر زنان توجه خواهیم نمود."

در مارچ 2003، افغانستان کنوانسیون منع تمام اشکال تبعیض را در مقابل زنان امضا نمود (CEDAW). سطح حکومت در نظر گیرد. 17. بر علاوه، CEDAW و ICCPR توسط افغانستان در 1983 تصدیق گردیده است، هرگاه ضرور باشد حکومت باید جهت انجام عمل موثر وارد عمل گردد تا باشد که زنان نیز از داشتن حقوق مساوی با مردان بهره مند گردند. 18. سازمان عفو بین المللی در زمانییکه این تعقیق را انجام میداد حدود 25 فیصد شاگردان حقوق را در پوهنتون بلخ زنان تشکیل میداد، ولی فقط 39% را تعداد قاضی های زن تشکیل میدهد.

سازمان عفو بین المللی عقیده دارد که عمل موثر باید جهت تأمین شرکت زیاد زنان در سیستم قضای افغانستان اتخاذ گردد.

سازمان عفو بین الملل پیشنهاد می‌نماید که باید یک پروگرام آموزشی فوری برای زنان قضات طرح رعزری و رویکار آید. این سازمان عقیده دارد که زنان فارغ شده از فاکولته حقوق باید به پروگرام آموزشی IEC تقرر یافته و ایغکار به منظور آن صورت گیرد که این زنان بعدا توسط ستره محکمه، وزارت عدلیه و دفتر

لوی حارنوالی تقرر یابند. LEC باید زنان زیادی را سالانه آموزش دهد تا باشد این مرجع گامهای مثبت اشرا در جهت استخدام زنان بردارد. جامعه بین المللی باید کمک های مالی شانرا به LEC و زنان حقوقدان اهدا کنند، تا آنها بتوانند که در پروگرام های آموزشی سهم بگیرند. بعد از اتمام موفقیت آمیز LEC، ستره محکمه باید بطور فعال زنان مسلکی و با تجربه را جهت تقرر در قضا کاندید نماید.

5.4. پیشنهادات

به استخدام نمودن قضات غیر مسلکی پایان دهی: ستره محکمه و رئیس دولت باید ضمانت نمایند که تمام اشخاص تقرر یافته بحیث قاضی دارای علمیت لازم مسلکی در رشته حقوق باشند. دفتر رئیس دولت باید یک دفتر ثبت عامه را بخاطر مهارت های مسلکی قضا انجام دهد. بر علاوه، مهارت های مسلکی هر یک از کاندید ها باید از نظر دفتر رئیس دولت گذارانیده و بعداً در قضا تقرر یابند.

- پروگرام های آموزشی عاجل برای زنان در قضا: برای آنکه بتوانیم بر این عدم توازن جنسیت در قضا چیزی شویم باید پروگرام های آموزشی عاجل برای زنان حقوقدان در نظر گیرییم. خانم هاییکه از فاکولته حقوق فارغ می گردند و خانم های حقوقدان و مسلکی باید جهت استخدام در LEC شناسایی گردند. در آنجا باید هیچ گونه تقاضای وجود نداشته باشد. مبنی بر اینکه زنان باید کارمند وزارت عدلیه، ستره محکمه و یا حارنوالی باشند. جامعه بین المللی باید در ایجاد چنین یک پروگرام کمک نماید. البته با اهدا کمک های مالی هم به LEC و هم به انجمن چنین یک پروگرام کمک نماید. البته با اهدا کمک های مالی هم به LEC و هم به انجمن حقوقدان افغان که این پروگرام را پیش میبرند. آنعه کاندیدان که پروگرام آموزشی LEC را موفقانه سپری می کنند باید در قضا تقرر یابند.

پاورقی

سازمان ما قادر نشد تا تعداد دقیق زنان حارنوال را نیز دریابد.

17- ماده 7 CEDAW

18- ماده های 2,3,4 و 5 CEDAW, ماده 3 ICCPR و کمیته تعهد عمومی حقوق بشر 28.

- اداره نمودن و حمایت از انکشافات مرکز تعلیمات حقوقی LEC : جامعه بین المللی باید در جهت انکشاف LEC حمایت های لازم را ارایه دهند. حقوقدانان جوان LEC باید اداره گردیده و با اساسات حقوق آشنا گردند. جامعه بین المللی باید ضمانت نماید که LEC قادر است تا تمام پروگرام های آموزشی حقوقی را نظارت و هماهنگ نماید، بشمول IDLO مرکز تعلیمات حقوقی، با هماهنگی پوهنتون های افغانستان. بر علاوه LEC باید پروگرام آموزشی را برای انکشاف حقوقدانان مستقل بحیث یک موضوع عاجل در نظر گیرند.
- آموزش: JRC, IDLO و حکومت های کمک دهنده باید در مورد پروژه های آموزشی قضایی تفاهم کنند. بر علاوه پروژه های تعلیماتی قضایی در خارج از کابل باید بحیث یک موضوع عاجل تحت بررسی قرار گیرد. قاضی ها و حارنوالان باید کورس های آموزشی جداگانه ائیرا تعقیب کنند تا بتوانند علمیت لازم را بطور جداگانه بدست آورند. تمام تعلیمات قضایی، باید شامل مهارت های عملی حقوقی باشد. بر علاوه، تمام پروگرام های آموزشی باید شامل، حقوق بشر و حقوق زنان گردد. سازمان عفو بین المللی این گزارش را ارایه می کند. مخصوصاً فصل هفتم در مورد تخطی از حق داشتن محاکمه منصفانه بحیث یک تشخیص راه که ساحات مربوطه به قوانین ملی و بین المللی را مشخص می کند باید هماهنگ با آموزش حقوق بشر باشد. 19.

6. استقلال سیستم عدلی قضایی

در حال حاضر در میان پرسونل محاکم و قضاء عدم باورمندی وجود دارد. عوض کردن چنین فرضیه های بستگی دارد به اینکه سیستم قضایی افغانستان از هر نوع تأثیرات سیاسی و اقتصادی مبرا بوده، و در آن هیچ جای سازش نباشد. ماده 97 قانون اساسی 1964 ضمانت های قرارداد بن مبنی بر استقلال سیستم عدلی قضایی می باشد. 20 در حال حاضر، سیستم عدلی حمایت های لازم را بدست نیاورده تا این سیستم را از تأثیرات خارجی در امان نگهدارد. در نتیجه، استقلال عدلی و قضایی را با مداخلات سیاسی توسط گروپ های مسلح متزلزل می سازد، کسانی که در دفاتر عامه و افراد شخصی کار می کنند، بر علاوه، تأثیرات اقتصادی این اداره را بسوی فساد اداری گسترده ای کشانیده است.

6.1. تهدیدها بخاطر استقلال عدلیه

سازمان عفو بین المللی نگران است که عدلیه در حال حاضر کدام حمایت لازم را بدست نیاورده است تا در مقابل این فشارها از خود مقاومت نشان دهد. عدم موفقیت جامعه بین المللی در آنست که نتوانستند تأثیرات گروپهای مسلح را کم نموده و امنیت را تحکیم ببخشند. این موضوع عدلیه را تا حدی ناتوان ساخته است. بر علاوه، عدم موفقیت اینکه برای محاکم کارمندان محاکم، قربانیان، شواهد امنیت لازم فراهم نشده که در نتیجه صلاحیت قضایی را ورشکست ساخته است و مانع از آن می گردد که عدلیه استقلال عمل داشته باشد. بر اثر اینکار، یکتعداد افراد همیشگی بالای قانون قرار می گیرند زیرا در جامعه (مدیط) جایگاه خاص دارند و بخاطر آنکه، آنها قادر اند از تهدید، رعب و ترس و دیگر اشکال فشار استفاده نموده، پروسه (محاکمه) قضایی را به نفع خود انجام دهد.

پاورقی

- 19- هم چنان، به سازمان عفو بین المللی 12 نکته جهت رهنمایی و اجرایی عمل خوب در آموزش و تعلیمات حقوق بشر برای مقامات حکومت AI Index: ACT30/1/98
- 20- بخش 11 (2) قرارداد بن میگوید که " قوه قضائیه افغانستان باید مستقل باشد و باید که به سزاه محکمه افغانستان و یا محاکم شبیه به آن واگذار گردد، تا بتواند توسط اداره انتقالی ایجاد گردد.

فشارها، شامل تهدید و ایجاد وحشت توسط گروپ های مسلح:

سازمان عفو بین المللی یک تعداد قضایای را مسند نموده است که گواه بر مداخله نمودن گروپ های مسلح در کار عدلیه می باشد. در مام محاسب اصلی که توسط سازمان عفو بین المللی ملاحظه شد، این سازمان محبوسینی را بنام "محبوسین سیاسی" ملاقات کرد. 21 این نوع اشخاص بدون ملاحظات قانونی و به امر تعدادی از گروپ های مسلح و یابری اساس مظنون بودن بر همکاری با شبکه القاعده یا طالبان در حبس نگهداری می گردند. در یک محبس، این سازمان سه محبوس سیاسی را ملاقات نمود که پیش از یکسال شده بود که بدون کدام اتهام و بدون آنکه به محکمه رفته باشند بسر می پرند. زمانی که سازمان ما جهت دریافت موضوع و وضعیت این محبوسین از مقامات محبس پرسید، آنها گفتند که یک قوماندان مسوولیت توقیف آنها را دارد و او از اینکه قضیه اوشان توسط محکمه حل و فصل گردد جلو گیری می کند. زمانی که سازمان عفو بین المللی از محکمه با صلاحیت در مورد این اشخاص پرسید، قاضی گفت: " این خیلی خطر ناک" است که آنها به چنین قضیه دست بزنند، و این بخاطر تأثیرات سیاسی می باشد.

بر علاوه، شواهدی در دست است که تهدید های نیز به مقابل افراد عدلیه وجود دارد و بخاطر آنست که بعضی افراد مافوق قانون قرار دارند. یک تعداد از قاضی ها، جانوران و مقامات وزارت عدلیه که توسط سازمان ما در هرات جلال آباد و مزار شریف مصاحبه شد گفتند که آنها از طرف گروپ های مسلح تهدید می گردند.

یک قضیه ای که توسط سازمان عفو بین الملل مسند قرار گرفت که بعضی اوقات حارنوالان مجبور می‌گردند که در یک تحقیق قضیه دو قتل بنویسند که اکثر آ اینکار با تهدید مردان مسلح انجام می‌شود. حارنوالان ای که روی این قضیه کار می‌کنند به هئیت ما گفتند که هر گاه قتل توسط اعضای فامیل یک قوماندان انجام شود، هیچ تحقیقی صورت نمی‌گیرد." در یک منطقه دی‌گر، قاضی محکمه امنیت عامه گفت که آنها همیشه از اجراءات در مورد قضیه ای که جدی باشد محروم نگهداشته می‌شوند مانند مواد مخدره و جرایم مربوط به آن، زیرا آنها از طرف مردان مسلح تهدید می‌گردند.

دخالت در کار قضایی توسط کسانی که در دفاتر عامه کار می‌کنند:

سازمان عفو بین الملل قضایای را ثبت نموده که شهادت بر دخالت در کار قضایی، توسط اشخاص ای که در دفاتر عامه افغانستان کار می‌کنند. در یک قضیه ای که یک زن جوان بچیث شاهد یک قتل در ماه جنوری 2003 در توقیف نگهداری می‌شد. وی نیز متهم به روابط نامشروع قبل از ازدواج می‌باشد و این موضوع یکماه قبل از رهایی اش بروی وارد شد. 23. قربانی پسر یکی از کارمندان حکومتی بو. بعد از سپری نمودن چهار ماه در توقیف این زن جوان به امر محکمه ابتدائی ره را شد. بهر صورت، مداخله سیاسی در قضیه این دختر وی را از آزادی محروم ساخت، بعد از آنکه محکمه حکم رهایی وی را صادر ساخت او را نگریدی ولی به رئیس محکمه ولایت شکایت نمود و به او چنین گفته شد که پدر مقتول که در دستگاه حکومتی کار می‌کند دوست رئیس محکمه ولایت است، بدین لحاظ او نمی‌خواهد که دختر از قید ره را گردد.

در همین منطقه، به ما گزارش رسید که ولسوال یکی از ولسوالی ها، مرتباً در کار قضا و محاکم دخالت می‌کند و ولسوال همیشه آخرین تصمیم را در مورد قضایا می‌گیرد. بخصوص قضایای که در آن "محبوسین سیاسی" و مدافعین زنان و دختران در آن دخیل باشند. 24. در همین منطقه مقامات محبس شخصی را که مدت حبس او تمام شده تازمانی ره را نمی‌کنند که ولسوال امر نکند. حتی این ره ای اگر از طرف محکمه با صلاحیت نیز اجرا شده باشد.

پاورقی

مقامات افغان کلمه "محبوس سیاسی" را به کسی اطلاق می‌نمایند که شخص غیر قانونی نگهداری شود. اشخاص که محبوس سیاسی نامیده می‌شوند، که آنها را در همه زندانهای مرکزی افغانستان ملاقات نمود. بطور مثال، در محبس مرکزی هرات سازمان ما به 25 محبوس "سیاسی" برخورد، جدا از بخش محبوسین سیاسی که شامل طالبان و القاعده می‌گردد. در منطقه دی‌گر، مقامات عدلیه چنین گزارش دادند که افراد مسلح به دفاتر آنها آمده و دو مرتبه می‌خواستند که در چند قضیه تنازعات بر سر زمین مداخله نمایند.

فشار بر عدلیه توسط اعضای خانواده ها

در اینجا نمونه های زیادی وجود دارد که اعضای خانواده بالای محاکم فشار وارد می‌کنند تا خوی‌شوندان آنها که مطابق میل شان رفتار نمی‌کنند، توقیف نمایند. مخصوصاً اگر در قضیه زن و یا دختر جوانی باشد که در مقابل ازدواج اجباری مقاومت نموده و یا بر خلاف میل خانواده اش با کس دی‌گر ازدواج کند. سازمان عفو بین الملل با یک تعداد از دختران مصاحبه نموده که آنها نظر به فشار خانواده ها بر پولیس در محابس نگهداشته شده اند، زیرا آنها نخواستند بخواست فامیل های شان ازدواج نمایند. خانواده بر ادامه این توقیف فشاری نموده است. اساس قانونی برای چنین توقیفی در بسیاری قضایا روشن نبود. 25.

در یک قضیه، پدر یک دختر 18 ساله، دخترش را زمانی به توقیف انداخت که وی از ازدواج نمودن با پسر کاکایش انکار نمود. این دختر به خانواده اش گفت که می‌خواهد با کس دی‌گری عروسی کند. ولی خانواده پافشاری کردند که باید دختر با پسر کاکایش ازدواج کند وقتی وی رد کرد، خانواده اش به پولیس فشار آوردند تا او را توقیف کند.

در محکمه ابتدائی قاضی به گفت که وی را بخاطر آنکه مطابق میل فامیلش ازدواج نمی‌کند، توقیف می‌نماید. دختر جوان، اجباراً تحت آزمایش باکره گی قرار گرفت و او را متهم به روابط جنسی نامشروع قبل از ازدواج نمودند.

هر دو پولیس و محکمه به آن زن گفتند که هر گاه او بخواهد مطابق میل خانواده اش عمل کند او را رها می‌کنند.

در این قضیه کدام شواهدی مبنی بر رشوه ستانی وجود ندارد، در قضایای شبیه به آن حقایقی وجود دارد که اعضای خانواده به قاضی رشوه داده اند تا خانواده شان در توقیف بماند. در قضیه دی‌گر که سازمان ما آنرا مسند ساخت یک دختر 14 ساله به سه سال حبس محکوم گردید، زیرا وی خانه شوهرش را ترک کرده بود. این دختر در سن 13 سالگی اجباراً توسط فامیل به عقد مردی در آمد که همیشه وی را مورد آزار و اذیت جنسی و جسمی قرار می‌داد. یکسال بعد از ازدواج این دختر شوهرش را به کمک مرد دیگری ترک کرد. وی گفت که اعضای فامیلش به قاضی ها رشوه داده اند تا وی محکوم شود.

6.2. رشوه ستانی (فساد) در دستگاه قضایی

در اینجا مشکلات گسترده ای وجود دارد که قاضی ها و حارنوالان رشوه ستانی می‌کنند. در یک تعداد از ولایات توقیف شده گان به سازمان ما گفتند که قاضی ها و حارنوالان از آنها رشوه می‌خواهند، تا در بدل آنها را رها سازند. حتی کارمندان محبس به این نکته اشاره کردند که قاضی و حارنوالان بطور دایم از محبوسین یا پای‌واز آنها پول می‌خواهند تا در بدل آن محبوس شانرا رها سازند. مشکل رشوه ستانی در بسیاری از مناطق افغانستان وجود دارد. ولی چنین ثابت شد که در کابل به شکل خیلی پیشرفته آن وجود دارد. یک توقیف شده در ولایت کابل چنین گفت: "توقیف خانه ولایت مرکز تجارتي قاضی ها و حارنوالان است.

سازمان عفو بین المللی اسنادی در دست دارد که نشان می‌دهد، قاضی ها و حارنوالان از بعضی قضایای مخصوص رشوه می‌ستانند تا از تعقیب آن قضیه جلوگیری شود.

پاروقی

- 22- در آن منطقه افراد مسلح بطور بلاقطع ملکیت های شخصی مردم را تصرف می‌کنند.
- 23- بخاطر آنکه مواد شهادت را نگهدارند، بر خلاف قوانین جاری عمل کرده که در دی‌گر قضایا نیز شبیه به آن دیده شده است. هذیت سازمان عفو بین المللی با سه نفر دی‌گر نیز ملاقات کرد که آنها را در توقیف نگهداشته بودند بحیث شهادت در یک قضیه جنایی.
- 24- چنین گزارشهای نیز رسید که والی در تعدادی از قضایای جنایی دخالت می‌کند.
- 25- ازدواج اجباری در ماده 23 (3) ICCPR منع قرار داده شده است؛ به ماده 8 هم چنان به ماده 8 ICCPR، در مورد ازدواج و فصل پنجم 1967 (1355) قانون جنایی افغانستان نافذ است.

در یک قضیه دختر 15 ساله می‌خواست از شوهر 60 ساله اش طلاق بگیری. وی بعد از آن خواهان طلاق شد که بر اثر سوء رفتار شوهرش در شفاخانه بستر گردید. وقتی از شفاخانه مرخص شد، دختر نخواست به خانه شوهرش باز گردد و به خانه پیری اش برگشت، جای‌یکه او را بخاطر گرفتن طلاق کمک می‌کردند. شوهر این دختر از دادن طلاق ابا و رزی و به قاضی رشوه داد تا قضیه را تعقیب نکند. پدر دختر که وکیل او بود گفت: "وقتی به محکمه رفتم تا قضیه را به وکالت دخترم تعقیب کنم، تمام مدارک به شمول بیان شواهد، اسناد طبی همه و همه گم شده بودند. و یکروز بعد مردان مسلح به خانه دختر آمدند و گفتند که او باید به خانه شوهرش بر گردد. بعد از آن تهدید دختر با اعدام کردن خودش خود کشی نمود.

در یک قضیه دی‌گر، قاضی از یک برادری که تجار پی‌شه بود پول گرفت تا دو برادر دی‌گر این مرد را که رقبای تجارت او بودند به حبس بکشاند. در زمان ماموریت سازمان عفو بین المللی در افغانستان، این دو برادر در محبس امنیت عامه برای مدت یکسال بدون کدام اتهام بسر می‌بردند. در مورد همین قضیه ستره محکمه گفت که چندین بار ما به محکمه امنیت عامه اطلاع دادیم و به آنها گفته شد که توقیف اینها کدام اساس قانونی ندارد. و ستره محکمه گفت که آنها بخاطر رهایی این اشخاص ناکام ماندند که بحیث "محبوسین سیاسی" نگهداری می‌گردند، زیرا برادر آنها رشوه کلانی به قاضی و حارنوال داده بود.

6.3. منابع برای قضاء

مشکل رشوه خواری در قضا یکی موضوع شناخته شده ای است که با قاضی های سابقه دار روی آن بحث شده است از جمله با ستره محکمه، مقامات دولت انتقالی افغانستان و اعضای کمیسیون عدلی قضایی. بسیاری از این مشکلات مربوط به مسایل اقتصادی، بخصوص حقوق پائین و معاشات نامنظم قضات میباشد. قضات در افغانستان حدوداً ماه 50 دالر امریکایی معاش میگیرند. مناطق ولایتی که توسط سازمان عفو بین الملل در میان ماه های اپریل و می سال 2003 دیده شد، قضات و حارنوالان برای مدت سه ماه میشد که معاشات خود را اخذ نکرده بودند.

این موضوع توسط بعضی از اعضای سیستم قضایی افغانستان مطرح گردید و گفتند که بخاطر حل مسله رشوه ستانی باید معاشات قضات را بدون تاخیر از دیاد کرد. سازمان عفو بین الملل میداند که فراهم نمودن معاش کافی و امکانات برای عدلیه، یک تحفظ در مقابل فساد در عدلیه میباشد. 29. سازمان ما عقیده ندارد که مشکلاتی که در حال حاضر عدلیه به آن مواجه است با از دیاد معاشات حل گردد. مشکلاتی که به معاشات کم و نا منظم ربط دارد، به کمبود منابع مالی ربط ندارد. وزارت عدلیه به سازمان عفو بین الملل گفت که سال جاری مالی، کمک های کافی برای " بودجه منظم" در نظر گرفته شده و باید سطح معاشات قابل پرداخت به قاضی ها و دیگر پرسونل عدلیه کافی بوده تا بتواند خانواده ها ایشان را تمویل کنند. وزارت مالی گفت، که دلیل معاشات نا منظم در خارج از محدوده کابل عوامل امنیتی داشته است، زیرا توضیح مصئون در مناطق ولایتی ناممکن است.

بر علاوه، وزارت مالی و افرادی که در اصلاحات خدماتی ملکی سهم دارند، مشکلات مالی را در بخش قضایی مربوط به تفرری های بیرون از تشکیل در اداره عدلیه میباشد. سازمان عفو بین الملل مشاهده نموده که هیچ نظارت مستقلی بخاطر نیازمندی کارمندان در افغانستان و دستگاه های قضایی وجود ندارد که جز پروسه اصلاحات قضایی باشد. بر علاوه پروسه تفرری های نامنظم مشکلات استخدام را برای تعدادی از کارکنان مسلکی بیار آورده است.

پاورقی

- 26- یکی از آزمایشات با کره گی توسط دوکتور مرد انجام شده بود.
- 27- فرار از منزل در افغانستان جرم بحساب میاید به فصل 8.2 مراجعه شود.
- 28- در کابل افواهاست وجود دارد که قاضی های یکی از محاکم شهری (ناحیوی) از توقیف شده گاه میخواهد که پایواز شانرا به محکمه بفرستند. زمانی که پایواز به محکمه میرود در بدل رهای محبوس از آنها پول میخوانند.

6.4. عدم نظارت کافی در عدلیه

طبق قوانین جاریه، ستره محکمه مسوولیت نظارت بر عدلیه را که شامل، تحقیق بر سوء رفتار قضایی میباشد دارد. 30. در ستره محکمه، ریاست قضایی و بخش نظارت، مسوولیت مشترکی را در نظارت و تحقیق بر سوء رفتار قضایی دارند. بر علاوه، موجودیت این ریاست ها، درینجا علایمی وجود دارد که میکانیزم نظارتی قضایی در حال حاضر ناکام مانده تا بتواند در مورد اتهاماتی که در مورد سوء رفتار قضایی وجود دارد که شامل رشوه ستانی می شود تحقیق نماید. 31.

درینجا شواهدی مبنی بر عدم موجودیت شفافیت وجود دارد که ستره محکمه در پروسه تحقیق در سوء رفتار قضایی دارد. بخش های مختلف ستره محکمه معلومات ضد و نقیض را در مورد نحوه برخورد با قضایای افشا شده ای که در پروسه تحقیق در مورد اتهامات به قاضی باشد به سازمان عفو بین الملل فراهم نمودند. چیزی که از بخش نظارت بدست آمد این بود که محکمه صلاحیت کافی در اختیار ندارد، تا با قضایای سوء رفتار قضایی در خارج از کابل برخورد نماید، این کار بر اثر مشکلات مالی و لوژستیکی میباشد. این موضوع

نیز واضح بود که ستره محکمه بر محاکم پائینتر نظارت می‌کند که در حال حاضر کدام سیستم قضایی موثری وجود ندارد تا بر ستره محکمه نظارت کند.

برعلاوه، ستره محکمه کدام می‌کانون فعال جهت رسیدگی به شکایات را ندارد. محکمه به سازمان عفو بین المللی چنین گفت که هر هرگاه عوام بخواهند شکایتی را بر علیه قضا مطرح کنند " یا ورقه عرض به ستره محکمه" بیاورند. بدین لحاظ پروسه جهت طرح شکایت بر علیه یک کارمند قضایی برای اشخاصی که در توقیف اند غیر قابل دسترسی می‌باشند و یا اشخاصی که خارج از شهر کابل زنده گی می‌کنند به همین منوال. عدم موجودیت یک می‌کانون موثر تا بتواند به می‌کانون نظارتی قضایی دسترسی داشته باشد، کدام موضوع قابل تعجب نیست که اتهامات بی‌شماری در مورد سوء رفتار قضایی وجود دارد، از سال گذشته تا بحال فقط چند قضیه ثابت شده وجود داشته و بس.

در حال حاضر ستره محکمه مسوولیت پیشنهاد نمود کاندید ها را بخاطر تعین و تحقیق در سوء رفتار قضایی را بر عهده دارد. در حال حاضر بر اثر عدم موجودیت نظارت موثر بر سوء رفتار عدلی، چنین استنباط می‌گردد که استقلالیت و بی‌طرفی ستره محکمه بخاطر نظارت بر فعالیت قضاء مورد سازش قرار گرفته است، بخصوص در پروسه تقرری ها و طوری که آنها فعالیت می‌نمایند، اختلاف سلیقه ای را نشان می‌دهد. چنین اختلاف سلیقه نیز در دفتر حارنوالی نیز موجود است، زیرا لوی حارنوالی مسوولیت نظارت و تقرر را بالای حارنوالان را دارد. سازمان عفو بین الملل پیشنهاد می‌نماید که نقش تقرری ها و نظارت بر پرسونل باید توسط یک دفتر یا سازمان مستقل دیگر صورت گیرد.

پاورقی

- 30 - ماده 99 و 106 قانون اساسی 1964 (1343) و فصل چهارم قانون اساسی 1967 (1346) قانون در مورد صلاحیت و سازمان دهی محاکم.
- 31- یک عضو ارشد کمیسیون عدلی قضایی به سازمان عفو بین الملل گفت: " بخش نظارت بر قضاء ستره محکمه نمی تواند بطور موثر و کافی با مشکلات فساد اداری بر خورد نماید.
- 32- معلومات ضد و نقیض در مورد قضایای سوء رفتار عدلی که به سازمان عفو بین الملل داده شد توسط ادارات مختلف ستره محکمه بود. قاضی الفضا گفت که حدوداً 10-12 قضیه را درین مورد در سال گذشته داشته است. ولی ریاست قضایی گفت که حدود 150 قضیه سوء رفتار عدلی وجود داشته که همه آنها " دریافت نگریده".
- بخش نظارت چنین گفت که در اینجا سه قضیه سوء رفتار عدلی در سال گذشته وجود داشته است.

6.5. پی‌شنهادات

• از دی‌اد امنی‌ت در سراسر افغانستان

امنیت یکی از شرط های لازم برای ایجاد حاکمیت قانون می‌باشد که بتواند برای ایجاد یک قضاء ای که بتواند بشکل مستقل عمل نماید حتمی است. جامعه بین المللی باید اقدامات لازم را برای معیاری شدن این اداره بردارد تا بتواند در یک سطح موثر امنیت و حفاظت از حقوق بشر را در سراسر افغانستان بردارد، به شمول یک بررسی فعال بخاطر توسعه قوای آیساف.

بر علاوه، انسجام، خلع سلاح و پروسه احیای مجدد باید تقویت و انکشاف یابد.

- امنیت برای محاکم افغانستان : اداره انتقالی افغانستان باید معیارهای موثری را روی دست گیرد تا بتواند امنیت را برای محاکم و پرسونل آن با مشوره با محاکم بویز المللی، دولت ها فراهم نماید تا بتواند پروگرام امنیتی، بخصوص برای تحفظ شواهد فراهم نماید.
- معیارهای موثر جهت حفظ کارمندان قضایی، شواهد و قربانیان باید انگشاف یابد بحیث یک بخش اصلاحات استراتژیکی قضایی. بر علاوه، بویس آموزش یافته و با مسوولیت باید با محاکم افغانستان بخاطر ایجاد امنیت روابط تنگتنگی داشته باشد.

- **بازنگری بر ضرورت تقرر کارمندان در ادارات عدلی با یک روال عدلی :** یک بازنگری اساس بخاطر سطح تفرری ها در ستره محکمه، وزارت عدلیه و دفتر حارنوالی در نظر گرفته شود. این بازنگری باید شامل تعداد دقیق قضات، حارنوالان و پرسونل قضایی باشد که نظر به تقاضای محاکم روال معمولی اثر طی کند. طی این بازنگری اشخاصی که فاقد آموزش های مسلکی لازم باشند باید ازین دفتر ها برکنار گردیده و در پروسه ایکه بتواند از استقلال قضاء نمایندگی کند. سزیمان صفو بویز الملل پیشنهاد می کند که نظارت کمیسیون خدمات ملکی در طرح پلان برای اصلاحات ملکی باید پلان گردد. بعد از بازنگری در تفرری ها در ادارات قضایی، دولت انتقالی افغانستان باید معاشات کارمند قضایی را زیاد کند.

- **ایجاد کمیسیون خدمات قضایی:** برای آنکه توانسته بشیم یک نظارت موثری را برای قضایی ها و حارنوالان طرح نماییم باید کمیسیون خدمات قضایی باید سیاست کاری را بخاطر تحقیق سوء رفتار عدلی عرضه نماید. باید کمیسیون خدمات قضایی باید یک سیاست کاری را بخاطر تحقیق سوء رفتار عدلی عرضه نماید. عامه یک دفتر ثبت مرکزی را بخاطر افراد مسلکی ایجاد نموده و مسوولیت ایجاد می گانیزم برای شکایات عامه را در نظر گیرد. کمیسیون خدمات قضایی باید قدرت ایتر ا داشته باشد تا تحقیق، جنایی را در تمام قضایی ای که متهم به انجام جرم توسط قضایی یا حارنوال گردیده اند انجام دهد.

7. تخطی از حق داشتن محاکمه منصفانه

یکی از اساسات قانونیت حق داشتن محاکمه منصفانه است. حق داشتن محاکمه منصفانه طوری طرح می گردد که به همه افرادی که تحت پروسه جنایی قرار دارند توسط قانون تحفظ می گردند، از همان لحظه توقیف تا زمانی که فیصله نهایی روی قضیه صورت می گیرد (ملغی شدن قضیه) مکلفیت های بویز المللی و قانونی افغانستان طی ماده 9، 10 و 14، ICCPR، برای همه اشخاص حق محاکمه منصفانه را تعیین می کند. حق داشتن محاکمه منصفانه نیز در دیگر وسائل بویز المللی بشمول قانون روم است. 33.

حق داشتن محاکمه منصفانه در قوانین افغانستان نیز ذکر است. ماده های 25 و 26 در قانون اساسی افغانستان قابل غور بوده، که در مورد " حقوق و وظایف اساسی مردم" بحث می کند به شمول یکتعداد از مواد مهمی که در مورد حق داشتن محاکمه منصفانه است، 34. نظارت و تحویل قضایی که توسط سزیمان صفو بویز الملل انجام گردید، شامل سیستم عدلی جنایی افغانستان است که در حال حاضر توانایی آنرا ندارد که برای اشخاص متهم به جرم جنایی، محاکمه منصفانه را تدارک ببیند. 35. تخطی های گسترده و آشکار از حق داشتن محاکمه منصفانه در یکتعداد از مسایل انعکاس یافته که باید جهت انگشاف سیستم عدلیه و جنایی در افغانستان کار شود تا بتواند به شکل کامل حقوق قربانی و مظنون را حمایت نماید.

7.1. تخطی از حق داشتن محاکمه منصفانه در مراحل قبل از محاکمه

حق ایکنه بالاتر باید در مقابل قضایی حاضر شود:

تمام اشخاصی که از آزادی محروم شده اند حق دارند که بالاترین در مقابل قضایی و یا افسر قضایی آورده شوند. 36. وقتی که قانون حقوق بشر بویز المللی کدام ضرب العجل زمانی را تعیین کرده که مطابق آن توقیف شده به حضور قضایی آورده شود، حقوق می گردید که " تاخیر نباید به چند روز بی انجامد. 37. حق آوردن

شخص در حضور قاضی یک تحفظ اساسی ر مقابل توقیف خود سرانه و شکنجه روحی و جسمی به شمار می‌رود.

سازمان عفو بین المللی به این نکته توجه نمود که اشخاص محروم شده از آزادی بطور آبی ازین حق محروم بوده اند. در دروه ای که بالای قضایا غور نموده و با بی‌شمار از صد توقیف شده مصاحبه نمود.

سازمان ما حتی یک توقیف شده را نیافت تا در مقابل قاضی و یا مقام قضایی آورده شده باشد حتی در مدت یکماه نیز در مقابل قاضی آورده نمی شوند. سازمان ما اینرا نیز دریافت که مدت زمان معمولی ای که بای یک متهم در مقابل قاضی آورده شود حد اقل سه ماه است. بر علاوه سازمان ما حدوداً روی 20 قضیه ای که در آن توقیف شده گان, به شمول اطفال برای 8 ماه در توقیف نگهداشته شده اند بدون آنکه به حضور قاضی آورده شوند.

حق اینکه قانونی بودن توقیف اشرا چلنج نماید

حق اینکه قانونی بودن توقیف و یارهایی از توقیف اشرا که غیر قانونی باشد چلنج نماید, یکی از حقوق بنیادی جهت تحفظ توقیف شده بشمار می‌رود, سازمان عفو بین الملل از این نگرانی دارد که در حال حاضر هیچگونه میکانیزم وجود ندارد که یک توقیف شده در افغانستان بتواند, قانونی بودن توقیف را چلنج نماید, اساسات قانون جاریه را در کشور به تزلزل مواجه می‌سازد. 38. قانون ملی طوری است که پروسه آن جهت بازنگری قضایی در مورد توقیف می‌باشد. 39. بهر صورت, سازمان عفو بین الملل دریافت که به این پروسه ها بایی توجهی برخوردار شده و تجدید نظر قضایی که اجرا شده بود نه در حضور بلکه در غیاب توقیف شده صورت گرفت. بر علاوه, نظارت بر قضایا ای که نمایانگر بازنگری بر قضیه توقیف می‌باشد, اکثراً در محکمه ثبت نگردیده. و این یک ناکامی محکمه بشمار می‌رود که مقامات محبس از داخله توقیفی اطلاع دهد.

پاورقی

33- ماده 55 مراجعه شود. قانون روم, 1955 معیارهای اصغری بخاطر رفتار با زندانیان, 1988 گروپ اصول جهت حفظ تمام اشخاص ای که تحت هر نوع توقیف و یا حبس قرار دارند. جهت یک تحلیل نظریه مراجعه شود:

سازمان عفو بین الملل "کتاب جیبی محاکمه منصفانه" AI Index Pol 30/02/98

34- ماده 25 قانون اساسی 1964 در مورد حقوق مساوی در مقابل قانون نوشته است. ماده 26 برای تمام اشخاص حق آزادی و احترام را فراهم می‌کند, فرض نمودن بی‌گناه در یک محاکمه باز, مشاور دفاعی می‌تواند تحفظی باشد در مقابل تخطی از قانون چون شکنجه, ظلم, رفتار ضد انسانی و توقیف خودسرانه بر علاوه, ماده 100, حق داشتن محاکمه منصفانه را ضمانت می‌کند.

35- هئیت سازمان عفو بین المللی حدود 10 جریان جلسه قضایی را نظارت نموده که هفت آن قبل از محاکمه و نظارت بر قضیه در بامیان, جلال آباد, کابل, هرات و مزارشریف که از ماه های مارچ الی می و به مناطق کندهار و کندز در ماه های سپتمبر الی مارچ 2002 و 2003 است.

36- ماده 9 (3) ICCPR

37- کمیته حقوق بشر, نظریات عامه 8, بند 2.

تخطی از حق دفاع و اطلاعاتی به ابلاغ حقوق محبوسین

مکلفیت های ملی و بین المللی افغانستان شامل یک حق برای همه محبوسین مظنون به جرم جنایی می‌باشد. و آن شامل حق دفاع از خودشان می‌باشد. خواه اینکار توسط خودشان و یا توسط وکیل مدافع صورت گیرد, حق اینرا نیز دارند تا ازین حق آگاه گردند. 40.

ضمانت های ملی و بین المللی در رابطه به حق دفاع مورد اجرا قرار نمی گیرد. در حال حاضر توقیف شده گان هیچگونه دسترسی به مشاور قانونی ندارند تا حد اقل در قسمت دفاع در جریان محاکمه بتواند به آنها تسهیلات لازم را فراهم کند (به شمول جریان تحقیق در توقیف پولیس, استنتاج با حارنوالان و در جریان دفاع قبل از محاکمه).

این یک موضوع کاملاً استثنایی خواهد بود که یک توقیف شده از حق داشتن وکیل مدافع توسط پولیس و یا حارنوال آگاهی یابد. با مصاحبه های گسترده ای که سازمان عفو بین الملل با اشخاص محروم شده از آزادی انجام داد، موفق نشد که حتی یک فردی را بیابد که وی از داشتن وکیل مدافع مستفیذ شده باشد.

بدون کدام تحفظ اساسی دفاع در وقت تحقیق، سازمان عفو بین الملل دریافت که پولیس برای گرفتن اقرار از شکنجه استفاده می کند. سازمان ما اینرا نیز دریافت که، توقیف شده گانی که در توقیف پولیس بسر می برند، اجبار می گردند تا بر اوراق اعتراف امضا کنند، اینکار بعد از آن صورت می گیرد که آنها با کیبل برقی و یا میله آهنی مورد لت و کوب قرار می گیرند و یا هم شوک برقی داده می شوند. بعضی از توقیف شده گان توضیح دادند که با دستهایشان آویزان شده اند حتی برای چند روز، البته اینکارها در توقیف پولیس صورت گرفته است.

سازمان عفو بین الملل یکتعداد اعمالی دیگری را نیز مسند ساخت که توسط پولیس و حارنوال ها حق اینکه توقیف شده دفاع نماید متزلزل می سازد. بطور مثال، سازمان ما این موضوع را بطور گسترده ناکامی بخش حارنوالی و پولیس میداند که اظهارات اخذ شده از توقیف شده را در توقیف قبل از امضا مورد بازخوانی قرار دهند. بعضی از توقیف شده گان اینرا گفتند که قبل از آنکه حارنوالان یا پولیس دوسیه را به آنها بخواند و یا فرصت اینرا بدهد که مضمون خودش بخواند بالای آنها امضا می کنند.

دستگیری و توقیف خودسرانه

قانون بین المللی حقوق بشر و قانون جاری در افغانستان، تقاضا دارد که بعضی معیارهای تحفظی روی کار آید تا از توقیف شدن غیر قانونی افراد جلوگیری کند. بخصوص عملی که توسط سازمان عفو بین المللی به مشاهده رسید نگهداری "محبوسین سیاسی" به شکل غیر قانونی، تخطی آشکار ازین مواد به شمار می رود. 43.

قانون بین المللی و معیارهای که نه تنها خواهان آنست که توقیف و دستگیری نباید خودسرانه باشد، بلکه باید مطابق پروسه های که توسط قانون ایجاد شده عمل گردد. یک توقیف زمانی غیر قانونی تلقی می گردد که در خلاف با عدالت باشد، عدم نظارت قضایی و یا گروه های دیگرو جای یکی که آنها ازین پروسه هاییکه توسط قوانین ملی و بین المللی ایجاد شده تخطی می نمایند. 44.

سازمان عفو بین المللی یک ناکامی گسترده را در قسمت پولیس، حارنوالی و قضات مشاهده نمود. عدم رعایت قانون اجراء جزا در رابطه به اشخاص محروم شده از آزادی در مظنونیت به ارتکاب جرم جنایی می باشد. بخصوص، سازمان اینرا نیز مورد غور قرار داد که مواد در مورد نظارت از حالت توقیف شده گان در بخش های مختلف مورد چشم پوشی قرار می گیرد. تحت قانون جاری، پولیس حق دارد تا شخص را فقط 72 ساعت تحت توقیف اش نگهدارد، بعد از آن قضیه باید به حارنوالی راجع گردد تا حارنوال امر توقیف را برای 7 روز دیگرتمدید نماید. بعد از 7 روز شخص مذکور باید به حضور قاضی آورده شود، متهم و یا رها گردد. 45.

پاورقی

38- ماده 9 (4) ICCPR این حق را مورد شناسایی قرار داده است.

39- فصل پنج، قانون اجراء جنایی افغانستان 1976 (1355)

40- بطور مثال، ماده 14 (3) ICCPR ماده 26 (1) قانون اساسی 1964، ماده 2 و 9 قانون در مورد تدارک دین وکیل مدافع 1972 (1351).

سازمان عفو بین الملل اینرا نیز دریافت که اکثریت توقیف شده گان بیشتر از یک هفته را تحت توقیف پولیس گذرانیده اند، بخاطر همان قضیه، پولیس مظنونین را برای هفته ها و حتی برای ماهها نگهداری می دارد. 46. سازمان ما اینرا نیز دریافت کرد که حارنوالان در اجرای پروسه توقیف ناکام بوده اند، نه توانسته اند مظنون را متهم کنند و نه هم قضیه را به محکمه فرستاده اند، در ظرف یک هفته بطور مثال، هذیات سازمان عفو بین الملل با یک مرد بریتانیایی مصاحبه نمود که برای پنج هفته توسط پولیس و برای هفت هفته دیگرتوسط حارنوال نگهداری گردیده بود. زمانی که این مرد در توقیف پولیس قرار داشت برای دو هفته در توقیف غیر قانونی قرار داشت، که این توقیف خانه در زیرزمینی وزارت داخله قرار داشت.

سازمان عفو بین الملل نگرانی از این دارد که دوره های توقیف قبل از محاکمه به طول انجامد، آنهم در عدم موجودیت تحفظ برای چنین یک نظارت قضایی و دسترسی به مشاور دفاعی، نگهداری اطفال و بزرگسالان با هم و تخطی آشکار از حقوق بشر مانند شکنجه، ظلم و رفتار های ضد انسانی. بر علاوه، عدم موجودیت تحفظ در حال حاضر برای نگهداری توقیفی ها و دوره های تمدید شده در جریان قبل از محاکمه و توقیف آن سوالات جدی را در مورد قانونیت توقیف شان به وجود می آورد.

حق محاکمه شدن بدون ضیاع وقت

توقیف شده گان حق دارند تا در یک مدت مناسب محاکمه گردند. 47 این حق بدان معناست که امر می کند که با عجله و بدون ضیاع وقت، متهمی که در سلب آزادی بسر می برد و هنوز جرمش ثابت نگردیده که جرم جنایی انجام داده یا خیر، از این حق باید مستفیذ گردد. 48. در رابطه به نوجوانان مظنون قانون بین المللی حقوق بشر چنین می گوید که در دستگیری توقیف و یا حبس یک طفل باید بحیث آخرین راه حل بوده و تا حد ممکن باید مدت آن قصیر باشد. بهر حال، برخلاف این ضمانت، سازمان ما حبس طولانی در حالت قبل از محاکمه را یکی از نورم های معمولی توقیف یافت.

در تمام محاسبی که توسط سازمان عفو بین الملل دیدار بعمل آورد با توقیفی های برخورد کرد که دوره قبل از محاکمه آنها یعنی توقیف شان تمدید و طولانی گردیده بود تا حدود نه ماه و یا بیشتر از آن حدی که توسط قانون افغانستان تعیین گردیده. 50. بطور مثال، در توقیف خانه ولایت کابل، هئیت سازمان عفو بین الملل توقیفی را مصاحبه نمودند که بر اساس مظنونیت مدت 11 ماه را در توقیف قبل از محاکمه بسر برده بود. بر علاوه، در جلال آباد سازمان ما با دو توقیفی مصاحبه نمود که در حالت توقیف مدت بیشتر از یکسال را سپری نموده بودند بدون آنکه محاکمه گردند. در قضیه شبیه به آن در تمام توقیف خانه های که توسط سازمان عفو بین الملل دیدن بعمل آمد وجود داشت.

سازمان عفو بین الملل هم چنان اطفالی را مصاحبه نمود که برای مدت های طولانی در حالت توقیف قبل از محاکمه بسر برده اند. 51. در مزار شریف از 13 نوجوانی که توسط سازمان عفو بین الملل مصاحبه شد، به سازمان ما گفتند که چهارتن ایشان بیش از هفت ماه است که منتظر محاکمه اند. بر علاوه، هیچ یکی از این اطفال از حالت قضیه شان به شمول وقت و تاریخ محاکمه شان اطلاع نداشتند. 52.

پاورقی

- 41- بطور مثال، سازمان عفو بین الملل گزارش احیای مجدد پولیس برای تحفظ حقوق بشر ضروریست AI Index: ASA 11/003/2003 .
- 42- ماده 9 (1) ICCPR، ماده 26 (a) و (b) قانون اساسی 1964.
- 43- مراجعه شود به بخش 6.1.
- 44- به مو کونگ کامرون مراجعه شود (458/1991) 21 جولای 1994, UN Doc ccpr/c/51/458/1991, P.12.
- 45- فصل 3، 1976 (1355) قانون اجراء جزایی
- 46- بطور مثال: سازمان عفو بین المللی گزارش در افغانستان : احیای مجدد پولیس برای تحفظ حقوق بشر ضروریست , AI Index:ASA 11/003/2003

حق اینکه بی گناه فرض شود و یا قبل از محاکمه رها گردد:

طبق حق آزادی و بی گناه فرض شدن، اشخاصی که نظر به یک اتهام جنایی (جرمی) مورد مواخذه قرار می گیرند نباید بطور عموم در توقیف بسر برند. بهر صورت، در اینجا مقرراتی وجود دارد که طبق آن مقامات می توانند شرایط را بر یک شخص مبنی بر آزادی و یا توقیف قبل از محاکمه جاری سازند. بشمول اینکه زمانی این ضروری پنداشته می شود که از فرار مظنون جلوگیری به عمل آید. و یا هم زمانی که رهایی مظنون خطری به شواهد و یا دیگران محسوب

گردد. 53. در افغانستان، تعیینات مبنی بر توقیف یک مظنون در حالت قبل از محاکمه به ندرت دیده شده است. گفتگو های که با کارمندان عدلی و توقیف شده گان انجام شد در مورد توقیف شدن زمانی می تواند شکل قانونی برخورد گیرد که حارنوال شواهد و گواه بر علیه مظنون جمع آوری کند. جای که حارنوال ناکام می ماند که شواهدی را بر علیه مظنون جمع آوری کند. شواهد در حالت توقیف قبل از محاکمه قرار می گیرند، تا چنین شواهدی جمع آوری گردد.

7.2. تخطی از حق داشتن محاکمه در جریان محاکمه و تجدید نظر

حق اینکه گواه بخواهد

حق بنیادی یک متهم در جریان محاکمه منصفانه تقاضای شواهد در محاکمه می باشد. این حق که توسط قوانین ملی و بین المللی ضمانت گردیده تضمین می کند که در اینجا فرصتی برای متهم وجود دارد تا با گواه و شواهدی که بر علیه وی جمع آوری گردیده چلنج کند. 54. بهر صورت، در جریان جلسه های قضایی که توسط سازمان عفو بین المللی نظارت گردید، چنین معلوم شد که این یک موقع استثنایی برای یک شاهد خواهد بود که جهت شهادت به محکمه حاضر گردد. هیچ شاهدی در جلسات قضایی وجود نداشت، و یا توسط محکمه خواسته نشده بود، حدود ده جلسه قضایی ای که توسط سازمان عفو بین الملل نظارت گردید اوضاع شبیه به هم بود.

در آغاز جلسه قضایی، مظنونین خواهان ارایه شهود گردیدند. در تمام این سه قضیه در خواست مظنونین در نظر گرفته نشده و یا هم توسط قاضی رد گردید. در حالی که این موضوع معلوم نیست که آیا شهود می توانند دلایل قانع کننده ارایه دهند. رد درخواست ارایه شهود توسط محکمه یک تخطی جدی از حق داشتن محاکمه منصفانه می باشد.

بطور مثال، بعد از یک جلسه قضایی ای که شخصی مجرم به دزدی شناخته شد. هیئت سازمان عفو بین الملل از قاضی پرسید که چرا آنها از حق ارایه شهود صرف نظر کردند؟ قاضی جواب داد که، " اگر ما شهود بخواهیم جلسه قضایی وقت زیادی را خواهد گرفت، " و در تمام قضایای ای که محاکمه از شهود دعوت نمی کند و پولیس " غیر مسلکی " است و اکثراً بخاطر ارایه شهود نمی تواند محاکمه را کمک کند.

پاورقی

- 47- ماده 9 (3) ICCPR.
- 48- ماده 88، قانون اجراءات جزا 1976 (1355).
- 49- ماده 37 و 40 CRC در حال حاضر تحت قانون مراقبون افغانستان، مراقب به شخص زیر 15 سال اطلاق می گردد و چنین پیشنهاد می کند، که تمام اشخاص زیر 18 سال نوجوان گفته می شوند.
- 50- ماده 87، 1976 (1355) قانون اجراءات جزا.
- 51- ماده 40 CRC در مورد طرز رفتار با نوجوانان مظنون و یا متهم به جرم جنایی.
- 52- قضایای آنعده اطفالی که قابل نگرانیست در مورد اینکه آنها با بزرگ سالان یکجا نگهداری می گردند. محاسب خارج از کابل هیچگونه تسهیلاتی را در اختیار ندارند تا نوجوانان را از بزرگسالان جدا نگهداری نمایند. به گزارش سازمان عفو بین الملل توجه گردد "افغانستان: سیستم فروریخته محاسب مایوسانه در انتظار ترمیم. AI Index:ASA 11/017/2003 .

در پنج جلسه قضایی دیگری که توسط سازمان عفو بین الملل شاهد گردید، قضایا ها و حارنوالان نقل قول می کردند از شواهد، گواه به شمول بیانات قربانی "منزور" که شامل دوسیه جنایی شخص بود. در دیگری محاکمه که توسط سازمان ما نظارت گردید هیچ کدام بیانی از شواهد وجود نداشت که در جلسه قضایی ارایه گردد تا در محکمه خوانده شود، و نه هم نقل قول شواهد بشکل دقیقی در جریان تحقیق اخذ شده بود. سازمان

عفو بین الملل نگرانی از این دارد که مبدا موفق نشوند تا بیان کامل را در محاکمه مطالعه کنند و از فرصتی که برای مدافع (مظنون) دست داده تا گفتار شواهد و گواه ها شنیده شود. در بعضی دی‌گر از جلسه های قضایی اصلاً ذکری از شواهد وجود ندارد، در قسمت تحقیق عدلی، برای شناخت و جمع آوری شواهد لازم وی آماده نمودن بیان بر علیه اتهام جرمی وجود ندارد.

بی‌گناه فرض کردن

یک اصول بنیادی بخاطر حق داشتن محاکمه منصفانه حقی است که هر شخص تا زمانی که جرمش ثابت نشده باید بی‌گناه فرض شود. مگر طبق قانون و بعد از محاکمه منصفانه 55. طبق این حق از قاضی ها و حارنوالان می‌خواهد تا از قضاوت قبل از وقت خودداری نمایند. و حق اینکه باید فرد بی‌گناه فرض شود بدین معناست که در جلسه قضایی این موضوع ثابت خواهد شد که طبق تحقیقات عدلی شخص بی‌گناه است یا خیر. 56.

در جلسات قضایی که توسط سازمان عفو بین المللی در ولایات هرات - مزار شریف و کابل نظارت گردید، بی‌گناه فرض کردن موضوع است که در نظر گرفته نشده و قسمی تعریف می‌گردد که تقصیر با متهم یکجا زاده شده است. بطور مثال، در تعدادی از محاکم، مدافعی با ولچک زولانه محاکمه می‌گردند. بر علاوه، بعضی از قضات و حارنوالان طوری وانمود می‌کنند که شخص کاملاً مجرم است. بطور مثال، در سه محاکمه ای که توسط سازمان عفو بین المللی نظارت گردید. در حالی که متهم از بی‌گناهی اش دفاع می‌کرد، قاضی از او می‌پرسید که چرا این جرم را انجام داده است.

بر علاوه، در اکثر محاکمه ها، محکمه فرد را متهم به جرم می‌کنند، در حالی که اینکار مغایرت با حقایقی موجود بوده و دلایل کافی وجود دارد که متهم بر مبنای اتهامات نه دلایل مجرم شناخته می‌شود. سازمان عفو بین المللی را عقیده بر این است که، حقایقی که در تحقیق قضیه باید موجود باشد، نیست. مثلاً حاضر کردن شواهد و یا دی‌گر حقایقی که دلیلی بر اجرای جرم توسط متهم باشد هم در جریان تحقیق و هم در جریان محاکمه که این اصل موجود نبوده بنا دلایل کافی مبنی بر اتهام شخص درست نیست.

بطور مثال، در یک قضیه که متهم آن نوجوان بود بخاطر سوء قصد بجان کسی از طرف محکمه ابتدائی به یکسال حبس محکوم گردید. این پسر متهم گردیده بود که بخانه قربانی با یک گروه مردان 12 نفری وارد گردیدند، که شامل یک قوماندان بود و در خواست پول کرده بودند. اتهام بر این بود که زمانی قربانی از دادن پول ابا و ورزی توسط این پسر مورد هدف گلوله قرار گرفت، این پسر با کلاشینکوف به پای قربانی فیر کرد. پسر صریحاً دفاع نموده و آنرا رد کرد، به قاضی گفت، که وی اقرار نموده که درین جرم شریک بوده است، البته بعد از آنکه پولی وی را مورد لت و کوب قرار داد. بعداً متهم گفت که مقصر نمی‌باشد. قاضی پسر را به دروغویی متهم کرد. بر علاوه، در جریان محکمه، حارنوال هیچ شاهدهی را ارایه نداد، حتی بیان قربانی در آن وجود نداشت.

در جریان محاکمه پسرک از قاضی درخواست کرد که باید قربانی حاضر شود، ولی قاضی آنرا رد نمود. در اخیر قاضی ها پسرک را گناهکار شناختند، زیرا وی سابقه جرمی داشته و بجرمش اقرار نموده است. بر علاوه، در هیچ یک از مراحل چیزی بنام اعتراف مورد خوانش قرار نگرفت. 57.

پاورقی

53- ماده 9 (3) ICCPR

54- ماده 14 (3) ICCPR ماده 221 و 222 قانون اجراءات جزا افغانستان 1355 ماده 55 قانون دوم.

55- ماده 14 (2) ICCPR

56- تعهدات عامه کمیته حقوق بشر 13 بند 7

57- بر علاوه، قاضی ها روی این موضوع مذاکره نمودند که آیا قربانی زخم شدید برداشته و یا سطحی. قاضی ها در طی این مذاکرات، برخلاف حقایق هیچ آزمایش طبی از قربانی در دوسیه های محکمه وجود نداشت.

در یک قضیه دی‌گر، یک تحقیق قبل از محکمه، یک مرد انگلیس که متهم به قتل بود، حارنوال گفت که وی هیچگونه شاهدهی را ارایه نمی‌دهد، متهم خودش باید ثابت کند که بی‌گناه است.

سازمان عفو بین الملل محکمه دی‌گری را نیز نظارت کرد که یکمرد متهم به دزدی بود، که قرار معلوم جرم توسط پسر متهم انجام شده بود. در غیاب پسر متهم قاضی‌ها گفتند که آنها پدر را بخاطر جرم پسرش متهم بجرم می‌کنند. در جریان محاکمه، حارنوال کدام گواه را ارایه نداد. متهم که برای مدت هفت ماه قبل محاکمه داشت، برای مدت پنج سال حبس محکوم گردید.

حذف شواهد بدیث شکنجه و یا دی‌گری نوع اجبار

مکلفیت‌های ملی و بین‌المللی افغانستان در مورد شواهد شامل، اعتراف‌ای که بر اثر شکنجه و یا انواع دی‌گری مجبوریت‌ها اخذ شده باشد، باید توسط محکمه رد گردد. 58. بهر صورت، هئیت‌های سازمان عفو بین الملل در سه محاکمه‌ها جلسه قضایی که شرکت نموده بودند متهم به صراحت گفت که اعترافات داده شده بر اثر شکنجه بوده که توسط پولیس داده شده است. در این سه جلسه قضایی محکمه آنقدر ناکام بوده که حتی یک آزمایش را نیز بخاطر صحه گفتار متهم انجام نداده است. بطور مثال، در یک جلسه قضایی در کابل، یک متهم به دزدی گفت که وی برای آنکه توسط پولیس لت و کوب گردیده بود اعتراف نموده است. ولی محکمه از این موضوع چشم‌پوشی نموده و مدافع را مقصر دانست و وی را برای مدت هفت ماه حبس کرد. در جریان محاکمه هیچ شاهد و یا گواهی را محکمه حاضر نکرده بود.

سازمان عفو بین الملل عقیده برین است که هرگاه چذین‌پسانی در اثر شکنجه روحی و جسمی، ظلم و رفتار ضد انسانی داده می‌شود، باید محاکمه جداگانه‌ای بوجود آید تا مسله احضار شواهد را محکمه فراهم کند. در چذین‌محاکمه‌ای، شواهد باید بطور داوطلبانه شهادت دهند. بعداً این باید از شواهد جدا شود به استثنای آنهایی که بر علیه متهم بیان داده اند. بر علاوه، در جایی که زمینه‌های مناسبی وجود دارد مبنی بر اینکه شکنجه را می‌توان با یک تحقیق فوری و مستقل انجام داد به وسیله آزمایشات طبی، تا بر گفتار قربانی صحه گذارد. 59.

تخطی از حق دفاع نمودن و دسترسی داشتن به معلومات

این موضوع کاملاً استثنایی است که متهم توسط وکیل مدافع به محکمه حاضر گردد. در تمام جلسات قضایی که توسط سازمان عفو بین الملل نظارت گردید، هیچ وکیل مدافعی در هیچ عرصه وجود نداشت تا از حقوق توقیف شده گان افغان دفاع کند. 60. بر علاوه، در تمام تحقیقاتی که سازمان ما انجام داد موفق نشد که حتی یک توقیف شده افغان را بیابد که به او توسط کدام نماینده حقوقی مشوره داده شود، در هیچ یک از مراحل قانونی در نتیجه عدم دسترسی کامل به وکیل مدافع، در ی‌گانه‌حالتی که یک متهم می‌تواند وکیل مدافع داشته باشد، آنست که خودش پول حق الزحمه را بپردازد. تحت این مقررات، این خیلی اهمیت دارد که متهم به معلومات و اسنادی که در باره اش تهیه گردیده دسترسی داشته باشد..

به شمول شواهد بر علیه وی، در صورتی که آنها قادر باشند تا دفاع از خود را فراهم کنند. 61. هیئات سازمان ما اینرا نیز مسند نمودند، که این برای یک متهم استثنایی خواهد بود که بتواند از معلومات در مورد قضیه‌اش و یا منابع دی‌گری دسترسی داشته باشد و یا اگر بخواهد وی را در جریان قرار دهند. 62.

پاورقی

سازمان عفو بین المللی محاکمه انی‌را با نماینده کمیسیون مستقل حقوق بشر نظارت نمود که در آن چذین گفته شد، بخاطری که در اینجا خارجی‌ها می‌باشند ما به این پسر مجازات سبک می‌دهیم.

58- ماده 15 CAT ماده 26 (K) قانون اساسی 1964

59- ماده 12 و 16 CAT

60- در جریان دو محاکمه‌ای که توسط سازمان عفو بین الملل نظارت گردید، متهمین از حقوق‌شان بخاطر داشتن وکیل آگاه بودند. در هیچ قضیه دی‌گری متهمین نتوانستند جریان محاکمه را بخاطر وکیل مدافع متوقف سازند، زیرا آنها امکانات مالی لازم را در اختیار نداشتند تا وکیل مدافع بگیرند.

در حقیقت، هیچ یک از توقیف شده گان دسترسی به اسناد مربوط به قضیه‌شان را در حالت قبل از محاکمه ندارند. بر علاوه، سازمان ما اینرا نیز دریافت که اکثریت متهمین حتی از داشتن معلومات ابتدایی در مورد

پرونده قضیه‌ی شان محروم اند که شامل ورقه اتهامات، تصامیم توقیفی و اوامر قضاوت و مجازات می‌باشد. بر علاوه، اکثریت توقیفی‌های که با ما مصاحبه نمودند گفتند که به ما هیچ نوع اطلاعیه قبل از محاکمه داده نمی‌شود و آنها از تاریخ محاکمه شان اطلاع نمی‌یابند. فقط وقتی آنها را به محکمه می‌خوانند چند دقیقه قبل از آن به آنها اطلاع می‌دهند. محکمه یگانه جایی است که آنها می‌توانند در مورد قضیه شان آگاهی یابند و اکثراً این اطلاعات توسط اعضای فامیل به آنها فراهم می‌گردد، که به نماینده گی از آنها به محکمه حاضر می‌گردند.

در محاکم، متهمین اجازه داشتند تا رد اتهامات کنند. بسیاری از محکومینی که توسط سازمان عفو بین الملل مصاحبه گردید چنین گفتند که در جریان محاکمه به آنها فرصت دفاع و یا صحبت کردن داده نمی‌شود. یکی از محکومین گفت، زمانی که که می‌خواستم از خود دفاع کنم در محکمه قاضی به من گفت "خاموش باش". در یک قضیه دی‌گر، تعدادی از اشخاص حاضر در محاکمه یک مرد جوان با زنی که متهم به روابط نامشروع بودند، از اینکه دفاعیه شان به روی کاغذ توسط وکیل مدافع درست شده بود، قاضی خواندن آنرا رد کرد، این دفاعیه در باره هر دوی آنها بود. اساس اتهام بر این بود که، متهم خانم قبلاً ازدواج شده بود و مرد نیز. طبق شواهد فورم ای که توسط شوهر اول خانم تهیه شده گفته بود که آنها طلاق شده بودند. قاضی‌ها از "خواندن آن اباء ورزیدن" این دفاعیه توسط مدافع (متهم) مرد تهیه گردیده بود که بعداً مرد به 10 سال حبس محکوم گردید و زن به شش سال.

حق داشتن محاکمه علنی

حق داشتن محاکمه علنی یکی از اساسات بنیادی برای تحفظ عدالت و استقلال پرونده قضایی می‌باشد و این به معنای حفظ اعتماد عامه در مقابل سیستم قضایی است. 63. حق داشتن محاکمه منصفانه بدین معناست که نه تنها دو طرف بلکه مطبوعات و دیگر اشخاص نیز حق دارند بدانند که عدالت چطور اجرا می‌شود و چی تصامیمی توسط سیستم قضایی اتخاذ می‌گردد تا تعهدی باشد برای محاکمه.

در سه فرصتی که سازمان عفو بین الملل را از حضور نزدیکی در محاکمه محروم ساختند. در یک فرصت، زمانی که هئیات سازمان ما خواهان معلومات گردید و پرسید که چرا این محاکمات پشت درهای بسته بود، قاضی گفت، "ما از هئیات پرسیده بودیم که به چه نوع قضایای اینها علاقمند اند تا ما بتوانیم همان نوع محاکمه را برایشان در نظر بگیریم." 64. بر علاوه، قاضی‌ها در هرات، جلال آباد، مزارشریف و کابل این حقیقت را گفتند که در تمام قضایای تجدید نظر، نه تنها کسی از مطبوعات حضور ندارد بلکه این مرحله بدون حضور متهم یا محکوم اجرا می‌گردد.

سازمان عفو بین الملل شدیداً نگران است که عمل محاکمه غیر علنی اعتماد مردم را نسبت به قضاء و سیستم قضایی متزلزل ساخته و آنرا بسوی تخطی از حق داشتن محاکمه علنی سوق می‌دهد.

7.3. ضرورت عاجل برای ایجاد حقوقدانان مستقل محسوس می‌گردد

عدم موجودیت حق دفاع از خود در حال حاضر یک مشکل جدی بوده که باید با انکشاف سیستم عدلی جنایی افغانستان طور انکشاف یابد که حق هر دو جانب قربانی و متهم را رعایت می‌کند.

پاورقی

61- ماده های 14 (3) (d) و 14 (3) (b) ICCPR

62- تعداد زیادی از متهمین ای که مصاحبه گردیدند، بی‌سواد بوده و در هر حال باید به آنها وکیل مدافع تدارک گردد.

63- ماده 14 (1) ICCPR شاید بنام دلایلی اشخاص و مطبوعات از حضور در محاکمه محروم باشند و یا شاید این بنا بر مساوی امنیت ملی در یک جامعه دموکراسی باشد. و یا زمانی که افراد دیگر علاقمند بوده و یا جانیون چنین تقاضا کنند ... جای‌ای که چنین اشتهاات مورد علاقه عدلیه باشد هم چنان ماده 100 قانون اساسی افغانستان.

قانون دفاع افغانستان، به تمام افراد حق داشتن وکیل مدافع را می‌دهد که بنابر آن سیستم مساعدت های قانونی را بنیاد می‌دهد. 66. هم چنان قانون در مورد ایجاد اداره حارنوال مدافع نیز بحث می‌کند که مربوط وزارت عدلیه می‌باشد. و مسوولیت، ثبت، سازماندهی و مراتب حارنوال مدافع را بعهده دارد. 67. این سیستم تحت قانون در حال حاضر غیر فعال است.

فروپاشیدن سیستم برای سازماندهی وکلای مدافع مستقل و برای مواد مساعدت های قانونی طوری ایجاد گردد که در برگیرنده فاکتورهای تاریخی باشد. وکلای مستقل هیچ گاه بشکل دایم نتوانسته اند که در سیستم حقوق افغانستان جا پیدا کنند. این فاکتور، بنابر مشکلات سیاسی که در جریان 23 سال دامنگیر مردم بوده باعث عدم موجودیت آموزش های موثر حقوقی گردیده، بدان معناست که در اینجا فقط چند نفر از وکلای مدافع مسلکی وجود داشته که امروز در افغانستان کار می‌کنند. سازمان عفو بین المللی به ادعاهای کمیسیون عدلی قضایی، یوناما و تعدادی از متخصصین حقوقی بین المللی دارند یافته است که در اینجا هیچ وکیل مستقل وجود ندارد. 68.

سازمان عفو بین الملل ایضا نیز دریافته که وزارت عدلیه لست وکلای مستقل را در اختیار دارد که در مرکز، ولایت و منطقه کار می‌کنند. سازمان ما با 15 وکیل مستقل صحبت نمود که 6 تن آن در هرات، جلال آباد، کابل و مزارشریف بودند.

از گفتگو با قانوندانان چنین به نظر رسید که این خیلی نادر است که آنها در کار جرایم سهم بگیریند. زیرا آنها مشکلات اقتصادی دارند هم قانوندانان و هم توقیف شده گان، سازمان عفو بین المللی ایضا دریافته که اکثریت توقیف شده گان کدام منابع در اختیار ندارند تا برای مساعدت های حقوقی بپردازند. 69. بر علاوه در حال حاضر، عدم موجودیت مساعدت قانونی و پروگرام قانونی آن Pro bono و مساعدت های قانونی برای توقیف شده گان، بستگی به پرداخت دارد که قانون دانان را در دفاع از مجرم یکجا مسیازد و اینکار برای تهدیدست کردن مشتریان توسط دولت می‌باشد.

کمیسیون عدلی قضایی عدم موجودیت وکلای مدافع یک خلاء بزرگ در سیستم جنایی افغانستان به شمار می‌رود. بدین لحاظ کمیسیون عدلی قضایی تصمیم دارد تا به این موضوع با ساختن قانون جدید دفاع متوسل گردد. کمیسیون عدلی قضایی هم چنان به این موضوع اشاره کرد که تصمیم دارند یک انجمن وکلای مدافع مستقل را ایجاد کنند. 70.

بهر صورت، هیچ تمویل کننده ای تا بحال پا پیش نگذاشته تا این پروژه را تمویل کند. سازمان عفو بین المللی اینعمل کمیسیون عدلی قضایی را تقدیر نموده و می افزاید که ایجاد انجمن وکلای مدافع مستقل، جهت نظارت و ساماندهی به کار وکلای مدافع خیلی مناسب می‌باشد. این یک عمل اساسی و با اهمیت در کار اصلاحات قضایی به شمار می‌رود.

سازمان عفو بین المللی عقیده دارد که این یک پلان دقیقی است که به عدم موجودیت حمایت تمویل کننده ها مواجه است. نباید از شناسایی و اجرای فوری آن معیارهای را ایجاد کرد دارای صلاحیت های وکلای مستقل باشد. سازمان عفو بین المللی عقیده دارد که معیارهای عملی جهت کارهای بطور فوری برداشته شود، به هدف اینکه ایجاد صلاحیت ها را در حال حاضر مورد بررسی قرار داده و وکلای مستقل و اساسی را انجام دهد.

ناکامی کمیسیون عدلی قضایی و حکومت ایتالیها که شامل ارزیابی برای ایجاد صلاحیت های حاضر درجهت وکلای مستقل بحیث یک بخش که بتواند سروی قضایی را تکمیل کند باید بطور فوری مورد اصلاح قرار گیرد. سازمان عفو بین الملل عقیده دارد که نکته شروع برای ایجاد حمایت جهت انکشاف وکلای مدافع مستقل باید یک بررسی با صلاحیت باشد. سازمان ما پیشنهاد می‌کند که یک سروی فوری جهت سر شماری وکلای مستقل باید انجام شود تا صلاحیتهای حاضر را که شامل تعداد، محل اصلی موقعیت وکلای مستقل می‌باشد گردد.

پاورقی

64- در جریان دیدار از یک محکمه، هنیات سازمان عفو بین الملل قادر نشدن تا از جریان محاکمه دیدار بعمل آورند. و حقیقت اینجاست که در آنجا "هیچ شاهدهی را حارنوال حاضر نکرده بود، در محکمه همانروز.

65- در کابل- مزارشریف هنیات ما از حضور در جریان محاکمه های شهری محروم گردیدند، زیرا آنها محاکم علنی نبود.

66- ماده 10، 1972 (1351) قانون دفاع، در مورد مساعدت های قانونی رایگان را که باید دولت فراهم کند نوشته شده است، البته برای آنایی که از لحاظ مالی مشکل دارند.

67- ماده 3، 1972 (1351) قانون دفاع.
این ارزیابی باید شامل یک تعداد فارغ شده گان از فاکولته حقوق گردد تا اشخاصی را برگزینند که مسلکی و آموزش دیده باشد مانند وکلای مستقل.

سامان عفو بین الملل هم چنان پیشنهاد می کند که کمیسیون عدلی قضایی مرکز آموزشهای حقوقی باید با مساعدت جامعه بین المللی، بطور فوری یک پروگرام آموزشی را راه اندازی کند تا آنها بتواند از نزدیکی با جامعه مدنی و وکلای مستقل مشوره نماید. این سازمان نگرانی از این دارد که پلانی کمیسیون عدلی قضایی جهت آموزشی دادن به حقوقدانان و پیرسونل قضایی ای که برای دولت کار می کنند، شاید فقط برای همیشه کار کنند تا برای اصلاحات یک سیستم قانونی ای که کاملاً به نفع مواخذه قانونی است بوجود آید.

در صورتی که کدام آموزش برای فارغ التحصیلان مسلکی در نظر گرفته نشود بخصوص برای آنها ای که در اداره عدلی تقرر نیافته اند هیچگونه تحرکی و یا تشویقی برای حقوقدانان در نظر گرفته نشده تا شغل آزاد داشته باشند. عدم موجودیت این تحرکات نمایانگر یک خلاء جدی در استراتژی قضایی می باشد.

سازمان عفو بین المللی هم چنان ایجاد یک پروگرام مساعدت قضایی را برای اشخاص متهم به جرم جنایی پیشنهاد می کند، البته برای آنها ای که مشکل اقتصادی داشته و نمی توانند برای وکیل مدافع پول بپردازند. سازمان ما عقیده دارد که درین دوره، تا زمانی که وقت برای ایجاد یک انجمن وکلای مدافع می رسد، جامعه بین المللی باید برای وزارت عدلیه منابع مالی را فراهم کند تا مطمئن گردد که حقوق دانان ثبت شده قادر اند که برای توفیق شده گان مساعدت قانونی فراهم کنند. 71. سازمان عفو بین المللی پیشنهاد می نماید که این پروگرام باید بخاطر ایجاد مساعدت های قانونی در تمام پوهنتون های افغانستان در نظر گرفته شود. مانند یک پروگرامی که توسط وزارت عدلیه و جامعه بین المللی حمایت گردیده و بتواند اقدامات اساسی را برای تشویق انکشاف حقوقدانان مستقل فراهم کند.

7.4. ضرورت عاجل برای اصلاحات قانونی تا حقوق بشر توفیق شده گان رعایت گردد:

توافقات بن چنین تذکر می دهد که قانون در حال حاضر طور می تواند قابل اجرا باشد که همه مواد آن طبق مکلفیت های بین المللی افغانستان باشد. 72. بهر حال، نظارت بر قضایا و حضور در جلسات قضایی توسط سازمان عفو بین المللی، چنین معلوم گردید که مواد قانون جنایی و قانون اجراء جزا با مواد قانون بین المللی حقوق بشر غیر قابل مقایسه است. ارایه تعدادی از این مواد قانون باعث تخطی های شدیدی از حقوق بشر گردیده است. در اینجا ضرورت عاجل جهت اصلاح قانون در صورتی که این اصلاحات مطابق به مکلفیت های بین المللی افغانستان باشد. 73.

قانون اساسی جدید

مسوده قانون اساسی در حالی به مردم ارایه می گردد که افغانستان در یک حالت کاملاً بی نظری می تواند یک سیستم قضایی را ایجاد کند که کاملاً بر اساس قانونی استوار بوده که شامل معیارهای قبول شده حقوق بشر بین المللی می باشد. افغانستان متعهد به تعدادی از قطعنامه های مهم حقوق بشری می باشد که شامل ICCPR, CEDAW, CRC, CAT, ICESCR و قانون روم می باشد. این وسایل بحیث حقوق اساسی شمرده می شود که جهانی و قابل دید می باشد.

پاورقی

68- کمیسیون عدلی قضایی به سازمان عفو بین الملل اطلاع داد که در آنجا فقط چهار یا پنج وکلای مدافع مستقل در کار وجود دارند. بهر صورت این سازمان دریافت که حدود 30 وکیل مدافع در کابل موجود است.

69- هئیت سازمان عفو بین المللی توسط یک تعداد توفیق شده گان اطلاع حاصل کردند که اگر آنها پول بدهند برای وکیل مدافع، بهتر است این پول را بخاطر رهایی شان به مصرف برسانند.

71- ستره محکمه ریاست مساعدت های حقوقی را ایجاد نموده (LAD) هیچ کدام بذیادی در قانون نداشته و صلاحیت اینرا نیز ندارد تا مساعدت های حقوقی مجانی را فراهم کند. ایجاد LAD بحیث جز از ستره محکمهنقطه منازعه با وزارت عدلیه به شمار می رود.

72- به بخش II توافقات بن

73- در حالی که توافقات بن به قضات اجازه می دهد که قوانین ملی را که برخلاف قوانین قبول شده بین المللی است فسخ کنند، حقوقدانان مسلکی، در حال حاضر به عدم داشتن علمیت لازم دچار اند تا بتوانند مواد لازم قانون را در آن بگنجانند.

با تصدیق نمودن این قوانین بین المللی حقوق بشر، افغانستان تعهد نموده که حقوق ضمانت شده تمام افرادی را که بدون تبعیض در نظر گرفته شده فراهم کند. افغانستان یک مکلفیت تحت قانون بین المللی دارد که تمام قطعنامه ها و موادی را که تائید نموده باید آنها را در سطح ملی مورد اجرای قرار دهد. بر علاوه، افغانستان مکلف است تا معیارهای موثری را روی دست گیرد تا این حقوق مورد اجرا قرار گیرد. 74. شناسایی این حقوق، کمیسیون حقوق بشر ملل متحد درین اواخر اهمیت شرکت دادن قانون بین المللی حقوق بشر را در قانون اساسی نوین مورد بحث قرار داد. 75.

سازمان عفو بین المللی بحیث یک حقیقت اینرا ابراز می دارد که دولت اسلامی انتقالی افغانستان مسوولیت دارد تا حقوق بشر را بطور کامل در قانون اساسی جدید رعایت کند. قانون اساسی جدید باید بر مبنای موادات قوانین بین المللی حقوق بشر و قطعنامه ها استوار باشد که افغانستان جز از آنست و این موادات باید در قوانین ملی گنجانیده شود خواه بطور مستقیم باشد یا غیر مستقیم.

حکومت انتقالی افغانستان باید معیارهای بین المللی حقوق بشر را در دستگاه عدلی بطور قاطع ضمانت کند. بخصوص قانون اساسی جدید باید سزای موت (اعدام) را منع قرار دهد. و از سیستم استفاده کند که طبق قانون بین المللی حقوق بشر باشد. بر علاوه موادات قانون اساسی 1964 در مورد حق داشتن محکمه منصفانه باید گسترده و قوی گردد که در حال حاضر عدم موجودیت قانون بین المللی بشر و ناکامی در اجرای حق محاکمه منصفانه قسمی که در قانون بین المللی درج است. بخصوص، قانونی اساسی جدید باید حق آزادی و امنیت افراد را ضمانت کند که شامل حق داشتن محاکمه منصفانه و آوردن شخص به مقابل قاضی بدون ضیاع وقت، و حق اخذ غرامت " دیعت" برای توقیف های غیر قانونی و حق دفاع از خود می باشد. قانون اساسی باید ضمانت کننده این باشد که تمام اشخاص در بند بتوانند قانونی بودن توقیف شانرا در جریان قبل از محاکمه چلنج کنند و یا در جریان محاکمه.

در صورتی که این حقوق تامین گردد برای مردمی که در افغانستان زنده گی می کنند قانون اساسی جدید باید یک موادی غیر مبهم و غیر تبعیض باشد که تضمین کننده حقوق مساوی برای همه بدون در نظر داشت مسایل جنسیت، مذهب و قومیت باشد. قانون اساسی باید مواد دیگری را نیز بگنجانند که تضمین کننده حق برای یک راه حل مناسب به شمول تجدید نظر عدلی باشد که شامل تمام آن حقوقی گردد که در قانون اساسی به آن ضمانت شده است. با بوجود آوردن میکانیزم موثر که قابلیت اجرا همه حقوق را داشته باشد. زیرا قانون اساسی جدید راه طولانی را پیشرو دارد تا از حقوق مردم مبنی بر دسترسی داشتن موثر به حقوق شان ضمانت کند.

تجدید نظر بر قوانین جنایی

در فتوی دادن به قضایای جنایی در حال حاضر، قاضی ها قوانین مختلط شرعی و مدنی و عنعنوی را مورد اجرا قرار می دهند. بهر صورت، در اینجا عدم موجودیت شفافیت در مورد روابط میان این سه منبع مختلف قانون می باشد که چطور این منازعه میان سه قانون مختلف از میان بر داشته شود.

عدم موجودیت شناخت لازم و شفافیت در مورد قوانین جاری و بیشتر منحصر گردیده و علمیت ضعیف در میان بعضی از اعضای عدلیه هم در مورد قانون شرعی و مدنی وجود دارد. یک متخصص قانون چنین گفت: " بسیاری از قضات حتی علمیت ابتدایی را در مورد قانون جزا و قانون اجرائت جزا ندارند تا آنرا مورد اجرا قرار دهند." بر علاوه، یک قاضی به سازمان عفو بین الملل چنین گفت: " قاضی ها در بسیاری موارد قوانین شریعت را مورد اجرا قرار می دهند. زیرا بیشترین همکاران من کمترین علمیتی از قوانین شرعی ندارند و بخاطر روپوش گذاشتن روی اعمال غیر قانونی شان آنرا فیصله شرعی می نامند.

پاورقی

74- ماده 2 (2) ICCPR تذکر می‌دهد که "جایی که قبلاً برای مقررات موجود و یا دیگر معیارها موجود نباشد، هر کشور عضوی که در کنوانسیون اقدامات ضروری را ارایه دهد، باید طبق پروسه قانون اساسی باشد که با موادات حاضر کنوانسیون تطابق نماید. در چنین قوانین و دیگر معیارهای که می‌تواند ضروری بوده و به این حقوق شناخت موثری بدهد آنهم در کنوانسیون حاضر." موادات شبیه را می‌توان در ماده (2) (2) و (ط) CEDAW یافت. ماده 4 CRC بر علاوه، بحث عضو قانون روم، افغانستان مکلفیت دارد تا مقررات دقیق را مورد اجرا قرار دهد و با این مکلفیت ها همکاری نماید.

75- کمیسیون حقوق بشر راه حل 2003/77، در مورد اوضاع حقوق بشر در افغانستان 25 اپریل 2003 بند 5. قانون افغانستان در حال حاضر شامل تعدادی از تحفظات حقوق بشر می‌گردد. بهر حال، سازمان عفو بین الملل این را درک نمود که یک آگاهی بسیاری ناچیز در میان قاضی ها در مورد آگاهی از این موادات قانون وجود داشت.

سرردگمی در مورد قانون جاری زمانی دشوارتر می‌گردد که محاکم به کمبود داشتن موادات قانونی و کتب قانون مواجه اند. تمام محاکمی که توسط سازمان عفو بین الملل ملاقات شد مجموعه کامل از قوانین را در اختیار نداشتند و فقط بسیاری از محاکم قانون جز و قانون ترفافی را در اختیار داشتند. IDLO کاپی های از قوانین جاری را فراهم نمود ولی منابع ندارد تا آنها را توزیع نماید و به محاکم برساند. ناکامی این که بتوان آموزش های حقوقی اسای و لازم را فراهم نمود، بر مشکلات افزوده است.

کمیسیون عدلی قضایی ضرورت اصلاحات قانونی را درک کرده و گروپ های کاری را تشکیل داده است، تا قوانین موجوده را مورد بازنگری قرار دهند، به شمول قانون اجراءت جزا و قانون جزا. یکبار که مسوده آن تکمیل گردید. کمیسیون عدلی قضایی این مسوده ها را به وزارت عدلیه ارایه خواهد کرد. زیرا این وزارت یگانه منبعی است که صلاحیت روی کار آوردن قوانین جدید را دارد. نه کمیسیون عدلی قضایی و نه هم وزارت عدلیه هیچ یک کدام متخصص در قوانین حقوق بشر بین المللی ندارند و کسانی هم که در موقف بازنگری قوانین قرار دارند نمی توانند که این قوانین را از دیدگاه قوانین بین المللی حقوق بشر مورد بازنگری قرار دهند. زمانی که سازمان عفو بین المللی از کمیسیون عدلی، قضایی در مورد صلاحیت موجود در بازنگری قوانین و یکسان سازی آن با قوانین بین المللی حقوق بشر صحبت کرد، کمیسیون عدلی قضایی جواب داد که " ما مسولیت مسوده را به بخش پانل قوانین واگذار می‌کنیم و سازمان عفو بین الملل کتاب چاپ شده اشرا بنام محاکمه منصفانه در اختیار آنها قرار داد. 76.

حکومت کانادا درین اواخر یک تیم از متخصصین اشرا در مورد مسوده های قانون (حقوقی) به وزارت عدلیه گسیل داشته است. اعزام این تیم می‌تواند بحث یک گام مثبت در اجرای امور بررسی گردد. بخصوص، سازمان ما به تعهداتی که مبنی بر ارسال متخصصین باشد تا بتوانند در یکسان سازی قوانین از لحاظ حقوق بشر کمک نماید. خیر مقدم می‌گوییم.

جزا های حدود در شریعت

قانون جزا برای جرایم چون زدی، زنا در ازدواج و قبل از آن از جزا های حدود کار گرفته. این جزا ها شامل پرداخت جرمانه و یا تلافی بالمثل از طرف قربانی برای جرایمی که بر علیه قانون شریعت می‌باشد در نظر گفته است. بطور مثال، جزای حد برای زنا، سنگسار می‌باشد که منجر به مرگ شخص متهم گردد. تعیین این جزا تقریباً بر تمام قضات مورد شناخت بود ولی آنها می‌گفتند جایی که شواهدی غیر قابل انکار موجود باشد. بدین لحاظ، قاضی های که با سازمان عفو بین المللی صحبت کرده اند از اجرای این جزا در صورتی که شواهد قانونی غیر قابل انکار وجود داشته باشد رد نکردند.

سزای مرگ

قانون جزا و قانون اجراءت جزا در حال حاضر برای قضایا و احوالات مخصوص سزای مرگ را می‌خواهد. سازمان ما عقیده دارد که سزای مرگ تخطی از حق زنده گی می‌باشد که مانند شکنجه روحی می‌باشد. آقای

کرزی در حال حاضر مهلت قانونی را در مورد سزای مرگ در نظر گرفته و این مواد نیز باید از قانون جزا حذف گردد.

ضمانت از محاکمه منصفانه

معیارهای شناخته شده قانون بین المللی حقوق بشر بطور واضح از داشتن محاکمه منصفانه صحبت می‌کند که باید در قانون جزا و قانون اجراء جزا مورد اجرا قرار گیرد. این ها شامل حقوقی چون حق آزادی و امنیت شخصی، حق داشتن محاکمه منصفانه، حق آوردن شخص بلا تاخیر به حضور قاضی، پرداخت دیعت یا غرامت در مقابل توقیف غیر قانونی و حق دفاع در مقابل اتهام می‌باشد. قانون اجراء جزا باید پروسه دقیقی را بسازد که یک توقیف شده ضمانت گردد بخصوص از حق چلنج کردن غیر قانونی بودن توقیف اش برای آنکه در قسمت توقیف اش بازنگری و شفافیت موجود باشد. عدم موجودیت پروسه موثر ای که بتواند قانونی بودن توقیف اش را چلنج کند، قاضی باید قادر باشد که امر رهایی و یا توقیف شخصی را در صورتی بدهد که غیر قانونی بودن آن ثابت گردد، این عمل برای قانون خیلی اساس می‌باشد.

7.5. پی‌شنهادات

ایجاد زمینه مناسب برای دفاع :

- ارزیابی همه جانبه دفاع: کمیسیون عدلی قضایی که توسط جامعه بین المللی حمایت می‌گردد، باید ارزیابی وکلای مدافع را در سراسر افغانستان بعهده گیرد تا وکلای مدافع مستقل را مورد شناسایی قرار دهد، به شمول آنانی که می‌خواهند در مسایل جنایی کار دفاع را بعهده گیرند. این بازنگری باید طبق نقشه جغرافیایی صورت گیرد و باید زمینه سازی گردد که تعداد آنها افزایش یابد در سراسر افغانستان.
- پروگرام های مساعدت قانونی: جامعه بین المللی باید تلاش های را برای کمک به توقیف شده گانی بخرج دهد که مشکل مالی داشته و نمی توانند مساعدت قانونی داشته باشند.

سازمان عفو بین المللی پی‌نهاد می‌کند که تا ایجاد یک انجمن وکلای مدافع افغان، این کمک ها باید از طرف وزارت عدلیه و به منظور اینکه بتواند بطور فوری ایجاد صلاحیت نماید، برای توقیف شده گان وکلای مدافع را در نظر گیرد.

- انجمن وکلای مدافع مستقل: جامعه بین المللی باید کمیسیون عدلی قضایی را حمایت کند که وکلای مستقل را برای داشتن انجمن مستقل تشویق کند تا شاهد عرض وجود انجمن وکلای مدافع مستقل باشیم.
- آموزش برای وکلای مدافع: LEC و IDLO به کمک جامعه بین المللی باید بطور فوری پروگرام آموزشی را برای وکلای مستقل در نظر گیرد. آموزش باید بالای کار دفاعیه که شامل مهارت های عملی چون تنظیم قضیه، دلایل قانونی و دفاع باشد گردد. جامعه بین المللی باید منابع مالی را تامین کند تا چنین آموزش های بحیث موضوع عاجل صورت گیرد.

بخش مساعدت های قانونی: جامعه بین المللی باید جهت ایجاد بخش مساعدت های قانونی در پوهنتون های افغانستان سعی ورزد به منظور اینکه علمیت لازم را در مورد کار دفاع از متهم در میان وکلای مدافع تازه وارد انکشاف دهد.

تعلیمات عامه: کمیسیون عدلی قضایی به کمک دستگاه های عدلی افغانستان و جامعه بین المللی باید پروگرام های تعلیمات عامه را در مورد سیستم عدلی جنایی انکشاف داده و توجه مخصوص را بر حقوق توقیف شده گان مبذول دارد بخصوص زنان در توقیف.

اصلاحات قانونی:

تدوین قوانین: به منظور تامین اینکه دی‌گر کدام تناقض در مورد قوانین بوجود نیاید، وزارت عدلیه به کمک کمیسیون عدلی قضایی و جامعه بین المللی باید پروسه تدوین قوانین را تسهیل بخشند.

انتشار قوانین: عدلی قضایی و جامعه بین المللی باید مساعدت های مالی را فراهم کند تا قوانینی که زیر کار اند بدون کدام تاخیر در اختیار محاکم و حقوق زنان قرار گیرد.
بازنگری قانون جزا و قانون اجراء جزا برای آنکه حق متهم بطور کامل تحفظ گردد:
قوانین جنایی باید بحیث یک موضوع عاجل مورد بررسی قرار گیرند که بطور کامل با مکلفیت های بین المللی افغانستان به شمول حق محاکمه منصفانه مطابقت داشته باشد. بخصوص، حق آزادی و امنیت افراد، حق اینکه بلا تاخیر به حضور قاضی آورده شود، و حق اینکه از خود در مقابل اتهام دفاع کند، هماهنگی داشته باشد. قانون اجراء جزا باید پروسه ضمانتی برای توقیف شده گان را نیز علاوه کند. بخصوص یک پروسه ای که بتواند غیر قانونی بودن توقیف اشرا چلنج کند و آنها در حضور قاضی ای که بتواند شخص را رها کند اگر توقیف غیر قانونی بود، اینکار برای شفافیت در توقیف و بازنگری عامه مبهم است.

• جایابی متخصصین حقوقی در وزارت عدلیه و کمیسیون عدلی قضایی:

سازمان عفو بین الملل حکومت کانادا را بخاطر اقدام نیک اش مبنی بر ارسال متخصصین حقوقی به وزارت عدلیه خیر مقدم می‌گوید. سازمان عفو بین الملل عقیده دارد که دی‌گر کشورهای کمک کننده بخصوص کشورهای اسلامی نیز فراهم آوری متخصصین قانونی را به وزارت عدلیه بخاطر ی‌کسان سازی قوانین مورد بررسی قرار دهند.

قانون اساسی

• جایگاه حقوق بشر در مرکز قانون اساسی جدید افغانستان: افغانستان مکلف است که تحت قانون بین المللی قانون اساسی جدید بسازد. مخصوصاً، قانون اساسی باید شامل ترکیبی از عدم تبعیض و تطبیق کننده مساوات برای مردم بدون در نظر داشت مسایل جنسیت مذهب و قومیت گردد. قانون اساسی باید طبق مکلفیت های قانونی بین المللی افغانستان باشد که رابطه با حق داشتن محاکمه منصفانه دارد. در صورتی که اینها تامین گردد، تمام افغانها قادر خواهند بود تا به حقوق شان دست یابند، قانون اساسی باید حق راه حل موثر را ضمانت کند. به شمول بازنگری قضایی، برای تمام آن حقوقی که در قانون اساسی درج است.

مشوره کابل به کمیسیون مستقل حقوق بشر در مورد قانون اساسی: در صورتی که افغانستان با مکلفیت های بین المللی اش در قانون اساسی جدید ی‌کسان گردد، کمیسیون قانون اساسی باید با متخصصین ملی و بین المللی بطور کامل مشوره کند بشمول کمیسیون مستقل حقوق بشر.

8. ناکام بودن در قسمت تحفظ از حقوق انسانی زنان

زنان قربانی جرایم در حال حاضر از دسترسی داشتن به عدالت محروم اند در افغانستان. سازمان عفو بین الملل اینرا در یافت که فقط چند مواخذه محدود بر علیه کسانی صورت گرفته که در مقابل زنان مرتکب جرم گردیده اند به شمول تجاوز جنسی، خشونت علیه زنان در خانواده، ازدواجهای اجباری و زیر سن قانونی زنان و دختران. هر گاه این قضایا به سیستم عدلی جنایی برسد، همیشه و کاملاً اینطور می‌باشد که هر گاه ی‌کزن یا دختر از مساعدت اعضای فامیل مرد و یا حمایت آنها برخوردار باشد، آنها در صورتی که این خوی‌شانوند مرد در موقفی یا مقامی باشد و یا هم قادر باشد که به جانبداری از زن در نزد پولیس، حارنوال و محکمه قضییه را دنبال کند.

خشونت بر علیه زنان در خانواده

در اینجا یک ناکامی وجود دارد تا بتوان بطور واضح در مورد خشونت با زنان در خانواده صحبت کرد. قانون جزا افغانستان هیچ موادی ندارد که تصریح کند خشونت در فضای شخصی نیز جرم پنداشته می‌شود. 77. بر علاوه، حتی در قضایای جدی، پولیس و محکمه در مسایل خشونت علیه زنان بحیث یک جرم نگاه نمی‌کنند. در نتیجه این فاکتورها، تنها قضایای گزارش دهی استند که محاکم خشونت علیه زنان را در خانواده در جریان طلاق و قبل از محکمه منی مورد غور قرار می‌دهد.

در دو قضیه طلاق که توسط سازمان عفو بین المللی نظارت گردید، زنان شکایت داشتند که آنها جسماً مورد سوء استفاده و خشونت شوهران شان قرار گرفته اند. در هر دو قضیه، قاضی موفق نشد تا چشم‌پوشی از خشونت جسمی داشته باشد و هیچ نوع اتهام جرمی متوجه شوهرش نگردید.

در یکی از قضایای قاضی به زن امر کرد که باید دوباره خانه شوهرش رفته و با او به تفاهم برسد. قاضی گفت که اگر آنها به تفاهم نرسیدند، در ظرف سه روز باید به محکمه باز گردند تا محکمه فی‌صله بر تفریق آنها کند. سازمان عفو بین الملل بررسی نمود که صلح نمودن در میان دو طرف یکی از موضوعات قابل ترحیح می‌باشد که در قضایای خشونت علیه زنان در خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرد و زنان بطور تکراراً به خانواده‌های بر گردانده می‌شوند که آنها را مورد خشونت قرار داده اند. 78.

بر علاوه، چنین به نظر می‌رسد که حتی در طلاق، خشونت بر علیه زن در خانواده بحیث یک اصل بخاطر طلاق پنداشته نمی‌شود. به هئیات سازمان عفو بین الملل چنین گفته شد که زخم‌ها باید از طرف قاضی بررسی گردد، اگر جدی بود و یا قاضی آنرا جدی یافت امر بر طلاق می‌کند. در یک قضیه طلاق، چنین گزارش گردید که زن توسط شوهرش در سرک لت و کوب گردید. و این شواهد توانستند که زن را در محکمه رفتن حمایت کنند. قاضی بطور مکرر می‌گفت که فقط بازوی زن کمی زخمی شده بود، حتی نشکسته بود. این موضوع دلیلی محکم بر ای طلاق بوده نمی‌تواند. بعضی از قاضی‌های که توسط سازمان عفو بین الملل مصاحبه شدند چنین گفتند که هر نوع عمل ای که خشونت بر علیه زن ثابت گردد، بر علیه شریعت خواهد بود. ولی ناکام بودند تا این عمل را جنایی جلوه دهند و یا حد اقل برای زن حمایت فراهم کنند که این موضوع زنان را ناتوان می‌سازد که قضایای شانرا به محضر محکمه بیاورند. متخصصین طبی ای که توسط سازمان عفو بین الملل مصاحبه شدند گفتند که ضعیف بودن زنان برای گرفتن طلاق با اطمینان از شوهران استفاده جو باعث از دید شدن خودکشی در میان زنان گردیده است، که بر می‌گردد به خشونت‌های داخل خانواده.

تجاوز جنسی

مواخذه در قضایای تجاوز جنسی کاملاً نادر بوده که سیستم عدلی قضایی آنرا مورد مواخذه قرار دهد. این به حیث اعلام عدم صلاحیت تحقیقات ریاست جنایی می‌باشد تا قضایای تجاوز جنسی را بطور دقیق مورد تحقیق قرار دهد. در حال حاضر در اینجا هیچ تسهیلاتی بخاطر تحقیقات روی مسایل جنسی وجود ندارد که برای تحقیق بر چنین قضایا جمع آوری آن مهم و بنیادی می‌باشد. در عوض آزمایش باکره گی، بی‌انات شواهد، هر گاه موجود باشد، در حال حاضر یگانه شواهدی می‌باشند که می‌توانند به مقابل محکمه در یک قضیه تجاوز جنسی آورده شوند. و فاکتورهای دیگری که قربانیان تجاوز جنسی را از شکایت باز می‌دارد اینست شکایت به یک مقام ترس این وجود دارد که بجای آنکه با آنها مانند یک قربانی رفتار شود، آنها بجرم اجرا عمل زنا مورد مواخذه قرار گیرند. سازمان عفو بین الملل با زنانی در محبس مصاحبه نمود که چنین گفتند: در اینجا بصورت عموم با زنان قربانی چون متهمین رفتار می‌گردد.

ازدواج‌های اجباری زنان و دختران و ناکامی در قسمت تعقیب قانون آن ازدواج‌های اجباری و زیر سن قانون در قانون ملی افغانستان جرم پنداشته می‌شود. 79. بهر حال، عمل ازدواج اجباری بر زنان و دختران جوان در افغانستان خیلی است. در حال حاضر، هیچ کامیابی بدست نیاورده تا با ازدواج‌های اجباری بحیث یک جرم برخورد صورت گیرد و این بر اثر روش کارمندان عدلی و هم اجتماع می‌باشد. یک زنی که در جلال آباد مصاحبه گردید به هئیات سازمان عفو بین الملل گفت، " این برای یک زن ناممکن است که در مورد ازدواج اجباری شکایت کند ... اگر یک زن شکایت کند از طرف فامیل اش کشته می‌شود. در دیگر مناطق افغانستان، جای‌ای که سازمان عفو بین الملل قضایای ازدواج اجباری را دریافت که به حضور محکمه آمده بود.

شواهدی وجود دارد که می‌گویند چنین قضیه ناکام گردیده و نتوانستند آنرا جرم تلقی کنند. بطور مثال، در یک قضیه کاملاً جدی، یک مادر بزرگ شاکی شد که دختر 8 ساله را به مرد 48 ساله ازدواج کرده بودند و زن افزود که نواسه اش به اجبار به عقد این مرد در آمده است. طبق قانون افغانستان، سن قانونی ازدواج 16 سال می‌باشد. محکمه از این که در مورد این قضیه ازدواج اجباری فی‌صله کند، راضی نشد و گفت این قضیه باید همانند قضایای طلاق مورد بررسی و طی مراحل کند.

پاورقی

77- قانون اجرائت جزا سال 1964 (1355) حمله کردن و قتل را عمل جنایی قلمداد کرده است. در اینجا ضرور است که مواد انتشار یافته در قانون که این جرایم را درج می‌کند مورد یکسان سازی قرار گیرد. که هرگاه در خانواده باشد، این عمل جرم بوده و ارتکاب به جرم محسوب می‌گردد.
78- طبق گزارش‌های واصله، این روش در قضاوت‌های غیر رسمی نیز پسندیده می‌باشد.

8.2. مواخذه زنان و دختران بجرم زنا

در بسیاری قسمت‌های افغانستان، جای‌یکه یک تاکیدی بسیار قوی در مورد مواخذه زنان و دختران بخاطر زنا وجود دارد، فرار از منزل و داشتن روابط جنسی قبل از ازدواج. طبق قانون افغانستان، زنا یک عمل جرمی بوده که به جزای حد اکثر ده سال حبس محکوم شده و یا جای‌یکه شواهد دقیقی موجود باشد، اجرای حدود سنگسار بر آن لازم می‌گردد. 80.

در اینجا هیچ اساسی برای جرم فرار از منزل وجود ندارد در قانون مدنی قاضی‌های که به سازمان عفو بین الملل گفتند که جرایم استوار بر قانون اسلام می‌باشد. قاضی گفت برای یک دختر که به جرم فرار از منزل محکوم گردد، ضرور نیست که او مرتکب عمل جنسی شده باشد یا خیر. یک زن و یا دختر شاید بجرم فرار از منزل مقصر شناخته شوند خواه از منزل خودش فرار کرده باشد خواه از منزل شوهرش. در صورت موجودیت قانون مدنی و اساسی برای فرار از منزل روابط جنسی نامشروع بحدیث جرم زنا در افغانستان پنداشته می‌شود.

سازمان عفو بین الملل یک تعداد قضایای را دریافت کرده که مردان متهم به زنا و یا محکوم به این جرم می‌باشند، سازمان ما اینرا مسند نمود که سیستم عدالت جنایی بی‌شتر در مواخذه نمودن زنان بجرم زنا تاکیدی دارد.

هنی‌ات سازمان عفو بین الملل با بی‌شتر از چهل زن در ولایات کابل، هرات و مزارشریف مصاحبه نموده که فقط بجرم زنا در محبس به سر می‌بردند. در محبس مرکزی سازمان عفو بین الملل 61 زن را ملاقات نمود که فقط بجرم زنا حبس و محکوم گردیده بودند. اکثریت این زنان محکوم بودند که از خانه فرار نموده اند یا قبل از ازدواج روابط جنسی داشته اند. درین منطقه چنین تحقیقات بر علیه زنان و دختران توسط پولیس اجرا می‌شود، البته آنها گزارش شانرا از جاسوسان بدست می‌آورند که زنانرا تعقیب می‌کنند، در بعضی قضایا، حتی آنها وادار به اجرای آزمایش باکره گی می‌گردند. در دیگر مناطق سازمان ما هیچ زن و دختری را نیافت که بجرم زنا حبس شده باشند. بطور مثال، در جلال آباد، سازمان ما بطور مکرر اطلاع حاصل کرد حتی از طریق مشاورین حقوقی و دوکتوران که هیچ‌گاه در این ولایت قضیه زنا به پولیس گزارش نمی‌شود، فامیل‌ها خودشان با چنین قضایا برخورد می‌کنند که در نتیجه زن و یا دختر از طرف فامیل کشته می‌شود.

در یک منطقه دیگر شواهدی وجود دارد که فامیل‌ها اکثرآ تعقیب و یا تحقیق در مورد قضایای جرایم زنا را آغاز می‌کنند. بطور مثال، سازمان عفو بین الملل قضیه ای‌یرا در درج نمود که یک دختر 18 ساله بعد از آنکه از ازدواج نمودن با پسر کاکایش انکار نمود که طبق می‌ل خانواده اش بود. دختر به خانواده اش گفت که کس دی‌گری را دوست دارد. بجواب مقاومت دختر بخاطر ازدواج با پسر کاکایش، فامیل دختر پولیس را در جریان قرار داده و دختر را دستگیر کردند. این دختر دوباره مجبور شد که تحت آزمایش باکره گی و حمل

قرار گیرد، زیرا وی بجرم زنا حبس گردیده بود. در مورد این قضیه، نماینده کمیسیون مستقل حقوق بشر، نگرانی شدیدی اشرار درین قضیه ابراز داشته و در مورد اجرای آزمایش با کره گی و اهمیت نتیجه آن ابراز نگرانی کرد. در همین قضیه برای محکمه ابتدائیه که یکماه بعد از توقیف دختر صورت گرفته بود، قاضی امر به "سنگسار" نمودن دختر کرد.

همچنان، سازمان عفو بین الملل قضایای را درج نمود که زنانی متهم به زنا قبل از ازدواج بودند. ولی تعداد زیادی از اینها زنانی بودند که بخاطر مرتکب به جرم زنا محبوس بودند و ازدواج شده. اکثریت این دختران و زنان جوان ای که ازدواج کرده بودند با سازمان ما مصاحبه نمودند که آنها را اجباراً به ازدواج کسی در آمده بودند و با هم آنها توسط فامیل هایشان در سنین پائین فروخته شده بودند. بسیاری از دختران تحت توقیف گفتند که آنها مرتباً قربانی خشونت های جنسی و جسمی بوده اند توسط شوهرانشان، و دین لحاظ آنها خانه هایشان را ترک کرده اند البته به کمک مردان دیگری.

پاورقی

فصل 7 و 8 قانون جزا 1976 (1355)
80- ماده 429 - 426 قانون جنایی افغانستان (1355)

بطور مثال، در یک قضیه ای که سازمان عفو بین الملل درج نمود که یک دختر 14 ساله که بجرم فرار از منزل در حبس بود به سه سال حبس محکوم شد. این دختر به سازمان عفو بین الملل چنین گفت: " زمانی که وی 13 ساله بود مجبور شد که با پسر کاکایش ازدواج کند، و بعد از آن وی مرتباً مورد خشونت جسمی قرار می گرفت. در یک قضیه دیگری فرار از منزل، یک دختر یکسال بعد از ازدواج با مرد دیگری از خانه شوهرش فرار کرد. در جریان محاکمه، او هیچگونه دفاعی فراهم نکرده بود و با هم هیچ انسان بالغی به او کمک نکرد و در نتیجه او شدیدی ترین جزا را گرفت که اینکار ناکامی محکمه را نشان می دهد، بدون آنکه به ریشه یابی و عوامل اینکار که در اصل همان ازدواج اجباری توسط فامیل بود پی ببرند و مخصوصاً مشکلات بعدی که شامل خشونت های خانواده گی جسمی و جنسی می گردد پی برند.

در یک قضیه دیگری هئیت ما با یک دختر 16 ساله مصاحبه نمود که از شوهر 85 ساله اش فرار نموده بود، این دختر زمانی که 9 ساله بود مجبوراً به عقد این مرد در آمد. این دختر گفت: " که بعد از پنج سال زنده گی مشترک وی بدین نتیجه رسید که نمی تواند بدین وضع ادامه دهد، پس خانه شوهرش را ترک نمود و به کمک مرد دیگری فرار کرد. این دختر به دویم سال حبس محکوم گردید، بجرم زنا، وی گفت که در جریان محکمه قاضی مکرراً از او خواست که او را در صورتی رها خواهد کرد که دوباره بخانه شوهرش برگردد. درین قضیه مردی که با دختر فرار کرده بود بعد از پنج ماه زندانی رها گردید.

سازمان عفو بین الملل که با بیش از 20 زن و دختر متهم به زنا مصاحبه کرد و دریافت که آنها ازدواج اجباری داشته اند. در هیچ یک از قضایای ما نیافتیم که مقامات کسانی را که مسوول ازدواج های اجباری اند مورد مواخذه قرار داده باشد. بر علاوه، شواهدی نیز در دست است که قاضی ها همیشه ناکام اند زیرا آنها به سوابق خانواده گی متهم در چنین قضایا رجوع نمی کنند که شامل نوعیت شکنجه جسمی و جنسی در خانواده ها می باشد.

برعلاوه، سازمان عفو بین الملل دریافت که بجای آشکار نمودن ازدواج های اجباری در سنین پائین، در بعضی قضایا قاضی امر می کنند که دختران باید ازدواج کنند. رئیس محکمه اختصاصی اطفال در کابل گفت، هر گاه یک دختر عروسی نشده متهم به فرار از منزل باشد، محکمه در جزا زمانی تخفیف می دهد که دختر موافقه به ازدواج به همان مرد نماید. زمانی که هئیت ما تذکر دادند که سن قانونی ازدواج 16 سال است رئیس محکمه اختصاصی اطفال گفت، ما می دانیم که اینکار غیر قانونی است، بهر صورت راه حل پیشنهادی ما همانا ازدواج است. " همان قاضی بعداً گفت که این ضرور نیست که دختر متهم به جرم را رها کرد، زیرا امکان دارد این دختران از طرف خانواده هایشان به قتل برسند.

در تمام قضایای که زنان و دختران متهم به زنا بودند، سازمان ما اینرا دریافت که این زنان از داشتن محاکمه منصفانه محروم بوده اند. مخصوصاً زنان و خترانی که برای مدت های طولانی در حالت بی سر نوشتی بسر میبرند و هیچ چانسی به آنها داده نمی شود تا از خود دفاع کنند و یا دفاعیه حاضر کنند. مخصوصاً نگرانی شدیدی در مورد این وجود دارد که هیچ کس به فکر سن و سال این دختران و به فکر حمایت از آنها و به فکر دفاع از این اطفال نیست.

برعلاوه، در قضایای که درج گردید در نتیجه محکومیت ها، سازمان ما پولیس و حارنوالان را در اجرای تحقیقات موثر در مورد چنین اتهامات ناکام یافت زیرا آنها نمی توانند شواهد و گواه های لازم را به محکمه ارایه دهند.

پاورقی

81- این باید تذکر یابد که به ندرت زنی پیدا میشود که به کمک مرد دیگری خانه اثرا ترک کند که شاهد خشونت ها بوده است و اینکار بنابر معضلات اجتماعی و اقتصادی میباشد.
به گزارش دفتر مدی کال موندیال توجه شود. محو شدن با عنعنات: "زنان و خترانی که در توقیف خانه ولایت کابل بسر میبرند،" مارچ 2003 صفحه 23.

مجرم شناختن زنان و دختران قربانی جرایم

یک آزمایش از نتیجه گیری قضایای که در مورد زنان و دختران متهم به جرم زنا میباشند، مخصوصاً سوابق فامیلی شخصی، نشان دهنده ضعف سیستم عدلی قضایای افغانستان در مجرم سازی طبقه اناث که قربانی جرایم اند میباشد. بطور مثال، یک دختر 14 ساله به جرم زنا به دو سال حبس محکوم گردیده بود. این دختر به سن 12 سالگی مجبور به ازدواج شده بود، بعداً از خانه شوهر بخاطر خشونت فرار کرده و بدام فحشاء افتاد. این دختر در سلولی زندانی گردید که در آنجا زندانی که او را تشویق کرده بودند محکوم گردیده بوده و در عین سلول بسر میبردند.

زمانی که سازمان ما از مقامات محبس در این مورد سوال کردند، آنها گفتند که دختر خودش بخواست خود به فحشاء نرفته بوده است. و در حقیقت مقامات در یافته بودن که این دختر یک قربانی است، ولی آنها هیچ کاری را بخاطر بازنگری قضیه این دختر نکردند.

در یک قضیه دیگری ای که یک دختر 13 ساله به جرم زنا توقیف شده بود. این دختر گفت که وی توسط نامزدش به دلال های مواد مخدر عرصه گردید زیرا نامزدش از این دلال ها قرضدار بود. وی گفت: " او را با دلال های مواد مخدر دستگیر کردند بجرم روابط جنسی نا مشروع با آنها. مقامات محبس گفتند که آنها از قضیه آگاهی دارند، ولی سازمان ما موفق نشد تا دریابد که آیا دلال های مخدر و یا نامزد دختر نیز دستگیر و توقیف شده است یا خیر؟

مجرم شناختن زنان ای که قربانی جرایم اند از جایی ریشه میگیرد که باعث اجرای عمل زنا میشود. عدم موجودیت حساس بودن جنسیت در قسمت پولیس و مقامات عدلی باعث شده که فقط عدالت بالای زنان و دختران تطبیق گردد. قاضی ها و حارنوالان مرد که با سازمان عفو بین الملل صحبت کرده اند چنین معلوم شد که آنها هیچ آگاهی از مساوی جنسیت ندارند که میتواند در زنده گی زن تاثیر بگذارد، به شمول خشونت ها جسمی و جنسی. برعلاوه، در محکمه و در صحبت های که مربوط به قضیه زنان میشود، تعدادی از قضات، تبعیض آشکار داشته و حتی زنان را تحقیر می کنند. بطور مثال، در جریان یک محاکمه طلاق که هنیات سازمان عفو بین الملل ناظر آن بود، زن وقتی ادعا کرد که از طرف شوهرش مورد خشونت جسمی قرار گرفته است، قاضی او را مورد تمسخر قرار داد.

بعداً به زن موقع داده شد تا در حضور محکمه صحبت کند، قاضی خندی و به زن امر کرد تا چادری اش را بردارد. زن نمی خواست اینکار را بکند، بعداً قاضی جبراً چادری را از روی زن بالا کرد و باعث تحقیر و توهین در محضر گردید.

8.3. پی‌شنهادات

- **اصلاحات قانونی که حقوق بشری زنان را حمایت کند:** حکومت انتقالی افغانستان با جامعه بین المللی باید بطور فوری قانون اساسی جدید را بسازند که تضمین کننده مقررات با همخوانی کامل باقانون CEDAW باشد و هم مواد ICCPR که متضمن مساوات و بدون تبعیض باشد. بخصوص، اقدامات روی دست گرفته شود تا خشونت علیه زنان که شامل تجاوز جنسی، "بد" دادن زنان بخاطر حل منازعات و یا بحدیث دیعت، ازدواج اجباری بحدیث جرم محسوب گردد. دولت اسلامی انتقالی افغانستان باید قوانینی را منسوخ کند که شامل جرم زنا می‌باشد و باعث تبعیض در میان زنان و دختران می‌گردد و آنها را اکثراً بخاطر زن بودن شان حبس می‌کنند. تعقیب قانونی در مورد قربانیان بخاطر تجاوز جنسی که جز از مظالم و رفتارهای ضد کرامت انسانی است می‌گردد.
- **ایجاد صلاحیت ها در سیستم عدلی، جنایی بخاطر تحفظ حقوق انسانی زنان قربانی و متهم :** صلاحیت ها باید طوری انکشاف یابد که جز از اجرائت قانون و سازمان های عدلی گردد، تا متضمن آن باشد که سیستم عدلی جنایی قادر است که بطور موثر بتواند مرتکبین خشونت بر علیه زنان را پای میز عدالت بکشاند. به شمول ازدواج های اجباری. سازمان عفو بین الملل تاکید می‌ورزد که دولت اسلامی انتقالی افغانستان به کمک جامعه بین المللی، هرگاه جرمی را بر علیه زنان انجام می‌دهند، باید که تحت تحقیقات و تعقیب عدلی قرار بگیرند. همچنان، باید پروگرام های آموزشی برای پولیس، حارنوالان و قضات در نظر گیرند. بر علاوه تمام پروگرام ها باید شامل آموزشهای لازم در مورد نحوه برخورد با زنان قربانی و متهم گردد. دولت اسلامی افغانستان باید کد سلوکی را برای کارمندان عدلیه و مجریان قانون فراهم نماید و طوری ساخته شود که هدف آن تامین احترام و تحفظ برای زنان قربانی و یا متهم باشد. می‌کانشیم های موثر نظارتی باید طوری درست شود که این کد سلوکی مورد احترام قرار گیرد. زنان و دخترانی که خشونت بر علیه شان در خانه سورت می‌گیرد باید در مقابل تخلفات اجتماعی حمایت گردند. مکان های باید در نظر گرفته شود تا زنان و اطفال در آنجا حمایت گردد. چذین مکان ها باید در سراسر کشور موجود باشد با همه امکانات و با آموزش های قانونی و مساعدت های حقوقی در تماس باشند.
- **معیارهای مثبت برای از دیاد بخشی دن تعداد پولیس قاضی و حارنوال از طبقه اثاث :** عدم دسترسی داشتن زنان به عدالت و تبعیض بر علیه زنان در سیستم عدلی قضایی اکثراً بخاطر کمبود زنان مسلکی می‌باشد که باید در سیستم عدلی جنایی افغانستان کار کنند. CEDAW و ICCPR یک مکلفیت را بر حکومت انتقالی افغانستان گذاشته که بر مبنای آن باید جایگاه زن را در اجتماع حفظ کنند.
- **سازمان عفو بین الملل به حکومت انتقالی اسلامی افغانستان تاکید می‌نماید که به کمک جامعه بین المللی برای زنان زمینه اشتغال و تقرری رادر پولیس و سیستم عدلی فراهم نمایند.** دولت اسلامی انتقالی افغانستان باید متضمن اقدامات مؤثری می‌باشد. که تعداد زنان را در تقرری به پولیس و عدلیه از دیاد نمایند.
- **تامین تمرکز جامعه جهانی بخاطر حقوق زنان:** تلاش های جهانی بخاطر بازسازی و اصلاحات سیستم عدلی جنایی در افغانستان با کمی تاکید در مورد تحفظ حقوق زنان همراه بوده است. جامعه بین المللی باید معیارهای را روی کار آورند تا از انجام تخطی های جدی از حقوق بشری زنان و دختران جلوگیری بعمل آید. و این معیار باید با استراتژی اصلاحات عدلی همخوانی داشته باشد که شامل تمام فعالیت های انجام شده کمیسیون عدلی قضایی و تمام دستگاه های عدلی می‌باشد. مخصوصاً، اقدامات باید روی دست گرفته شود تا به معافییت ها خاتمه داده شود که در آن خشونت بر علیه زنان نیز شامل است. بر علاوه، جامعه بین المللی نباید در اعمالی که سیستم عدلی قضایی موجود در تبعیض با زنان قرار دارد، چشم پوشی، کمک و یا آنرا صحت گذارد.

9. سیستم عدلی غیر رسمی

در اینجا یک وابستگی کامل به سیستم عدلی و غیر رسمی در افغانستان وجود دارد. میکانیزم غیر رسمی عدالت بنام جرگه ها و شوراهای قابل شناخت بوده و کاملاً در تناقض با یکدیگر اند. 82. همچنان در اینجا انواع مختلف رسوم منطوقی است که جاگزین سیستم عدلی قانونی گردیده، البته اینکار توسط جمعیت های محلی صورت گرفته که در مناطق مختلف افغانستان سکونت دارند. 83. جرگه و شوراها می توانند که بحیث یک میکانیزم الترناتیف گسترده جهت راه حل تنازعات بشمار رود. این جرگه و شورا متشکل از مردانی می باشد که ساکنین اصلی همان اجتماع و منطقه باشند و بتوانند مشکلات همان منطقه را حل کنند، که شامل منازعات بر سر زمین، خانه، مشکلات خانواده گی و جرم می باشد می گردد. در قسمت تصمیم گیری، جرگه و شوراها از قوانین مختلف استفاده می کنند که شامل قوانین شرعی و عنعنوی افغانستان می گردد.

تاکید برای ایجاد میکانیزم غیر رسمی و غیر عدلی بخاطر حل منازعات، یک عکس العمل به اجرای مدل های عدلی که از خارج آورده شده می باشد که توسط افغانها درست شده زیرا آنها قادر نبوده اند تا بشکل دقیقی در علایق عدلی سهم بگیرند. باز هم بخاطر عدم اعتماد به سیستم عدلی رسمی که توأم با تاخیر کردن در احیای مجدد سیستم عدلی رسمی می باشد یکی از عواملی است که مردم وابستگی شدیدی به سیستم عدلی غیر رسمی (محلی) دارند و در مناطق زیادی اینکار صورت می گیرد.

ساختار جغرافیایی بسیاری از مناطق افغانستان و عدم موجودیت محاکم بدین معنا است که در حال حاضر، جرگه و شورا یگانه میکانیزم قابل دسترسی به عدالت می باشد که در بعضی از مناطق وجود دارد. روابط میان سیستم عدلی رسمی و غیر رسمی نیز کاملاً از همدیگر فرق دارند در بعضی مناطق روابط خیلی محکمی میان سیستم عدلی رسمی و غیر رسمی وجود دارد، بطور مثال، در ولایت ننگرهار واقع در شرق افغانستان محاکم ابتدایی از کار کردن بالای قضایای انکار می نمایند که به جرگه ها نرفته باشند، خواه قضیه جنایی باشد یا حقوقی بطور مثال، در هرات قاضی ها گفتند که آنها هیچ وقت قضایا را به جرگه و یا شورا ارسال نمی کنند. زیرا این دو با هم هیچ روابط ندارند در حال حاضر، روابط میان سیستم عدلی رسمی و غیر رسمی صلاحیت سیستم غیر رسمی بطور گسترده ای نا منظم است.

بهر صورت، قانون های که در افغانستان قابل اجرا است صلاحیت های بی شمار دارد. 84. در اینجا عدم توافق میان کمیسیون عدلی قضایی و دستگاه های عدلی افغانستان وجود ندارد و جامعه بین المللی بالای نقش آینده میکانیزم های غیر رسمی و غیر عدلی رو برو خواهد شد. کمیسیون عدلی قضایی اظهار نمود که عقیده دارد یکبار سیستم عدلی ایجاد گردد، در اینجا شاید هیچ ضرورتی برای جرگه ها شورا نباشد. بهر صورت بسیاری از قاضی های عالی رتبه گفتند که جرگه و شوراها باید موجود باشد، زیرا اینها نقش کلیدی را در عدالت افغانستان بازی می کنند. موقف یوناما در مورد سیستم عدلی و غیر رسمی دور از تصور و یا شفافیت بود.

9.1. تخلفات حقوق بشر در نتیجه فیصله های سیستم عدلی و غیر رسمی

شرکت در میکانیزم های عدلی غیر رسمی در موضوعات جنایی می تواند راهی باشد برای دست زدن به تخلفات شدیدی حقوق بشر که شامل منع کردن از داشتن محاکمه منصفانه، بر علاوه، در موارد قضایا توسط میکانیزم های غیر عدلی بررسی می گردد، شاید به اعمال چون شکنجه، ظلم، رفتار و جزایا ضد انسانی، غلامی و یا تبعیض منجر گردد. سازمان عفو بین الملل نگران است که دخیل بودن میکانیزم های غیر عدلی در قضایای جنایی در شرایطی که هیچ حمایت پروسه و یا تحفظی وجود ندارد تا از تخطی های که در مقابل حق متهم صورت می گیرد جلوگیری کند. در حال حاضر، بدون موجودیت نظارت منظم و سیستماتی، این معلوم نیست که تمام اعمال انجام شده با جرگه ها و شوراها مطابق با معیار های بین المللی باشد، یکی آن محاکمه منصفانه می باشد. بهر حال، گزارشهای نیز بدست آمده که در بعضی مناطق چون بدخشان

واقع در شمال شرق افغانستان می‌کانیوزم های غیر رسمی عدلی توسط افراد مسلح اداره می‌گردند. آنها بخاطر آنست که از کم قدرت شدن خود جلوگیری کنند. در چنین حالات نگرانی شدیدی وجود دارد که حق شخص متهم به جرم در می‌کانیوزم های غیر رسمی نتواند حفظ گردد.

تخطی از حقوق زنان و دختران:

سازمان عفو بین الملل نگرانی از آن دارد که آنها می‌تواند که ضروت به تحفظ سیستم رسمی دارند، بخصوص زنان و اطفال، قربانی تخطی از حقوق بشر می‌گردند. اگر تصمیم توسط محاکم غیر رسمی گرفته شود، زیرا در آنجا کدام پروسه قابل شناسایی وجود ندارد که مطابق به قوانین بین المللی حقوق بشر باشند. سازمان یکتعداد قضایای را نیز یادداشت نمود که دختران و زنان از حقوق بشری شان محروم گشته اند، زیرا همین محاکم غیر رسمی در مورد آنها تصمیم می‌گیرند.

مخصوصاً سازمان ما در مورد تخطی های حقوق بشری نگرانی دارد که در نتیجه همین محاکم غیر رسمی بوجود آمده اند.

در مزارشرف، جلال آباد و هرات مقامات عدلی توقیف شده گان و بعضی از اعضای جرگه های محلی گزارش داده اند که هر گاه قضیه توسط جرگه حل گردد، جرگه تصمیم می‌گیرد که فامیل قاتل دختر جوانی را بحدیث خون بها به فامیل مقتول بدهند.

پاورقی

- 82- جرگه کلمه پشتو است که برای تجمع افراد برای مشوره می‌گویی. شورا کلمه همنای آن به دری است. معمولاً هر دو کلمه برای بزرگان قبیله و شورا استفاده می‌شود.
- 83- تاکیی بخاطر جرگه در مناطق پشتون ها خیلی قابل قدر و کارگر است.
- 84- ماده 98 قانون اساسی 1964 و ماده 4 در مورد قانون صلاحیت و تشکیول محاکم سال 1335.
- 85 - فامیل گفتند که دختران در سنین 8 ساله و 15 ساله قرار دارند.

اکثراً این دختر زیر سن قانونی ازدواج می‌باشند و این کار بههف دیعت ویا خون بها انجام می‌شود. این دختر که بخاطر خون مجبور گردیده تا ازدواج نماید و یکی از اعضای فامیل مقتول را به شوری قبول کند. در یک قضیه ای که سازمان عفو بین الملل آنرا درج نمود، عضو فامیل مظنون ب قتل گفت که وی مجبور است برای فامیل مقتول دو دختر را بدهد که بتواند جبران خون مقتول به فامیل باشد. 85

سازمان عفو بین الملل شدیداً نگران است که افعال عنفوی افغان ها که مشهور به "بذ" دادن است عین غلامی و تبعیض و هم چنان دوام برای شکنجه، ظلم و رفتار ضد انسانی می‌باشند. سازمان ما هم چنان نگران است که بعضی از اعضای جامعه بین المللی می‌خواهند که بصورت فعال کار جرگه ها را رسمیت بخشند. جرگه های که عامل بد دادن هستند. بفرض مثال، سازمان ما با افسر سیاسی یو نا ما مقیم مزارشرف صحبت نمود، زیرا آنها همکاری تنگاتنگ با جرگه های محلی دارند که امر تبادل زنان را در بعضی از قضایا صادر می‌کنند. زمانیکه هیئت سازمان عفو بین الملل از افسر امور سیاسی یو نا ما سوال کرد که آیا آنها در مورد کار جرگه ها نگرانی دارند و یا با این گونه مسائل مخالفت دارند؟ وی در جواب گفت " من با قضایای زنان سرو کار ندارم."

این موضوع نه تنها نشان دهنده عدم حساس بودن بعضی مقامات یو نا ما را نشان می‌دهد بخصوص در مسایلی چند، بلکه نمایانگر عدم نگرانی یو نا ما در مسایل تخطی های مختلف حقوق بشر می‌باشد که در نتیجه می‌کانیوزم های غیر عدلی بوجود آمده است.

سازمان عفو بین الملل همچنان نگران است که می‌کانیوزم عدالت غیر رسمی، نماینده جامعه بوده، بلکه نتیجه کار گرویی است که قادر نیستند مشکلات جامعه شانرا به آنها راجع بسازند. جرگه و شوراها در سراسر افغانستان توسط مردان انحصار گردیده است، که در نتیجه آن زنان قادر نیستند که بدون حمایت و کمکی

اعضای فامیل منکر شان به این می‌کنایزم غیر رسمی دست یابند. هم چنان شواهدی وجود دارد که زنان در مسایل میراث، زمین و ملکیت و ازدواج با تبعیض بر می‌خورند. عدم موفقیت جرگه و شور اها در مورد زنان ایغست که اکثر مردانی که مرتکب جرایم بر علیه زنان می‌گردند با آنها به معافیت برخورد می‌گرد.

9.2. بی‌شهادت

- بازنگری گسترده باید در مورد سیستم عدلی به غیر رسمی صورت گیرد:

باید تلاش های صورت گیرد تا سیستم عدلیه افغانستان باید شامل یک تحویل در باره می‌کنایزم موجود عدالت غیر رسمی صورت گیرد. بازنگری بر سیستم غیر رسمی که شامل اختلاف در چینی می‌کنایزم ها استفاده مکرر و اعمال نا پایداری که توسط آنها صورت می‌گیرد در اختلاف به اسخ اثیری سیستم عدلی جنایی می‌باشند. این بازنگری باید شامل ارزیابی گردد که ایا مراحل و قوانین اش مطابق به قانون حقوق بشر است یا خیر که محاکمه منصفانه، منع شکنجه روحی و جسمی و رفتار غیر تبعیض جز آن می‌باشند. مخصوصا توجه خاص باید به حقوق زنان و دختران تحت قانون ملی و بین المللی مبذول گردد.

- **تنظیم نمودن سیستم عدالت غیر رسمی:** صلاحیت های سیستم غیر رسمی باید در قانون درج گردد و اینکار در صورتی انجام شود که هر نوع اختلاف با نقش می‌کنایزم عدلی و قضایی رسمی افغانستان را از میان بردارد. روابط میان سیستم غیر رسمی و رسمی سیستم قضایی باید در قانون درج گردد. در صورتی که مکلفیت های شانرا بخاطر تحفظ حقوق بشر انجام دهند، دولت افغانستان باید به جرگه ها و شور اها در صورتی اجازه فعالیت دهد که فیصله های آن مطابق قوانین حقوق بشر باشند. هرگاه این نتواند به همین شکل ایجاد گردد پس این عدالت های غیر رسمی باید ملغی گردد. در تمام قضایای که جرگه و شور اها مرتکب تخلف های حقوق بشر می‌گردند باید مستقیما مورد بازپرسی قرار گرفته کسانی که در آن شرکت دارند پای میز عدالت بکشاند.
- **جرم بودن تبادل دختر:** تبادل دختر بحیث راه حل منازعه در اجتماع وی در موارد جرایم، یک تخلف از قانون حقوق بشر به شمار میرود. این نوع افعال باید بصورت فوری خاتمه یافته و تبادل دختر باید در قانون افغانستان جرم شناخته شود.
- **پخش معلومات در مورد سیستم عدالت رسمی:** به منظور این‌که سیستم عدالت رسمی تقویه گردد و حق مردم را طوری تامین نماید که بدانند چطور به عدالت دسترسی پیدا کنند، یک کمپاین گسترده باید در مورد آگاهی سیستم قانونی و رسمی صورت گیرد. این باید شامل تاکیدی بر قوانین بین المللی حقوق بشر گردد.
- **رسیدن به مناطق دور افتاده:** سیستم عدلی رسمی باید در تمام مناطق دور دست گسترش یابد. تمام اعضای سیستم عدالت رسمی که شامل قضا و پوایس می‌گردند، باید به آنها امکاناتی فراهم گردد تا بتواند در مناطق دور افتاده نیز فعالیت کنند. به اعضای مجامع دور افتاده باید معلومات فراهم گردد که چطور میشود آنها به سیستم عدالت دسترسی پیدا کنند. بر علاوه مردان و زنان این مناطق دور افتاده باید در مورد اصلاحات قانونی نظر بدهند.

10. **تاخیر در خاتمه دان به معافیت ها:** در بیش از یک ربع قرن که جنگ های مسلحانه در افغانستان ادامه دارد. هم افغانها و هم اعضای جامعه بین المللی قربانی تخلفات حقوق بشر در حد گسترده می گردیدند. در حقیقت فقط چند خانواده از این تخلفی ها متضرر نگردیده اند.

معلومات بدست آمده از زمان تجاوز روس ها در افغانستان از دهه هشتاد، جرایم بین المللی جنگی و جرایم علیه بشریت توسط اعضای دولت کمونیستی افغانستان صورت گرفت. طالبان و مجاهدین و دیگر افرادی که اعضای گروپ های مسلح بودند. جرایمی را که شامل قتل، مقود الاثر شدن، حبس نمودن و انواع دیگر محرومیت های فیزیکی و محروم سازی از آزادی که معایر با قوانین بنیادی بین المللی می‌باشند و هم چنان اعمالی چون شکنجه، تجاوز جنسی، خشونت های جنسی و موافقه بخاطر مسایل سیاسی، جنسی و غیره صورت گرفت.

در 23 سال گذشته، سازمان های بین المللی و غیر حکومتی تخطی های شدید حقوق بشر که شامل جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت که در افغانستان ارتکاب گردید، درج نمودند. 86. در سه ماه اول کار کمیسیون مستقل حقوق بشر حد اقل 800 شکایت از افراد بدست آوردند.

این افراد شکایت نمودند که اعضای فامیل آنها قربانی تخطی های حقوق بشر گردیدند که شامل جرایم تحت قانون بین المللی مانند شکنجه و اعدام های بدون محاکمه می گردد. جرایم گسترده یی که در مورد تخطی های حقوق بشر و جرایم بین المللی ای که در طول 23 سال جنگ صورت گرفته گزارشگر مخصوص، قتل ها و اعدام های غیر قانونی، خودسرانه و صحرایی چذین می نویسد که در یک نمونه توقیف خودسرانه، قتل های غیر قانونی، قتل عام افراد ملکی، استفاده ناجایز، فشار بی اندازه در جریان عملیات های نظامی و طبق گزارشات بدست آمده در مورد قتل ها که در گذشته مرتکب گردیده بود توسط همین گزارشگر مخصوص بحیث جرایم علیه بشریت شناخته شده. 87.

در پهلوی جرایم جنگی بی شمار، جرایم علیه بشریت و دیگر تخطی ها جدی از حقوق بشر که در افغانستان صورت گرفت، معافیت های دوامدار باعث گردید تا قربانیان نتوانند بطور دوامدار به عدالت دست بیابند. تامین عدالت و پرداخت غرامت کامل برای قربانیان پیشمار تخطی های حقوق بشر ضروری است و تخطی های که در افغانستان صورت گرفته است. بر علاوه، خاتمه دادن به معافیت ها برای آبادی افغانستان ضروری است تا آینده ای را بسازد که استوار بر احترام به قانونیت بوده و از تکرار جرایم تحت قانون بین المللی خودداری گردد. قسمی که سر منشی ملل متحد کوفی عنان در این اواخر گفت: زمانی ما می گویم که بخاطر صلح، عدالت باید کنار گذاشته شود. این حقیقت دارد که عدالت تنها می تواند زمانی بوجود آید که جامعه در صلح و امنیّت بسر برد. و ما آمده ایم که اینرا نیز بدانیم. رفتن به گذشته نیز یک حقیقت است: بدون عدالت نمیتواند صلح بوجود آید. 88.

پاورقی

86- سازمان عفو بین الملل " افغانستان حقوق بشر را آجندا می سازد. AI Ind ex:ASA 11/03/2001 افغانستان! کشتار جمعی ی کاونگ، ASA 11/008/2001 افغانستان: اعدام ها در پنجشیر ASA 11/004/2001 افغانستان اطفال از بین رفته در جنگ، نسل فراموش شده افغانستان ASA11/013/1999 زنان در افغانستان در گرو مبارزه قدرت مردان، ASA11/015/1999. قتل شخصیتهای سیاسی در توقیف، ASA11/005/1999 تخطی های آشکار از حق زنده گی احترام، ASA11/003/1998، افغانستان در قبرهای دسته جمعی طالبان، ASA11/011/1997، ظلم های بی پایان بر علیه افراد غیر نظامی، ASA11/009/1997.

در مراحل که جامعه بین المللی مداخله نظامی کرده ملل متحد ختم معافیت را بحیث یک اقدام کلیدی در ایجاد صلح و امنیّت در افغانستان دانست: در یک گزارشی که بتاریخ 20 دسمبر 2001 به نشر رسید سر منشی به این حقیقت اشاره نموده که " صلح پایدار نمیتواند بر اساس عفو نمودن ها استوار گردد." سر منشی جامعه بین المللی و مردم افغانستان را بخاطر گزارش دادن مشکلات آنها در گذشته و خاتمه دادن به معافیت ها و تامین جو ابدهی برای تخلفات گذشته قدم جلو گذارند که شامل تخلفات سازمان یافته حقوق بشر می گردد. 89.

از آزمون تا بحال جامعه بین الملل اینرا به اثبات رسانیده است که برای تامین جو ابدهی در افغانستان علاقمندی ندارند تا اقدامات جدی را بخاطر تخطی ها حقوق بشر که در گذشته صورت گرفته است مورد بازپرسی قرار دهند. حال آنکه سر منشی ملل متحد بارها تاکید کرده است که باید به عفو نمودن ها خاتمه داده شود. مخصوصاً برای آن جرایمی شدیدی، که این موضوع در اولوویت کار UN و UNAMA قرار دارد ولی از مسایل حقوق بشر اینها حذف گردیده است و ماموریت های اینها هیچ نوع شرکتی در تحقیق به تخلفات گذشته حقوق بشر ندارد.

حتی که سیستم عدلی قضایی وقتی دوباره به فعالیت آغاز کرد و قوای خارجی تحت قانون بین المللی وظیفه دستگیری تمام افرادی را دارند که متهم به جرایم جنگی اند. در بیانات عامه، UNAMA و SRS، چینی تصریح کرد که وی عقیده دارد که این " خیلی زود است" که از معیار های حمایت کند و به عفو نمودن ها

خاتمه دهد. SRSR نیز اظهار نمود که از طریق تحقیق در مورد جرایم ای که بعد از 2001 صورت گرفته و پروسه توافقات بن را متزلزل ساخته است. SRSR گفت که "مسئولیت زنده گی کردن" باید به عدالت سپرده شود بخاطر مرگ 90.

ناکامی UN بخاطر گرفتن اقدامات موثر و آدرس نمودن عفوها نیز چشم پوشی از حق زنده گی است - مفقود الاثر شدن، توقیف های غیر قانونی - شکنجه شده گان و اعضای فامیل آنها که رنج می برند. دی گره مقامات UNAMA در گفتگو با سازمان عفو بین الملل مشکلات امنیتی را عنوان کرده که شامل عدم حضور قوای حافظ صلح در خارج از کابل می باشد.

بدین معناست که تحقیقات در در مورد جرایم گذشته جنگی، جرایم علیه بشریت و دی گره تخلفات حقوق بشر و تخطی های نمی تواند در حال حاضر مورد بررسی قرار گیرد. نه تنها نظریات UNAMA با نظریات سرمنشی عمومی ملل متحد در تضاد است، بلکه با نظر بی شتر افغانهای که در جامعه مدنی کار می کنند و فعالیت حقوق بشر اند در تضاد است. فعالین حقوق بشر افغانی به شمول اعضای کمیسیون مستقل حقوق بشر AIHRC، مکرراً تقاضا نموده اند که معیارهای روی دست گرفته شود تا به عفو نمودن ها خاتمه داده شود و آنها بارها اهمیت این کار را که شامل جوابدهی برای تخلفات گذشته، جرایم بین المللی را در آجندای انتقالی قرار دهند. آنها نگرانی دارند که جامعه بین المللی باید افغانها را در کشاندن مرتکبین جنایات بین المللی به عدالت کمک نماید. در سال 2003 کمیسیون حقوق بشر افغانستان، فعالین حقوق بشر افغانستان تحت یک حرکت حمایتی با گزارشگر مخصوص اعدام های خودسرانه، غیر قانونی و بدون محاکمه انجام دادند که تا کمیسیون بین المللی تحقیق و آزمایش جرایم ای که از 23 سال بدین طرف صورت گرفته مورد بازپرسی قرار گیرد.

پاورقی

تخلفات جدی تحت نام مذهب، ASA11/012/1996 افغانستان اسیر در آتش، ASA11/10/96، اعدام ها، قطع عضو بدن و قتل های خودسرانه و عمدی، ASA11/005/1995، زندانها بدون ارتباط و مفقود الاثر شدن در افغانستان، ASA11/001/1994، گزارش شکنجه روحی و جسمی و اعدام ها صحرایی در افغانستان، ASA11/001/1992، همچنان به گزارش دکتوران حقوق بشر، ارزیابی های گسترده در مورد قیرهای دسته جمعی در مزار شریف 2 می سال 2002.

87- گزارش، گزارشگر مخصوص در مورد قتل و اعدام های غیر قانونی خودسرانه و بدون محاکمه کمیسیون حقوق بشر 3 فبروی 2003.

88- سر منشی ملل متحد کوفی عنان خطاب در مراسم افتتاحیه قاضی های محکمه جرایم بین المللی 11 مارچ 2003.

89- گزارش سر منشی ملل متحد "در مورد اوضاع افغانستان"، 6 دسامبر 2001

در گزارشی به کمیسیون حقوق بشر، گزارشگر خاص گفته است که "این مکلفیت جامعه بین المللی است که در بوجود آوردن ری کارد با یک نظریه ای که بتوانند بسوی یک میکانیزم برای عدالت انتقالی بروند، کار نکردن روی این مسایل بدین معناست که به فرهنگ عفو نمودن ها و تخطی های شدید حقوق بشر را در افغانستان گسترش داده ایم. 91.

پیشنهادات گزارشگر مخصوص توسط اکثریت اعضای حکومت به شمول ایالات متحده امری کار رد گردید.

از سال 2003 کمیسیون حقوق بشر، موضوع پایان دان به معافیت از آجندای بین المللی حذف گردیده است. در نتیجه کمیسیون مستقل حقوق بشر بحیث یک استراتژی کار برخورد با تخلفات گذشته را مورد بررسی قرار می دهد. بدون آنکه کدام حمایت بین المللی را درین راستا بدست آورده باشد. از کمیسیون مستقل حقوق بشر یونما تقاضا نموده بود تا نظر خواهی مردم را انجام دهد تا در یابد که کدام مردم افغانستان بی شتر شایق اند، تا تخطی های گذشته و جرایم بین المللی مورد تحقیق قرار گیرد. همچنان بخش عدالت انتقالی AIHRC شروع به جمع آوری شواهدی نموده است که در جریان 23 سال جنگ توسط سازمان های حقوق بشر جمع آوری گردیده بود.

اینکار در سیاست کاری آن شامل نمی‌باشد که تخلفات گذشته و تحقیقات جنایی انجام دهد در مورد جرایم بین‌المللی و تخلفات حقوق بشر. اوضاع امنیتی در افغانستان بدان معناست که برای کارمندان کمیسیون مستقل حقوق بشر نهایت خطرناک می‌باشد تا مصاحبه را با قربانیان و اعضای آنها انجام دهند، بدون کدام حمایت کارمندان بین‌المللی. بر علاوه، AIHRC هیچ صلاحیت ندارد تا تحقیقات تکنیکی و کالبد شکافی را در مورد خشونت‌های حقوق بشر و جرایم بین‌المللی در گذشته انجام دهند.

سازمان عفو بین‌الملل عقیده دارد که پروسه انتقالی در افغانستان باید انعکاس دهنده مکلفیت‌های افغانستان و تمام دولت‌ها می‌باشد که تحت قانون بین‌المللی در مورد جوابدهی به تخطی‌های شدید حقوق بشر که در این کشور صورت گرفته اقدام نمایند. 92.

سازمان مانگرانی دارد که بدون حمایت بین‌المللی بشمول پروگرام موثر حمایت از قربانی و شواهد و تبادل مجرمین بشکل دقیق و مساعدت‌های قانونی دو جانبه طی موافقتنامه‌ای، و همچنان تعقیب متهمین در خارج و ارزیابی و ارسال معلومات در خارج از کشور شامل گردد. کمیسیون مستقل حقوق بشر شاید قادر نباشد که تحقیقات منظم را در مورد تخطی‌های گذشته انجام دهد. زیرا امکان اجرای اینکار خطرانی را برای کارمندان کمیسیون حقوق بشر در پی خواهد داشت.

جامعه بین‌المللی مکلف است تا تخطی‌ها را مورد تحقیق قرار دهد در هر جای‌یکه صورت گرفته باشد و مجرم هر کی که باشد و همچنان به وقت ضایع شده باید ارزش داده شود. تمام کسانی که متهم به اعمال تخطی از حقوق بشر اند باید فوراً به مقابل قاضی آورده شوند، آنهم بخاطری‌که قانون بین‌المللی محاکمه منصفانه تطبیق گردد. برای چنین جرایم هیچ عفو و بخششی در کار نخواهد بود و غرامت کامل باید به قربانیان و یا خانواده‌های شان پرداخته شود.

تحت قانون بین‌المللی، این مسوولیت حکومت‌ها است و مقامات یک کشور که در جای‌یکه جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و دیگر جرایم بر خلاف قانون بین‌المللی صورت گرفته باید این جرایم تحقیق شود، جای‌یکه شواهد غیر قابل انکار وجود دارد که این اشخاص مورد مواخذه قرار بگیرد. حکومت‌های دیگر کشورها نیز تحت قانون بین‌المللی مکلف اند که با مقامات کشوری‌که چنین جنایات در انجا صورت می‌گیرد همکاری نمایند و ضمانت نمایند که مرتکبین جرایم منصفانه محاکمه می‌گردند. از آنجایی‌که این جنایات نه تنها مربوط به اشخاص غیر نظامی افغانی نگردیده بلکه جامعه بین‌المللی را نیز تهدید می‌کند.

پاورقی

90- نشر شده در BBC 27 اگست 2002 ایجاد در باره جنگ، گروپ انکشاف امنیت، یک نظر به سوی عملیات صلح - یک قضیه برای تغیر کردن، افغانستان مارچ 2003.

91- گزارش گزارشگر مخصوص در مورد اعدام‌های بدون محاکمه و غیر قانونی به کمیسیون مستقل حقوق بشر 3 فیبروری 2003. مجامع بین‌المللی تعهد نموده است تا تأمین شرایط برای حسابدهی و تخلفات از حقوق بشر را در گذشته مورد بازپرسی قرار دهد. و این شامل تعهد کمک رسانی برای انکشاف سیستم عدلی جنایی در افغانستان بوسیله انکشاف ظرفیت ملی برای خاتمه دادن به معافیت‌ها را دارد. مجامع بین‌المللی باید با چنین جنایات بصورت جدی تحت قوانین بین‌المللی و با جدیتی که دیگر جنایات از قبیل قاچاق مواد مخدر، مبارزه علیه تروریسم رشوت خوری، بطور اساسی پی‌گیری نمایند.

سازمان عفو بین‌المللی عقیده دارد که به محکمه کشاندن مرتکبین تخطی از حقوق بشر در افغانستان باعث تقویه نمودن حقوق بشر خواهد شد و نقش مهمی در جهت جلوگیری از تخطی از حقوق بشر در آینده افغانستان دارد. با در نظر گرفتن مصالحه ملی در افغانستان، و تجربه‌های گذشته در کشور‌های دیگر در جهان نشان داده که هرگاه مقامات جدید سیاسی ضرورت حسابدهی تخطی‌های حقوق بشر را رد نموده اند، مشکلات از بین نمی‌رود. قربانی‌ها و اقوامشان شکایات شانرا ارایه می‌کنند و عین جنایات و یا تخطی‌ها به شکل گسترده بخاطر عدم جلوگیری از دی‌یاد می‌یابد.

طوری که سازمان عفو بین المللی تجربه نموده، اگر اشخاصی که مرتکب تخطی از حقوق بشر شده اند، مورد بازپرسی قرار نگیرند و مقام های مهم را اختیار نمایند، تخطی از حقوق بشر ادامه پیدا خواهد کرد. و مرتکبین و دیگر اشخاص متخلف که بعداً در رأس شکل دهی سیاست دولت و یا مجریان قانون قرار می گیرند احساس مصونیت خواهند کرد.

پیشنهادات

- **عدالت:** اولین وظیفه و وجیه دولت است تا جنایات علیه بشریت و سایر تخطی های حقوق بشر را مورد پیگرد و تعقیب قانونی قرار دهد. تعقیب عادلانه و موثر تخطی ها و سوء استفاده های گذشته از حقوق بشر بوسیله سیستم عدالت جنایی افغانستان یک وسیله ای از وسایل اختتام معافیت می باشد. اما محاکم افغانستان به کمک جامعه بین المللی ضرورت دارند تا بتوانند تخطی ها و خلاف ورزی های گذشته حقوق بشر را طور موثر و منصفانه و طبق موازین و معیارهای بین المللی مورد تحقیق قرار دهند. خصوصاً تریونگ در عرصه های قوانین بین المللی بشر دستانه و حقوق بشر باید برای کارمندان قوه قضائیه فراهم ساخته شود، ظرفیت پولیس بلند برده شود تا بتواند جهت تامین امنیت قربانیان و شاهدان اقدام نموده و تحقیقات کامل و همه جانبه را راه اندازی نماید.
- **اطمینان حاصل شود که جنایات تحت قوانین بین المللی جنایات تحت قوانین افغانی شمرده شوند:** افغانستان باید ماد 6,7,8 قانون روم را در قانون جزا خود شامل سازد. برای اینکه محاکم افغانستان بالای پیگرد جنایات چون قتل عام، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت اختیار قانونی داشته باشد باید این جنایات در قوانین افغانی طور صریح و واضح تصریح شود. در مجموع اصول مسولیت جنایی در قوانین ملی باید طبق قوانین وضعی بین المللی باشد. همچنان، افغانستان باید تعهد محاکمات منصفانه را در قوانین ملی خود شامل سازد و مجازات مرگ " اعدام" را منسوخ قرار دهد.
- **قوانین را وضع نماید که همکاری با محکمه بین المللی جنایی را سهولت بخشد:** افغانستان بتاریخ دهم فیبروری سال 2003 قانون روم را به تصویب رساند. توقع می رود که افغانستان باید قانون را وضع نماید که توسط آن بتواند با محکمه بین المللی جنایی همکاری نماید. این قانون باید در خود داشته باشد که حیثیت قانونی محکمه بین المللی جنایی در افغانستان شناخته شده و اینکه مسولین این محکمه بتوانند در افغانستان فعالیت نمایند. در مجموع این قانون باید امتیازات و معافیت های محکمه بین المللی جنایی، کارمندان، کارشناسان محکمه و شاهدان را شناسایی نماید.

پاورقی

92- افغانستان عضو تعدادی از قطعنامه های بین المللی است که طبق آن باید به اشخاص متهم به جرایم تحت قانون بین المللی مورد مواخذه قرار گیرند. این قوانین شامل کنوانسیون بر علیه شکنجه و دیگر چهار کنوانسیون ژنیف می باشد. این قانون باید شامل مواد اساسی باشد که مسولین و محاکم افغانی را اجازه دهد تا بشمول مواد اسناد سوابق و شواهد فیزیکی، تعیین موقعیت شاهدان و قربانیان، سهولت بخشیدن تحقیقات محکمه و اجراء احکام بین المللی گرفتاری، با اوامر وضع شده توسط محکمه بین المللی جنایی همکاری نماید.

- **کمیسیون تحقیقاتی ملل متحد:** سازمان عفو بین الملل به این عقیده است که نخستین قدم به طرف خاتمه بخشیدن معافیت ها عبارت از ایجاد یک کمیسیون تحقیقاتی ملل متحد خواهد بود. این کمیسیون وضع سیستم عدالت جنایی افغانستان را و طریقه ای را که در آن با سیستم قضایی همکاری شود باید مورد مطالعه قرار داده تا ظرفیت این سیستم ظرفیت آنرا پیدا کند که جنایات بین المللی را مورد تحقیق و تعقیب قرار دهد. در مجموع این کمیسیون

تحقیقاتی بایستی سیستم قضایی افغانستان را در بخش می‌تود های سالم و موثر خاتمه بخی شدن معافیت مشوره های لازم دهد تا بالاخره باعث اصلاحات سیستم عدالت جنایی افغانستان شود.

- **معافیت ممنوع است:** سازمان عفو بین الملل بالای حقیقتی تأکید می‌نماید که تحت قوانین بین المللی هیچ نوع معافیتهای برای اشخاص مظنون به ارتکاب جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و سایر تخطی های آشکارا از قوانین بین المللی وجود ندارد. دولت انتقالی افغانستان بایستی تمام موانع را که سد راه تعقیب قانونی قرار دارند از بین برده و اینکه هیچ نوع معافیتهای برای جرایم تحت قوانین بین المللی وجود ندارد.

11. بازرسی مستقلانه سیستم عدالت جنایی از نقطه نظر قوانین حقوق بشر

رسی‌دگی و دسترسی مردم عامه به سیستم قضایی یک اقدام کلیدی جهت از دید اطمینان مردم عامه و حسابدهی به شمار می‌رود. در اوضاع بعد از جنگ، بازرسی موثر مستقلانه سیستم عدالت جنایی از نقطه نظر قوانین حقوق بشر یک وسیله انکشاف احترام به مقررات قانون را فراهم می‌نماید. همچنان بازرسی یا تفتیش برای شناسایی و حل مشکلات تشکیلاتی سیستم قضایی، توانایی تمام اشخاص دخیل در اصلاح سیستم قضایی را انکشاف می‌دهد. همچنان بازرسی یا تفتیش می‌تواند در تأمین و اعاده حقوق قربانیان و مظنونین در قضایای انفرادی کمک نماید.

سازمان عفو بین الملل دو ماه را در نظارت سیستم عدالت جنایی افغانستان سپری نمود. این سازمان علاقه مندی زیاد قوه قضائیه را در حقوق بین المللی بشر مشاهده نموده و متوجه این امر شد که موجودیت نمایندگان و هیئات در جاهای از قبیل نظارت خانه ها و محاکم باعث تشویق شفافیت و رعایت قانون می‌شود.

دفتر یونما به منظور نظارت و تحقیق تخطی های حقوق بشر ایجاد شده بود. و همچنان این دفتر منحصراً یک ناظر مستقل سیستم حقوقی ایفای وظیفه می‌نماید. اما دفتر یونما از نقطه نظر قوانین حقوق بشر جهت نظارت سیستم عدالت جنایی به عدم موجودیت سمت ستراتیژیکی و ظرفیت نظارتی مواجه می‌باشد. سر مشاور اسبق نماینده خاص شورای امنیت در یک مصاحبه ای با سازمان عفو بین الملل اظهار نمود: " ما ظرفیت و گنجایش نظارت سیستم حقوقی را نداریم. ما ظرفیت نظارت مناسب حقوق بشر را نداریم. اسویه پائین کارمندان و مشکلات استخدامی قسماً باعث عدم موجودیت ظرفیت در بخش های حقوق بشر دفتر یونما شده است. در مجموع عدم موجودیت یا کمبود تعهد مسوولین عالی‌رتبه دفتر یونما به امور حقوق بشر که به پروسه انتقالی سیاسی ربطی زیادی ندارد قبلاً بخش های حقوق بشر این دفتر را تحت الشعاع قرار داده است.

بخش مقررات و قواعد قانون دفتر یونما نیز کوشش نموده تا طور موثر فعالیت نموده و وظیفه خود را اجرا نماید. فعلاً بخش قواعد قانون این دفتر دارای یک کارمند تقریباً پائین رتبه بوده که جهت نظارت از سیستم قضایی به فقدان ظرفیت مواجه می‌باشد می‌بذول نمودن توجه اقل و محدود دفتر یونما به موضوعات قواعد قانون باعث حاشیه روی یونما در پروسه اصلاحات عدلی و قضایی شده و هم چنان این امر باعث ناکامی یونما در اجرای وظایفش شده تا در روند اصلاحات حقوقی کمک نماید. همچنان تقسیم مصنوعی بخش های حقوق بشر و قواعد قانون این دفتر باعث جلوگیری از انکشاف یک استراتژیکی شده تا رعایت حقوق بشر را در سیستم عدالت جنایی رشد و تکامل دهد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اخیراً نظارت از سیستم محاسبات را از نقطه نظر حقوق بشر آغاز نموده است. ما کمیسیون حقوق بشر برای نظارت وسیع سیستم عدالت جنایی بشمول محاکم به رشد ظرفیت و حمایتی تکنیکی نیاز دارد. معطلی و تعویق های کمیسیون عالی حقوق بشر ملل متحد (OHCHR) و پروگرام انکشافی ملل متحد (UNDP) در ایجاد یک پروگرام پلان شده روند مساعدت تکنیکی فرستادن پروژه های کمک های تکنیکی وعده کرده شده را به کندی مواجه ساخته است. وقتی سازمان عفو بین الملل یکی از مسوولین ملل متحد را پرسید که چرا کمک تکنیکی تا حال فراهم نشده است وی گفت: " کاغذ پرانی ها باعث می‌شود تا شما بمیرید."

در حالت عدم موجودیت تعهد کامل پروگرام مساعدت تخریبی، حکومت کانادا اخیراً حاضر شده است تا یک شخص مجرب و ماهر حقوق بشر بین المللی را وعده نماید تا این شخص بتواند برای کمیسیون حقوق بشر افغانستان برای نظارت سیستم حقوقی کتابی را تهیه نماید. این کتاب راجع به نظارت سیستم قضایی و مطابقت این سیستم به معیاری های بین المللی حقوق بشر هدایات عملی را تهیه می نماید. سازمان عفو بین الملل این ابتکار حکومت کانادا را ستایش نموده و جامعه بین المللی را تشویق می نماید تا منابع را برای تربیه کارمندان کمیسیون حقوق بشر در بخش نظارت از سیستم حقوقی و نظارت محاکمات فراهم آورد. همچنان سازمان عفو بین الملل اعزام یک مشاور تخریبی از طرف کمیشنری عالی ملل متحد در امور حقوق بشر به کمیسیون حقوق بشر افغانستان را به دیده قدر می نگرد. امید است که این انکشاف مثبت در رشد ظرفیت کمیسیون حقوق بشر در عرصه نظارت از سیستم عدلی و قضایی کمک نماید.

11.1. پی شنهادات

- **رشد ظرفیت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان** : جامعه بین المللی باید حمایت طویل المدت مالی و سیاسی را به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تعهد نماید تا کمیسیون بتواند ظرفیت خود را در عرصه نظارت سیستم عدالت جنایی از نقطه نظر قوانین بین المللی حقوق بشر رشد و تکامل دهد. تری ننگ موثر در عرصه نظارت سیستم حقوق ضروریست تا شود که کتاب نظارت که اخیراً تسوی شده طور کامل به کار رود.
- **کمک سیاسی به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان** : کمیسیون مستقل حقوق بشر موسسه کلیدی ایست که باید مورد حمایت قرار گیرد. اداره انتقالی افغانستان باید این موضوع را یقین سازد که کمیسیون حقوق بشر به تمام اسناد، محاکم و نظارتخانه ها دسترسی کامل و نامحدود داشته باشد. در مجموع در روند ها پروسه انتقالی با کمیسیون حقوق بشر باید مشوره کامل صورت گیرد. هم چنان در قانون اساسی جدیدی یک اساس قانونی برای کمیسیون حقوق بشر مد نظر گرفته شود تا انکشاف یک موسسه یا اداره دوامدار و مستقل افغانی که قادر به نظارت مستقلانه اوامر حقوق بشر باشد یقینی شود.
- **دفتر یونما باید به حفظ حقوق بشر کاملاً متعهد باشد** : دفتر یونما باید تعهد خود را مقابل حقوق بشر نشان بدهد آنهم توسط بلند بردن سویه کارمندان و از بین بردن معطلی ها و تعویق های استخدام کارمندان. خصوصاً بست های سرمشاور در عرصه حقوق بشر و سر مشاور قواعد قانون طور عاجل بر گردند. در مجموع بخش حقوق بشر یونما بخش قواعد قانون آن با هم به نزدیکی کار نموده تاجهت انکشاف حقوق بشر در سیستم عدالت جنایی یک ستراتیژی موثری را انکشاف دهد. به بخش حقوق بشر دفتر یونما باید اجازه آنداده شود تا فعالیت های را که فراتر از روند انتقال سیاسی حرکت می نماید انکشاف دهد.

12. خاتمه

سازمان عفو بین الملل بدین امر پی برده است که به تعویب 23 سال جنگ در افغانستان بازسازی و اصلاح سیستم عدالت جنایی کار بس دشوار و پر مشقت می باشد. انکشاف چارچوب قانونی و ساختار قضایی ای که بتواند معیارهای حقوق بشر را تطبیق و عملی نماید یک روند طویل خواهد بود. تامین و رعایت مقررات قانون تنها وقتی در افغانستان موفق بوده می تواند که تعهد و حمایت دوامدار از جانب جامعه بین المللی و فعالیت کلیدی افغانی وجود داشته باشد.

سازمان عفو بین الملل این گزارش را صرف برای همکاری تهیه و نشر نموده و آرزومند است که دریافتهای و پی شنهادانش اداره انتقالی افغانستان و جامعه بین المللی را در شناسایی اولوویت های در عرصه پروگرام اصلاحات سیستم قضایی کمک نماید.

13. پی شنهادات:

اصلاح و بازسازی سیستم قضایی

- **استراتژی عدلی:** ادارات قضایی و کمیسیون عدلی و قضایی افغانستان با همکاری جامعه بین المللی باید هر چه زودتر نتایج سروری های قضایی را بکار انداخته تا پیشنهادهای واضح و کامل را برای پروژه های کوتاه مدت و طولی المدت قضایی ایجاد نماید. این پروژه ها باید طور واضح و صریح ایجاد شده و یک استراتژی عمومی کوتاه مدت و دراز مدت قضایی را تشکیل دهد. یک استراتژی عدلی با قضایی باید هر چه زودتر برای گرفتن فند به کشورها و ادارات تمویل کننده تقدیم شود.
- ایجاد محاکم خانواده و اطفال در اولویت قرار گیرد: ایجاد محاکم اطفال و خانواده برای تأمین حقوق گروه های آسیب پذیر (اطفال و زنان) یک امر ضروریست. ستره محکمه و کمیسیون عدلی و قضایی با حمایت و کمک جامعه بین المللی باید هر چه زودتر محاکم خانواده و اطفال را خارج از کابل ایجاد نمایند.
- **هماهنگی تمویل کننده گان:** جامعه تمویل کننده تحت رهبری استراتژی یک حکومت ایثالی باید کوشش های خود را در عرصه هماهنگی کمک های عدلی و قضایی از دیاد بخشد. حکومت ایثالیها باید معلومات راجع به روند اصلاحات عدلی قضایی را جامعه تمویل کننده طور منظم تهیه نموده و ملاقات های منظم هماهنگ را در کابل دایر نماید.
- **کمک درازمدت مالی برای اصلاح و بازسازی سیستم عدلی و قضایی:** جامعه بین المللی برای سهولت بخشیدن در جهت تأمین صلح و امین در افغانستان وعده نموده است تا سیستم قضایی را بازسازی نماید. جامعه بین باید جهت احیای دوباره سلطه قانون در افغانستان کمک های درازمدت مالی را فراهم نماید. حکومت تمویل کننده ای که درین عرصه وعده کمک مالی نموده اند باید هر چه زودتر به وعده های خویش وفا نموه و انرا جامه عمل بپوشانند.
- **روابط میان ادارات قضایی افغانستان:** قطع روابط میان ادارات قضایی افغانستان یک مشکل جدی پنداشته می شود. همکاری موثر میان ستره محکمه، لوی حارنوالی و وزارت عدلیه برای اصلاحات عدلی قضایی شرط لازمی می باشد. اداره انتقالی افغانستان برای سهولت بخشیدن روابط کاری بهتر میان این سه اداره کلیدی قضایی باید قدم های عاجل را بردارد.
- **توقیت بخشیدن نقش دفتر یونما:** طبق موافقتنامه بن وظیفه یونما اینست تا روند اصلاحات عدلی و قضایی را کمک و حمایت نماید. بخش سلطه قانون دفتر یونما باید تقویت شود و سویه کارمندان بالابرده شود تا یونما بتواند وظایف خود را طور موثر انجام دهد. علاوتاض در استخدام یک سرمشاور در بخش سلطه قانون نباید به تاخیر افتد. همچنان یونما باید کارشناسی را در حقوق بشر بین المللی تحت سرمشاور بخش سلطه قانون استخدام نماید تا بتواند حقوق بشر طور کامل در فعالیت های سلطه قانونی ترکیب شوند. تمام فعالیت های سلطه قانون یونما باید طور مناسب با بخش های حقوق بشر آن هماهنگ شوند.

قوه قضائیه افغانستان

- **توقف تقرر قضات غیر واجد شرایط:** ستره محکمه و رئیس جمهور " رئیس دولت" باید این را اطمینانی سازد که قضات تقرر یافته و برحال دارای تعلیمات و تحصیلات لازم طبق قانون اند. ریاست دولت با ریاست جمهوری باید یک تاب راجستر برای شرایط لازمی قضایی داشته باشد. علاوتاً قبل از تعیین و تقرر قضات تعلیمات، تحصیلات و تجارب قضات کاندید باید توسط رئیس دولت یا جمهور دیده شود.
- **پروگرام سویع تربیه قضات انائیه:** به منظور احیای موازنه جنسی در قوه قضائیه، یک پروگرام سریع برای زنان حقوق دان باید راه اندازی شود. زنان فارغ التحصیل پوهنهی حقوق و قضات انائیه واجد شرایط باید شناسایی شده و به مرکز تربیوی حقوقی جذب شوند. ضرور نیست که زنان حقوقدان باید کارمندان وزارت عدلیه، ستره محکمه یا لوی حارنوالی باشند. جامعه بین المللی باید این پروگرام را توسط تهیه کمک های مالی به مرکز تربیوی حقوقی و زنان حقوقدان حمایت

نماید. آن کاندیدانی که طور موفقانه این مرکز را به پایه اکمال برسانند باید به قوه قضائیه جذب شوند.

- در چوکات انستیتوت در آوردن و حمایت انکشاف مرکز تربیوی حقوقی (LEC): جامعه بین المللی باید انکشاف مرکز تربیوی حقوقی را کاملاً حمایت نماید. پروگرام مرکز تربیوی حقوقی حقوقی حقوقدانان جوان باید در یک چوکات انستیتوت در آورده شده و اساس قانونی برایش داده شود. جامعه بین المللی این امر را اطمینانی سازد که مرکز تربیوی حقوقی (LEC) یکی با پوهنتون های افغانستان بتواند از تمام پروگرام های تربیوی حقوقی بشمول مرکز تربیوی موسسه IDLO نظارت نموده و پروگرام های خود را با آنان هماهنگ سازد. علاوه مرکز تربیوی حقوقی (LEC) باید طور عاجل یک پروگرام تربیوی را برای حقوقدانان مستقل (وکیل مدافع) روی دست گیرد.
- تریونگ: کمیسیون اصلاحات عدلی و قضایی، موسسه IDLO و حکومت تمویل کننده باید پروژه های تعلیمی قضایی را هماهنگ سازند. بر علاوه، آن پروژه های تعلیمی قضایی در خارج از کابل طور عاجل و بزودی روی دست گرفته شوند. به قضات و حارنوالان باید کورس های تعلیمی جداگانه که انعکاس دهنده ضروریات مختلف شان باشند، دایر شود. تمام پروژه های تعلیمی قضایی باید دارای مهارت های عملی حقوقی باشند. همچنان حقوق بشر به شمول حقوق زنان در پروگرام های تعلیمی گنجانیده شوند. سازمان عفو بین الملل این گزارش را بخصوص فصل هفتم اش را راجع به خلاف ورزی های حق محاکمه منصفانه بدیث یک وسیله تشخیصی دهنده ای که ساحات مربوط قوانین بین المللی و ملی را برجسته میسازد، پیش کش می نماید که این باید در تعلیمات حقوق بشر گنجانیده شود.

استقلالیت قوه قضائیه

- توسعه امنیتی په سراسر افغانستان: امنیتی عبارت از زمینه ساز سلطه قانون بوده و برای ایجاد محیطی که در آن قوه قضائیه بتواند طور مستقل فعالیت نماید یک امر لازمی می باشد. جامعه بین المللی باید اقدامات عاجل را جهت برقراری امنیتی و مصونیت بشری در سراسر افغانستان بردارد. آن هم بشمول توسعه وظایف ISAF به خارج از کابل. علاوه پروسه خلع سلاح (DDR) باید تقوی به و توسعه داده شود.
- امنیتی محاکم افغانستان: اداره انتقالی افغانستان و جامعه بین المللی باید کوشش به خرج دهند تا امنیتی محاکم و کارمندان قضاء به مشوره محاکم بین المللی و حکومتی که پروگرام های موثر امنیتی محاکم را دارند، تأمین نمایند، بخصوص پروگرام های امنیتی و حفاظت قربانیان. اقدامات موثر جهت حراست کارمندان قضاء، شاهدان و قربانیان منعی تحت بخش از استراتژی اصلاحات عدلی قضایی صورت گیرد. بر علاوه آن، پولیس تربیه شده و حسابده باید به محاکم افغانستان ضمیمه شود تا امنیتی اساسی تأمین شود.
- شناسایی و تدقیق نیازمندی های کارمندان ادارات قضایی افغانستان: یک سروی جامع سویی های کارمندان ستره محکمه، وزارت عدلیه و لوی حارنوالی باید روی دست گرفته شود. این سروی باید تعداد قضات، حارنوالان و کارمندان قضایی مورد نیاز افغانستان را شناسایی نماید. طی این سروی و تجدید نظر آن عده کارمندی که شرایط لازمی کاری را ندارند باید از وظایف خویش موقوف شده و آن هم به شوه ای که استقلالیت قضاء حفظ شود. سازمان عفو بین الملل پیشنهاد می نماید که این تجدید نظر توسط کمیسیون خدمات ملکی تحت نظارت قرار گیرد. بعد از اختتام این پروسه و موقوفی کارمندان غیر واجد شرایط، معاشات کارمندان قضاء از دیاد داده شوند.
- تاسیس کمیسیون خدمات قضایی: جهت نظارت موثر قضات و حارنوالان، یک کمیسیون خدمات قضایی باید تشکیل شود. به این کمیسیون باید وظیفه داده شود تا کج رفتاری ها را نظارت نموده و ریکاردر مرکزی شرایط لازم قضایی را حفظ نموده و مسول ایجاد یک میکانیزم برای شکایات مردم عامه باشد. این کمیسیون باید قدرت آنرا داشته باشد تا در واقعات فعل جنایی توسط قاضی یا حارنوال تحقیقات جنایی را راه اندازی نماید.

تخلف از حق محاکمه عادلانه

رشد ظرفیت مدافعه

ارزیابی ظرفیت مدافعه: کمیسیون اصلاحات عدلی و قضایی با حمایت بین المللی جهت شناسایی حقوقدانان مستقل به شمول آنلیکه در کارهای مدافع جنایی مصروف اند، باید یک ارزیابی حقوقدانان مستقل را در سراسر کشور انجام دهند. این ارزیابی نیز باید موقعیت جغرافیایی آنان را شناسایی نموده و اقدامات ضروری را انجام دهند تا تعداد آنان از یاد بخشد و در سایر نقاط افغانستان مهیا شوند.

- پروگرام مساعدت حقوقی یا قانونی: جامعه بین المللی باید کوشش های را حمایت نماید که طی آن اشخاص تحت توقیف که از نگاه ملی ضعیف اند بتوانند مساعدت وکیل مدافع را بدست آورند. سازمان صفر بین الملل پیشنهاد می نماید که تا ایجاد اجمن حقوقدانان افغانستان، به وزارت عدلیه کمک صورت گیرد تا بتواند ظرفیت را رشد دهد و به اشخاص تحت توقیف زمینه حق دفاع را مساعد سازد.
- اجمن مستقل حقوقدانان: جامعه بین المللی باید کمیسیون اصلاحات قضایی و حقوقدانان مستقل را حمایت نموده تا اجمن مستقل حقوقدانانی را ایجاد نماید که بتواند از ثبت و سازماندهی حقوقدانان مستقل نظارت به عمل آورد.
- تریینگ برای وکلای مدافع: مرکز تربیوی حقوقی (LEC) و موسسه IDIO با حمایت جامعه بین المللی باید هرچه زودتر یک پروگرام تربیوی را برای حقوقدانان مستقل " وکلای مدافع" روی دست گیرد. این تریینگ باید بالای کل مدافعه جنایی تمرکز داشته باشد به شمول مهارت های عملی مانند منجمنت یا اداره قضایا، استدلال قانونی یا حقوقی و مدافعه. جامعه بین المللی باید منابع مالی را برای راه اندازی این چنین پروگرام هاتیه و تدارک نماید.
- کلینیکی مساعدت حقوقی: جامعه بین المللی باید جهت رشد ظرفیت و دانش کار مدافعه جنایی میان حقوقدانان آینده کشور، برای ایجاد کلینیک های مساعدت حقوقی کمک های مالی فراهم نماید.
- آگاهی عامه: کمیسیون اصلاحات عدلی و قضایی با حمایت جامعه بین المللی و ادارات قضایی افغانستان باید یک پروگرام آگاهی عامه را در عرصه سیستم عدالت جنایی آغاز نماید. درین پروگرام باید توجه خاص به حقوق اشخاص تحت توقیف و حقوق زین مبنول گردد.

اصلاحات در قوانین

- ترویج قوانین: برای این که ابهام بیشتر راجع به قوانین وجود نداشته باشد، وزارت عدلیه با همکاری کمیسیون اصلاحات عدلی و قضایی و جامعه بین المللی باید روند ترویج قوانین را سهولت بخشند.
- پخش و انتشار قوانین: جامعه بین المللی باید منابع مالی را برای توزیع و انتشار قوانین به تمام محکم و حقوقدان برون کام تاخیر فراهم نماید.
- تدقیق قانون جزاء برای حر است کامل حقوق اشخاص متهم: قوانین جزایی باید هر چه زودتر مورد ترویج و تدقیق قرار گیرند تا این قوانین به تمام وظایف قانونی بین المللی افغانستان، در عرصه حق محاکمه عادلانه مطابقت نماید. خصوصاً حقوق آزادی و امنیت شخص، حق حضور هر چه زودتر متهم نزد قاضی و حق دفاع در محکمه باید در آن کاملاً شامل گردند. قانون پروسیجر جزایی نیز باید ضمانت های پروسیجری را برای بازداشت شده گان در خود داشته باشد، خصوصاً پروسیجر که توسط آن شخص بتواند قبل از حضور مقابل قاضی توقیف خود را مورد چالش و چیلنج قرار دهد (آن قاضی ای که در صورت غیر قانونی بودن توقیف قادر به آزادی شخص باشد) و همچنان برای مشاهده مردم عامه و تجدید نظر شفاف بازداشت.

- **تعیین ماهرین قانون در وزارت عدلیه و کمیسیون اصلاحات عدلی و قضایی:** سازمان عفو بین الملل این تعهد حکومت کانادا را به دیده قدر می نگرد که می خواهد ماهرین قانون را در وزارت عدلیه تعیین نماید. سازمان عفو بین الملل در سایر کشور های کمک دهنده بخصوص کشور های اسلامی تقاضا می نماید که در ساختن و تدقیق قوانین وزارت عدلیه را یاری رساند و ماهرین قانون خود را درین وزارت تعیین نمایند.

قانون اساسی

- **قرار دادن حقوق بشر در مرکز قانون اساسی جدید افغانستان:** وظایف و وجایب افغانستان طبق قوانین بین المللی باید در قانون اساسی جدید گنجانیده شود. خصوصاً قانون اساسی باید دارای یک فقره واضح غیر تبعیض و تعصبی باشد که مساوات مردم را بدون در نظر داشت جنس، مذهب و قومیت ضمانت نماید. همچنان قانون اساسی باید وظایف بین المللی قانونی افغانستان مربوط به حق محاکمه عادلانه را در خود داشته باشد. برای اینکه یقینی شود که تمام افغانان قادر به دسترسی به حقوق خود باشند، قانون سیاسی باید حق یک جبران یا تلافی موثر را ضمانت نماید، بشمول تجدید نظر قضایی تمام حقوقی که ر قانون اساسی از آن ذکر به عمل آمده است.
- **مسوده کامل با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان راجع به قانون اساسی:** به منظور سهولت بخشیدن گنجاندن وظایف بین المللی قانونی افغانستان در قانون اساسی جدید، کمیسیون قانون اساسی باید طور کامل با ماهرین ملی و بین المللی به شمول کمیسیون مستقل حقوق بشر مشوره نماید.

ناکامی حفظ حقوق بشر زنان

- **اصلاحات در قانون جهت حفظ حقوق بشر زنان:** اداره انتقالی افغانستان و جامعه بین المللی باید هر چه زودتر دست بکار شده تا یقینی سازد که قانون اساسی جدید و قوانین نافذه فعلی کاملاً با CEDAW (کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان) و ICCPR مطابقت داشته باشند. خصوصاً اقداماتی باید صورت گیرد که طی آن خشونت علیه زنان، بشمول تجاوز جنسی، فروش یا بد دادن زنان به منظور حل منازعات یا جبران چیزی و ازدواج های اجباری تماماً جرم شناخته شوند.
- **رشد ظرفیت سیستم عدالت جنایی برای حفظ حقوق بشر زنان قربانی و متهم:** ظرفیت کارمندان مجری قانون و ادارات باید بلند برده شده تا این امر یقینی شود که سیستم عدالت جنایی بتواند طور موثر متخلفین خشونت علیه زنان بشمول ازدواج های اجباری را به پای میز عدالت بکشاند. سازمان عفو بین الملل اداره انتقالی افغانستان را تشویق می نماید تا با همکاری جامعه بین المللی تحقیق و تعقیب جرایم علیه زنان را در تمام پروگرام های تعلیمی برای پولیس، قضات و حارنوالان شامل سازد. همچنان، تمام پروگرام های تربیوی باید شامل می شود های مناسب برخورد با زنان قربانی و متهم باشند. برعلاوه، آن اداره انتقالی افغانستان باید قوانین رفتار را برای قضاء و مسولین مجری قانون انکشاف دهد که هدف این قوانین تأمین احترام و حراست قربانیان و متهمین اثاثیه باشد. برای اینکه این قوانین رفتار کاملاً رعایت شوند می کای نزم های موثر نظارت باید ایجاد شوند. زنان و دخترانی که در فامیل مواجه به خشونت می شوند باید حفاظت بدست آورند. سرپناه ها باید برای زنان و اطفال تنها به مقاصد حفاظتی ایجاد شود، این سرپناه ها باید در سراسر کشور فراهم شوند، طور کافی برای شان منابع مالی فراهم شود و کمک های حقوقی و تعلیمات مسلکی به ایشان فراهم شود.
- **اقدامات مثبت به منظور از دیاد تعداد افسران پولیس، حارنوالان و قضات زن:** عدم دسترسی زنان به عدالت و تبعیض علیه زنان در سیستم عدالت جنایی با کمبود زنان متخصص در سیستم عدالت جنایی یکجا شده است. CEDAW و ICCPR به دولت این وظیفه را می دهد تا زنان موقف های عامه بدست آورند. سازمان عفو بین الملل اداره انتقالی افغانستان را تشویق می نماید که با همکاری جامعه بین المللی زمینه را مساعد سازد تا زنان به استخدام ر پولیس و سیستم عدلی دسترسی مساوی

داشته باشند. اداره انتقالی باید اطمینانی سازد که برای ازدیاد شرکت زنان در پولیس و قوه قضائیه قدم های مثبت را بردارند.

- **تمرکز جامعه بین المللی بالای حقوق زن:** کوشش های بین المللی برای کمک به بازسازی و اصلاح سیستم عدالت جنایی ر افغانستان دارای تأکید کم بالای حفظ حقوق زن بوده اند. جامعه جهانی باید این امر را اطمینانی سازد که قدم های برای جلوگیری از تخلفات جدی حقوق بشر مقابل زنان و دختران کاملاً در ستراتیژی اصلاحات قضایی شامل شوند، به شمول تمام فعالیت های کمیسیون اصلاحات عدلی و قضایی و تمام ادارت قضایی افغانستان. خصوصاً قدم های برای اختتام معافیت در عرصه خشونت علیه زنان باید برداشته شوند. همچنان، جامعه بین المللی نباید به پروگرام های در سیستم عدالت جنایی کمک کند که باعث تبعیض علیه زنان می شود.

سیستم های غیر رسمی عدلی و قضایی

- **تجدید نظر و تدقیق همه جانبه سیستم های غیر رسمی قضایی:** هر کوششی که برای تدقیق سیستم قضایی افغانستان صورت گیرد باید به شمول تحویل و تجزیه میکانیزم های موجوده غیر رسمی قضایی باشد. تدقیق سیستم های غیر رسمی بشمول نوعیت این چنین میکانیزم ها، فری کونسی کاربرد آنان و تعیین اعمال که اینها اجرا می نمایند یک جز ضروری استراتژی عدالت جنایی به شمار می رود. دقیقاً هذا باید ارزیابی نماید که این سیستم ها مطابق قوانین حقوق بشر اند یا خیر؟ آن هم به شمول حق محاکمه عادلانه، ممنوعیت شکنجه بدنی و روحی و عدم تبعیض به حقوق زن تحت قوانین ملی و بین المللی باید توجه خاص مبذول گردد.
- **تعدیل سیستم غیر رسمی قضایی:** برای اینکه هر نوع ابهام راجع به نقش میکانیزم های غیر رسمی قضایی افغانستان از بین رفته باشد باید شایستگی این سیستم ها و میکانیزم طور واضح در قوانین روشن شود. روابط میان سیستم های رسمی و غیر رسمی قضایی باید در قوانین واضح شود. برای این که اداره انتقالی افغانستان در حفظ حقوق بشر وظیفه خود را انجام داده باشد باید یقینی سازد که جرگه ها و شوراهای در صورت مجاز و ادامه فعالیت کاملاً مطابق و موافق به قوانین حقوق بشر باشند. این کار شده نمی تواند میکانیزم های غیر رسمی قضایی باید فسخ و از بین برده شوند. در تمام قضایای که در آن شواهد آن موجود باشد که جرگه ها شورا از حقوق بشر تخطی نموده است باید طور کامل تحت تحقیق قرار گیرد و متخلفین به پای میز عدالت کشانیده شوند.
- **جرم شناختن تبادلۀ دختران و زنان:** تبادلۀ زنان و دختران به منظور حل منازعات و برخورد با جرم های جنایی یک تخطی آشکارا قوانین بین المللی حقوق بشر دانسته می شود. عنعنۀ هذا باید هر چه زودتر توقف داده شود و تبادلۀ دختران و زنان در قوانین افغانی جرم دانسته شود.
- **انتشار معلومات راجع به سیستم رسمی قضایی:** جهت تقویۀ سیستم رسمی قضایی و برای اینکه مردم آگاهی حاصل نمایند که چطور به عدالت قضاء دسترسی داشته باشند، یک کمپاین ازدیاد آگاهی همه جانبه راجع به سیستم قضایی رسمی باید آغاز شود. همچنان این کمپاین باید بالای قوانین بین المللی حقوق بشر نیز تأکید داشته باشد.
- **پخش و انتشار سیستم رسمی قضایی به محلات دهاتی:** سیستم رسمی قضایی و عدلی باید به محلات دهاتی باید توسعه داده شود. به تمام اعضاء سیستم عدالت جنایی به شمول پولیس و قضاء باید منابع کافی فراهم شود تا بتواند حضور فعال خویش رادر مناطق دهات ایجاد نمایند. به مردم و اعضاء محلات دهاتی باید راجع به اینکه چطور به این سیستم دسترسی داشته باشند معلومات داده شود. علاوه با مردان و زنان محلات دهاتی باید راجع به اصلاح قضاء مشوره صورت گیرد.

تأخیر های ختم معافیت

- **عدالت و قضاء:** اولین وجیه دولت این است که جنایات علیه بشریت و سایر تخطی های حقوق بشر را مورد تعقیب قرار دهد. تعقیب و پیگرد موثر تخطی ها و سوء استفاده های گذشته توسط سیستم عدالت جنایی یک قدم به جهت ختم معافیت خواهد بود. اما محاکم افغانی به کمک جامعه بین

المللی ذی‌باز دارد تا بتواند که تخطی‌های سابق حقوق بشر را طور موثر مورد تحقیق قرار دهد. خصوصاً، به قوه قضائیه زمینه‌تری‌نگ قوانین بین‌المللی بشر دوستانه و حقوق بشر مساعد شود. ظرفیت پولیس باید رشد داده شود تا بتواند تحقیقات کامل و همه‌جانبه را اجرا نماید و امنیت شاهدان و قربانیان را تامین نماید.

- **جناياتی که تحت قوانین بین‌المللی جرم پنداشته می‌شوند در قوانین افغانستان نیز جرم پنداشته شوند:** جناياتی که در مواد 7,6 و 8 قانون روم تعیین شده اند باید در قوانین افغانستان نیز شامل شوند. قتل عام، جرایم جنگی و جنايات علیه بشریت باید در قوانین افغانستان جرم شناخته شوند تا محاکم افغانستان بتوانند برای تعقیب این جرم‌ها اختیار قانونی داشته باشند. علاوه، اصول مسوولیت جرمی در قوانین افغانستان باید مطابق قوانین بین‌المللی عیار ساخته شود. همچنان افغانستان باید ضمانت‌های محاکمه منصفانه را طور کامل در قوانین خود بگنجانند و جزای مرگ یا اعدام را فسخ نماید.

- **وضع نمودن قوانین بالای سهولت بخشی‌دن همکاری با محکمه بین‌المللی جنای ICC:** افغانستان قانون روم را بتاريخ 10 فبروری سال 2003 به تصویب رساند. ضروریست تا افغانستان قانونی را وضع نماید که طی آن بتواند با محکمه بین‌المللی جنای ICC همکاری نماید. این قانون این امر را یقینی سازد که حیثیت قانونی محکمه در افغانستان شناخته شود و اینکه مسوولین محکمه بین‌المللی جنای در افغانستان فعالیت نموده بتوانند. در مجموع این قانون باید امتیازات، معافیت‌ها، کارمندان، قونسل، ماهرین و شاهدان محکمه بین‌المللی جنای را به رسمیت بشناسد. همچنان این قانون باید دارای یک ماده اساسی باشد که محاکم و مسوولین افغانی را اجازه دهد تا با اوامر محکمه بین‌المللی جنای کاملاً همکاری نمایند بشمول مواد قوانین، ریکاردها و شواهد فزینی، تعیین موقعیت قربانیان و شاهدان و سهولت بخشی‌دن تحقیقات محکمه و ضمانت‌های دستگیری بین‌المللی.

- **کمیسیون تحقیقاتی ملل متحد:** سازمان عفو بین‌المللی به این عقیده است که قدم اولی به سوی خاتمه دادن عفو و معافیت عبارت از ایجاد یک کمیسیون تحقیقاتی ملل متحد خواهد بود. این کمیسیون باید وضع سیستم عدالت جنای افغانستان را طور همه‌جانبه مطالعه نماید و همچنان این کمیسیون باید روش‌ها و طریق‌های را تحت مطالعه قرار دهد که در آن به سیستم قضایی جهت داشتن ظرفیت تحقیق و تعقیب جنايات بین‌المللی کمک شده بتواند. علاوه، به آن، کمیسیون تحقیقاتی حین اصلاح سیستم عدالت جنای افغانستان باید راجع به میثودهای مصون و موثر خاتمه بخشی‌دن معافیت مشوره بدهد.

- **منع عفو و بخشودگی:** سازمان عفو بین‌الملل حقیقتی را بارز می‌سازد که تحت قوانین بین‌المللی هیچ عفو و بخشودگی برای اشخاص مظنون به ارتکاب جرایم جنگی، جنايات علیه بشریت و سایر تخطی‌های جدی وجود ندارد. اداره انتقالی افغانستان باید تحت قوانین ملی تمام موانع را که سد راه تعقیب و پی‌گرد قانونی باشد از بین ببرد و اینکه تحت قوانین بین‌المللی هیچ عفو و بخشودگی را برای جنايات اجازه ندهد.